بسم الله الرحمن الرحیم

منبع آزمون رشته احکام

از واجبات چه میدانیم

تالیف حجه الاسلام والمسلمین محمود اکبری

جشنواره ملی قرآن و عترت دانشجویان سراسر کشور

مقدمه ۷
فصل اول: کلیات ۸
تعریف واجب ۸
واجبات قرآنی ۸
جایگاه واجبات در روایات ۱۱
نقش واجبات ۱۲
وظایف به اندازه توان انسان ۱۳
انواع واجب ۱۴
معیار مطلوبیت مستحبات ۲۰
اجرت گرفتن بر واجبات ۲۱
شرایط وجوب تکلیف ۲۱
ترک واجبات ۲۱
تزاحم در واجبات ۲۲
کوچک شمردن اوامر الهی ۲۳
فصل دوم: احکام واجبات ۲۴
فراگیری واجبات ۲۴
اوجب واجبات ۲۴
وجوب حفظ نظام ۲۶
وجوب حفظ جان ۲۷
وجوب دفاع ۲۹
وجوب حفظ اسلام ۲۹
وجوب دفاع از دین ۳۰
وجوب تقلید ۳۱
وجوب اخلاص در عبادات ۳۲
وجوب اطلاع رسانی در نجاسات ۳۳
واجبات وضو ۳۴
غسل‌های واجب ۳۵
واجبات غسل ۳۷

واجبات تیمم..... ۳۷
واجبات اموات..... ۳۸
وجوب احترام به مکان‌های مقدس..... ۳۹
وجوب رعایت جهت قبله..... ۴۰
وجوب پوشش در نماز..... ۴۰
نمازهای واجب..... ۴۱
واجبات نماز..... ۴۳
سجده‌های واجب..... ۴۹
موارد وجوب اعاده نماز..... ۵۱
سبک شمردن نماز..... ۵۲
مواردی که واجب است نماز در اول وقت خوانده نشود..... ۵۳
وجوب نماز قصر و اتمام..... ۵۴
سفرهای واجب..... ۵۵
واجبات نماز جماعت..... ۵۶
واجبات نماز جمعه..... ۵۷
نماز قضا..... ۵۷
نماز آیات..... ۶۰
سجده واجب قرآنی..... ۶۲
روزه‌های واجب..... ۶۳
واجبات اعتکاف..... ۶۸
وجوب جواب سلام..... ۶۸
وجوب خمس..... ۶۹
موارد وجوب خمس..... ۶۹
پیامدهای نپرداختن خمس..... ۷۰
وجوب زکات..... ۷۲
وجوب زکات فطره..... ۷۵
موارد رعایت قانون..... ۷۷
وجوب احترام به کلمات مقدس..... ۷۸
حج واجب..... ۷۹

ازدواج واجب..... ۸۰
حقوق واجب زن و شوهر..... ۸۱
وجوب شیردهی به کودک..... ۸۶
حقوق کودک..... ۸۷
وجوب رعایت حقوق والدین..... ۸۸
نفقه حیوان..... ۸۸
وجوب عدّه..... ۸۹
واجبات مال پیدا شده..... ۹۰
وجوب نجات مسلمان..... ۹۲
وجوب وفای به نذر..... ۹۲
اقسام نذر..... ۹۵
وجوب وفای به عهد..... ۹۷
وجوب عمل به قسم..... ۹۷
وجوب وصیت..... ۹۸
وجوب ادای بدهی..... ۱۰۱
وجوب رد مظالم..... ۱۰۳
وجوب دفاع از سرزمین اسلامی..... ۱۰۵
وجوب توبه..... ۱۰۶
وجوب پوشش..... ۱۰۷
وجوب حفظ و رد امانت..... ۱۰۹
وجوب حفظ و رد عاریه..... ۱۰۹
وجوب احترام به تربت امام حسین (ع)..... ۱۱۰
واجبات خرید و فروش..... ۱۱۰
واجبات بیمار..... ۱۱۱
وجوب حفظ آبرو..... ۱۱۱
نیابت در واجبات..... ۱۱۲
واجبات ذبح..... ۱۱۳
وجوب فراگیری علوم..... ۱۱۴
واجبات سیاسی..... ۱۱۴

واجبات نظامی ۱۱۵
وجوب صله رحم ۱۱۵
مرز صله رحم ۱۱۶
وجوب امر به معروف و نهی از منکر ۱۱۷
لزوم اذن پدر ۱۱۹
وجوب دیه ۱۱۹
وجوب اجرای حدود الهی ۱۲۰
واجبات متفرقه ۱۲۱
با مربیان احکام ۱۲۳
اهمیت واجبات ۱۲۳
ترک واجبات ۱۲۴
سه نکته درباره واجب ۱۲۴
شرایط ازدواج مشروع ۱۲۵
مراتب واجبات ۱۲۵
دو نکته درباره توبه ۱۲۶
احکام پنج گانه ۱۲۶
اقسام واجب از نظر زمان ۱۲۶
انجام وظایف دیگران ۱۲۷
چهار نکته درباره نفقه ۱۲۷
پنج نکته درباره نفقه ۱۲۸
اطاعت از شوهر ۱۲۸
چهار نکته درباره شناخت اصول دین ۱۲۸
احترام مؤمن ۱۲۹
اقسام قربانی ۱۳۰
شش نکته درباره ادای بدهی ۱۳۰
امانت ۱۳۰
واجبات غدیر ۱۳۱
وجوب پاسخ به سلام ۱۳۲
اخلاص در عبادات ۱۳۲

چهار نکته در مورد آبرو ۱۳۳
چهار نکته درباره تقلید ۱۳۳
پنج نکته درباره وصیت ۱۳۴
سه نکته درباره دیه ۱۳۵
پنج نکته درباره خمس ۱۳۵
چهار نکته درباره زکات ۱۳۶
اطلاع رسانی درباره نجاسات ۱۳۶
چهار نکته درباره قرائت نماز ۱۳۷
تفاوت‌های نمازهای واجب و مستحب ۱۳۷
تفاوت روزه‌های واجب و مستحب ۱۳۸
دو نکته درباره حفظ حریم دیگران ۱۳۹
چند نکته درباره کفاره ۱۳۹
پنج نکته درباره کفاره ۱۴۰
دو نکته در باره امر به معروف و نهی از منکر ۱۴۱
سه نکته درباره حفظ جان مسلمان ۱۴۲
دو نکته درباره کسب مال حلال ۱۴۲
صله رحم ۱۴۲
لزوم تقیه ۱۴۳
سه نکته درباره قسم ۱۴۳
چهار نکته درباره احترام والدین ۱۴۳
ماه گرفتگی ۱۴۳
اصل و فرع ۱۴۴
سه نکته درباره عهد ۱۴۴

مقدمه

ادای واجبات و اجتناب از محرمات امری است که همواره در منابع اسلامی مورد تأکید بوده است. قرآن یکی از صفات مؤمنان را کوشش در جهت ادای واجبات و ترک محرمات دانسته است.[1]

امام علی (ع) در پاسخ به سؤالی درباره برترین اعمال فرمود:

أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ[2]

ادای واجبات و دوری از محرمات.

فقها انتخاب آزادانه مشاغل مباح را به برخورداری شاغل از امکان انجام واجبات و ترک محرمات در آن شغل مشروط نموده و فرموده‌اند که تصدی شغلی که به فرد امکان انجام واجبات و ترک محرمات را نمی‌دهد جایز نیست.[3]

در پاره‌ای از امور همچون امام جماعت، مرجع تقلید، قاضی و ... برخورداری از عدالت شرط اساسی است، فقها تحقق عدالت را به ادای واجبات و ترک محرمات می‌دانند.[4]

این نوشتار مجموعه‌ای است از واجبات الهی در زمینه‌های اعتقادی، عبادی، اجتماعی، اقتصادی و ... بدان امید که بتواند برای مکلفان، مبلغان و مربیان مفید واقع شود.

والسلام

محمود اکبری

۱- مؤمن/ ۶.

۲- میزان الحکمه، ح ۲۷۳۰.

۳- سرائر، ابن ادریس، ج ۲، ص ۲۲۵.

۴- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۰؛ شرح لمعه، ج ۱، ص ۷۹۲؛ مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۱۵۶.

فصل اول: کلیات

تعریف واجب

واجب چیزی است که مکلف اگر آن را ترک کند، مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد.[1] وجوب عبارت است از الزام شارع مکلف را به عملی همچون نماز و روزه، در نتیجه واجب به فعلی گفته می‌شود که شارع آن را از مکلف خواسته است.[2]

واجبات قرآنی

بسیاری از واجبات، ریشه قرآنی دارد. به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

وجوب اطاعت از خدا و رسول

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُم[3]

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [اوصیای پیامبر] را!

وجوب نماز و زکات

وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ[4]

و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)!

وجوب وضو، غسل و تیمم

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضى أَوْ عَلى سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ مِنْه[5]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی روی پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و ازآن، بر صورت [پیشانی] و دست‌ها بکشید!

۱- فرهنگ علوم، ص ۵۶۹.

۲- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۳۵۵.

۳- نساء/ ۵۹.

۴- بقره/ ۴۳.

۵- مائده/ ۶.

وجوب روزه

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ[1]

ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید.

وجوب امر به معروف و نهی از منکر

وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُون[2]

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.

وجوب ادای امانت

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها[3]

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید!

وجوب حفظ نگاه از نامحرم

قُلْ لِلْمُؤْمِنينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِكَ أَزْكى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبيرٌ بِما يَصْنَعُون[4]

به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است!

وجوب توبه

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَميعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ[5]

همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!

وجوب دفاع

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُم[6]

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!

۱- بقره/ ۱۸۳.

۲- آل عمران/ ۱۰۴.

۳- نساء/ ۵۸.

۴- نور/ ۳۰.

۵- نور/ ۳۱.

۶- انفال/ ۶۰.

وَ قاتِلُوا فی سَبیلِ اللَّهِ الَّذینَ یُقاتِلُونَکُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدینَ[1]

و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدّی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد!

وجوب جهاد

کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِتالُ وَ هُوَ کُرْهٌ لَکُمْ وَ عَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَ هُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ عَسی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَکُمْ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُون[2]

جهاد در راه خدا، برشما مقرّر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن

است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آن که شرِّ شما در آن است. و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید.

نفقه واجب

وَ عَلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ کِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوف[3]

و بر آن کس که فرزند برای او متولّد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد؛

موارد وجوب قصاص و دیه

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصاصُ فِی الْقَتْلی الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثی بِالْأُنْثی فَمَنْ عُفِیَ لَهُ مِنْ أَخیهِ شَیْءٌ فَاتِّباعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَداءٌ إِلَیْهِ بِإِحْسانٍ ذلِکَ تَخْفیفٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدی بَعْدَ ذلِکَ فَلَهُ عَذابٌ أَلیمٌ[4]

ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد،) باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.) و او [قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد؛ (و در آن،

۱- بقره/ ۱۹۰.

۲- بقره/ ۲۱۶.

۳- بقره/ ۲۳۳.

۴- بقره/ ۱۷۸.

مسامحه نکند.) این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت.

وجوب حج

وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا[1]

و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند.

وجوب وفای به عهد

أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذا عاهَدْتُم[2]

هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید!

وجوب وصیت

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّةُ لِلْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِين[3]

بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کند! این حقّی است بر پرهیزکاران!»

جایگاه واجبات در روایات

روایات بسیاری در زمینه جایگاه و ارزش واجبات در منابع روایی وجود دارد. به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

امام علی (ع) در نامه‌ای به عثمان بن حنیف فرمود:

طُوبَى لِنَفْسٍ أَدَّتْ إِلَى رَبِّهَا فَرْضَهَا[4]

خوشا کسی که آنچه پروردگارش بر عهده وی نهاده، ادا نماید.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

يا علي إذا رَأَيتَ النّاس يَشتَغِلُونَ بِالفَضائل فَاشتَغل أنتَ بِاتمامِ الفَرائِض[5]

ای علی! هر گاه دیدی مردم به مستحبّات اشتغال دارند، تو، به کامل ساختن واجبات بپرداز.

امام علی (ع) فرمود:

۱- آل عمران/ ۹۷.

۲- نحل/ ۹۱.

۳- بقره/ ۱۸۰.

۴- تصنیف غررالحکم، ص ۱۷۶؛ نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۵- الحکم الزاهره، با ترجمه انصاری، ص ۷۴۷.

الْفَرَائِضَ الْفَرَائِضَ أَدُّوهَا إِلَى اللَّهِ تُؤَدِّكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ[1]

واجبات! واجبات! درانجام واجبات‌کوتاهی نکنید تاشما رابه‌بهشت رساند.

همچنین فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا[2]

همانا خدا بر عهده شما واجب‌هایی نهاده، آن را ضایع مکنید!

نیز فرمود:

لَا عِبَادَةَ كَأَدَاءِ الْفَرَائِضِ[3]

هیچ عبادتی همچون ادای واجبات نیست.

امام سجاد (ع) فرمود:

مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ[4]

هر کس واجبات خداوند را انجام دهد از بهترین مردمان می‌باشد.

نقش واجبات

واجبات نقش مناسبی در خودسازی انسان دارند. نماز انسان را از بدی‌ها و زشتی‌ها دور می‌سازد؛ روزه‌داری، تن‌پروری را مهار می‌کند؛ جهاد به اقتدار و توانایی انسان‌ها کمک می‌نماید؛ حج دانشگاه بندگی است و خمس و زکات ضمن این که انسان را از وابستگی‌های مادی نجات می‌دهد، زمینه‌ای است برای کمک به دین و حمایت از دیگران و به نوعی بیمه اجتماعی است. توجه به واجبات زمینه قرب به خداوند را فراهم می‌نماید. امام صادق (ع) فرمود:

قَالَ اللَّهُ مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ[5]

خداوند متعال می‌فرمایند چیزی بنده مرا به اندازه عمل به واجبات نزد من محبوب نمی‌سازد.

راه‌های احیاء واجبات

برای احیاء واجبات راه‌های گوناگونی وجود دارد که عبارتند از:

۱. نقش خانواده

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷؛ بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۲۹۰.

۲- همان، قصار ۱۰۵.

۳- همان، قصار ۱۱۳.

۴- بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۴۰۲.

۵- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۲.

پدر و مادر با عمل به واجبات و تشویق و ترغیب فرزندان خود به انجام واجبات، می‌توانند نقش مؤثری در احیاء واجبات در خانواده خود ایفا کنند.

۲. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از راه‌های احیاء واجبات، امر به معروف و نهی از منکر است.

امام حسین (ع) فرمود:

إِذَا أُدِّيَتْ وَ أُقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا[۱]

چون فریضه (امر به معروف و نهی از منکر) ادا گردد و برپاداشته شود تمام فرایض و واجبات دیگر، برپاداشته می‌شوند.

۳. نقش رسانه

یکی از زمینه‌های احیاء واجبات، آموزش و فرهنگ‌سازی واجبات در رسانه است، به شکل‌های گوناگون همچون تهیه فیلم و سریال، گفتمان‌ها و پخش آموزش‌ها و سخنرانی‌های گوناگون در زمینه واجبات.

۴. نقش مراکز آموزشی

یکی از زمینه‌های احیاء واجبات، توجه به واجبات در متون آموزشی و مراکز آموزشی است که هم به صورت تدریس واجبات و هم توجه عملی مسئولین آموزشی نسبت به واجبات است. مدارسی که دبیران و کارکنان آن متدین و مقید به انجام واجبات بوده‌اند به یقین دانش آموزان آن مدارس علاقه بیشتری به انجام واجبات داشته‌اند.

۵. پایبندی مؤمنان نسبت به واجبات

بسیار شده است مؤمنانی که در زندگی فردی و اجتماعی خود آنچنان مقید به انجام واجبات بوده‌اند که باعث تأثیر گذاری در اطرافیان آنها شده است.

وظایف به اندازه توان انسان

یکی از سنت‌های الهی در بُعد تکالیف، آسان و در حد توان بودن تکالیف است. به این موضوع در آیاتی از قرآن اشاره شده است.[۲]

مثلًا در شبانه روز تنها هفده رکعت نماز واجب شده است و در سال تنها سی روز روزه واجب گشته و در همه عمر فقط یک بار حج در صورت مستطیع شدن واجب است و این سهولت در تمام احکام مالی و

۱- تحف العقول، ص ۲۳۷.

۲- انعام/ ۱۵۲؛ طلاق/ ۷؛ بقره/ ۲۸۶؛ اعراف/ ۴۲؛ مؤمنون/ ۶۲.

عبادی دیگر نیز ملاحظه شده است. و انجام دادن دستورهای اسلام بر هیچ کس سخت و سنگین نمی‌باشد.

قرآن کریم می‌فرماید:

یُریدُ اللَّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لا یُریدُ بِکُمُ الْعُسْر[1]

خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را!

قرآن درباره پیرمردان و پیرزنانی که توان روزه گرفتن ندارند مگر با صرف تمام طاقت خود، تحمل مشقت را برای آنان لازم نمی‌داند و می‌فرماید:

... فَمَنْ کانَ مِنْکُمْ مَریضاً أَوْ عَلی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَیَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَی الَّذینَ یُطیقُونَهُ فِدْیَةٌ طَعامُ مِسْکین ...[2]

و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت‌فرساست؛ (همچون بیماران مزمن، و پیر مردان و پیر زنان،) لازم است کفّاره بدهند: مسکینی را اطعام کنند.

انواع واجب

واجب به‌عنوان مهم‌ترین تکلیف، دارای دسته‌بندی‌های مختلفی است. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

۱. واجب نفسی و غیری

در واجب نفسی، خود عمل واجب است نه برای رسیدن به عمل دیگر، مانند نماز و روزه.

و واجب غیری عملی است که برای رسیدن به واجب دیگر واجب شده است، مانند وضو، غسل جنابت، پاک کردن لباس از نجاست برای نماز و ...

۲. واجب تعبدی و توصّلی

واجب تعبدی عملی است که باید آن را به قصد قربت و عبادت به جای آورد وگرنه باطل خواهد بود مانند نماز و روزه.[3]

و واجب توصلی آن است که انجام اصل عمل کافی است گرچه به قصد قربت نباشد مانند ادای بدهی، شستن لباس نجس و پاک کردن بدن برای نماز، تطهیر مسجدی که نجس شده و ...

۳. واجب تعیینی و تخییری

۱- بقره/ ۱۸۵.

۲- بقره/ ۱۸۴.

۳- فرهنگ علوم، ص ۵۶۹.

واجب تعیینی آن است که عمل معین به شکل خاصی از مکلف خواسته شده مانند نمازهای یومیه.

و واجب تخییری آن است که یکی از چند عمل، به نحو تخییر خواسته شده است مانند نمازجمعه و ظهر در روز جمعه، و یاکفاره افطار روزه رمضان که شخص می‌تواند یکی از دو کفاره مشخص شده (۶۰ روز روزه یا غذا دادن به ۶۰ فقیر) را انتخاب و انجام دهد یا انسان مخیر است غسل را ترتیبی یا ارتماسی انجام دهد و یا در رکعت سوم و چهارم انسان مخیر است حمد بخواند یا تسبیحات اربعه.

۴. واجب عینی و کفایی

واجب عینی آن است که از همه مکلفین خواسته شده و تک تک مکلفین باید شخصاً آن را انجام دهند مانند نماز وروزه و باانجام دیگران، وظیفه از مکلف ساقط نمی‌شود.[۱]

واجب کفایی آن است که یک عمل معین، از همگان خواسته شده، مانند غسل میت، نماز میت، دفن میت و ... و همه وظیفه دارند که برای انجام آن عمل به پا خیزند؛ و اگر یکی آن را به جا آورد، از دیگران ساقط می‌شود.[۲]

۵. واجب مطلق و مشروط

واجب مطلق آن است که وجوب عمل، قید و شرطی ندارد، مانند واجب بودن جواب سلام.

واجب مشروط عملی است که وجوب آن، قید و شرط دارد مانند حج که وجوبش مشروط به استطاعت است، یعنی حج وقتی واجب می‌شود که فرد، شرایط لازم مانند قدرت مالی، بدنی و ... را داشته باشد به مجموعه این شرایط، استطاعت می‌گویند.[۳]

۶. واجب منجَّز و معلَّق

واجب معلق واجبی است که در آن حکم وجوب به مکلّف تعلق گرفته اما حصول و انجام آن متوقف بر امر دیگری است که فعلًا مقدور نمی‌باشد و واجب منجز آن است که حصول و انجام واجب متوقف بر امر غیر مقدوری نیست.[۴] و به اصطلاح فنی زمان انجام واجب مدتی پس از زمان فعلیت و ثبوت حکم از طرف شارع است. مثلًا فرض کنید شخصی در ماه رمضان توانایی و استطاعت انجام حج را پیدا کرده و به اصطلاح مستطیع شده است، در چنین فرضی حکم وجوب حج بر عهده وی ثابت می‌شود اما زمان انجام

۱- مجمع الفائده و البرهان، ص ۲۴۸.

۲- فرهنگ علوم، سید جعفر سجادی، ص ۵۷۲؛ قوانین الاصول، ص ۱۲۰.

۳- آموزش فقه، محمدحسین فلاح زاده، ص ۲۵؛ اصول الفقه، ج ۱، ص ۸۷.

۴- الفصول الغرویه، محمدحسین اصفهانی، ص ۷۹.

حج هنوز فرانرسیده و مکلف باید منتظر بماند تا ایام حج که ماه ذی الحجه است فرا برسد. این نوع واجب را واجب معلق می‌نامند؛ زیرا با حصول استطاعت، حکم وجوب حج به مکلف تعلق گرفته اما انجام حج معلق به فرا رسیدن موسم حج است. اما در واجب منجز انجام واجب متوقف بر امر غیر مقدوری نیست مانند وجوب نماز که پس از فرا رسیدن وقت آن مثلًا هنگامی که وقت نماز

فرا رسید حکم وجوب نماز بر شخص ثابت و همزمان وقت انجام آن نیز آغاز می‌شود.

۷. واجب شرعی و عقلی

واجب شرعی عملی است که درقرآن و سنت پیامبر و امامان معصوم، واجب شمرده شده است.

واجب عقلی، عملی است که عقل انسان آن را لازم داند، مثلًا اگر بر کسی حج واجب شود، عقل مکلف، لازم می‌بیند که وسایل سفر را تهیه نماید، در این صورت خود حج واجب شرعی و تهیه مقدمات آنها واجب عقلی است و یا نیکی در مقابل نیکی، شکر در مقابل نعمت، و نیز پرهیز از ظلم و دروغ و ...[۱]

۹. واجب موسّع و مضیق

واجب موسع عملی است که وقت بجا آوردن آن وسیع و بیش از زمان عمل باشد و مکلف بتواند عمل را در آن وقت انجام دهد. مانند نماز ظهر که وقتش از اول اذان ظهر است تا وقت اختصاصی نماز عصر.

واجب مضیق عملی است که وقت آن، مشخص و دقیقاً به اندازه وقتی باشد که آن عمل نیاز دارد، مانند روزه هر روز ماه رمضان که وقتش از اذان صبح است تا مغرب، نه ممکن است آن را جلو انداخت و نه عقب.[۲]

اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار طلب خود را مطالبه کند و او توانایی پرداخت بدهی خود را داشته باشد، اول باید قرض خود را ادا نماید و بعد نماز بخواند.[۳]

اگر وقت کافی برای نماز باشد و مسجد نجس شود، تطهیر مسجد اولویت دارد و اگر وقت نماز تنگ باشد، اولویت با خواندن نماز است.[۴]

کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد، می‌تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید.[۱]

۱- موسوعة الامام الخوئی،(محاضرات فی علم الاصول)، ج ۴۴، ص ۱۱۱؛ دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۴۴۳.

۲- اصول الفقه، ج ۱، ص ۹۴؛ دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۴۴۳.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۷۵۴.

۴- همان، م ۷۵۴.

۱۰. واجب فوری و غیر فوری

واجب فوری عملی است که باید بدون تأخیر انجام داد، همچون جواب سلام، نماز آیات بعد ازحوادث طبیعی، ادای بدهی‌هایی‌که وقتشان رسیده و طلبکاران هم آن را مطالبه کرده‌اند و ...

اگر چیزی را که مخصوص استفاده در مکان خاصی است بیرون ببرد باید فوراً به آن مکان برگرداند مانند کتاب به کتابخانه، مهر به مسجد و ...[۲]

اگر معتکف به جهت ضرورت از مسجد بیرون رود، اعتکافش باطل نیست ولی باید فوراً به مسجد برگردد.[۳]

اگر به نام پیامبر یا ائمه (علیهم السلام) بی احترامی شود، باید فوراً رفع هتک شود.[۴]

کسی که در مسجد محتلم شده، باید فوراً از مسجد خارج شود.[۵]

واجب است مال غصبی را سریعا به صاحبش برگرداند.

توبه یکی از واجبات فوری است یعنی به مجرد ارتکاب حرامی یا ترک واجبی باید فوراً توبه نمود.[۶]

کسی که معصیتی کرده، واجب است فوراً توبه کند و معنای توبه این است که با پشیمانی از گناهی که کرده تصمیم بگیرد تکرار نکند. اگر حق الله است و نیاز به قضا دارد، قضا نماید و اگر حق الناس است آن را ادا نماید.[۷]

واجبات غیر فوری، اموری است که نیازمند عجله در بجا آوردن آنها در اولین فرصت لازم نیست و می‌توان در فرصتی دیگر به آن پرداخت، مانند نماز قضا و ادای کفاره.[۸]

وقت کفارات موسع است و تأخیر آن تا حدی که سهل انگاری نباشد، جایز است.[۹]

اگر روزه‌دار در روز محتلم شود، واجب نیست فورا غسل کند.[۱۰]

۱۲. واجب مطلق و مقید

۱- همان، م ۱۷۰۰.

۲- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۳، ص ۶ ..

۳- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۰۸، السابعه.

۴- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۱۰۱، م ۱۴۰.

۵- تعلیقات عروه، مکارم، ج ۲، م ۹.

۶- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۴۷، م ۵؛ منهاج الصالحین خویی، ج ۱، ص ۳۶۴، م ۶.

۷- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۳، ص ۵۸۷، س ۵۷.

۸- عروة الوثقی، ج ۱، فی صلاة القضاء، م ۲۷؛ اصول الفقه، ج ۱، ص ۹۴؛ دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۴۴۳.

۹- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۳۳، م ۲۳.

۱۰- توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۳۲.

واجب مطلق آن است که شارع برای ادای آن وقت معینی تعیین نکرده است و از قید زمان آزاد است. مانند کفاره روزه و نذر.[۱]

واجب مقید آن است که شارع برای ادای آن وقت معینی را تعیین نموده باشد مانند نمازهای پنجگانه، و روزه رمضان.[۲]

۱۳. واجب ذاتی و عرضی

واجب ذاتی عبارت است از واجبی که وجوب آن بدون واسطه به چیزی تعلّق بگیرد مانند روزه رمضان، نماز و حج واجب.

واجب عرضی عبارت است از واجبی که وجوب آن به واسطه نذر، عهد و قسم باشد.[۳]

۱۶. واجب مالی و غیر مالی

برخی از واجبات افعالی استکه شخص باید انجام دهد، مانند نماز و روزه و برخی از واجبات جنبه مالی دارند مانند خمس، زکات، کفاره و ...[۴]

۱۷. واجب استقلالی و ضمنی

واجب استقلالی عبارت است از واجبی که وجوب آن به نحو مستقل به امری تعلّق می‌گیرد مانند سجده واجب قرآن.

واجب ضمنی عبارت است از واجبی که وجوب آن در ضمن وجوب کل (مرکب)، تحقّق پیدا می‌کند، مانند سجده نماز.[۵]

۱۸. واجبات مقطعی و همیشگی

برخی از واجبات همیشگی است مانند نماز و روزه، و برخی از واجبات مقطعی است مانند خواندن نماز آیات که در شرایط خاصی بر مکلف واجب می‌شود.[۶]

۱۹. واجب موقت و غیر موقت

واجب یا موقت (وقت دار) است مانند نماز یا غیر موقت است مانند امر به معروف و نهی از منکر.[۱]

۱- همان، واژه‌ها و اصطلاحات فقهی، ص ۳۱.

۲- فرهنگ علوم، سید جعفر سجادی، ص ۵۷۲؛ قوانین الاصول، ص ۱۲۰.

۳- اجود التقریرات، ج ۱، ص ۲۱۳؛ دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۴۴۲.

۴- فرهنگ علوم، سید جعفر سجادی، ص ۵۷۲؛ قوانین الاصول، ص ۱۲۰.

۵- موسوعة الامام الخوئی،(محاضرات فی علم الاصول)، ج ۴۳، ص ۵۲۲؛ دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۴۴۲.

۶- فرهنگ علوم، سید جعفر سجادی، ص ۵۷۲؛ قوانین الاصول، ص ۱۲۰.

۲۰. واجبات اعتقادی

برخی ازواجبات جنبه اعتقادی دارد و بر هر مسلمانی واجب است به آن اعتقاد داشته باشد مانند اعتقاد به اصول دین، راضی بودن به قضای الهی، تعلیم عقاید، اطاعت از خداوند، حُبّ اولیاء خدا، حُسن ظن به خدا.

تحصیل اعتقاد به اصول دین و مبانی اسلام، بر هر مسلمانی واجب است.[۲]

پرسش: وجوب یادگیری اصول عقاید، شرعی است یا عقلی؟

پاسخ: هم عقلی است و هم شرعی.[۳]

شناخت اصول دین واجب است و برخی از بزرگان فرموده‌اند از اهم واجبات است.[۴]

معرفت خداوند، واجب عینی بر تمام مکلفین است.[۵]

اعتقاد به خاتمیت پیامبر (ص) واجب است.[۶]

اعتقاد به امامت و ولایت ائمه (علیهم السلام) و شناخت امام زمان (ع) و نیز پیروی از ایشان و اطاعت از دستوراتشان و برائت از دشمنان آنان بر همه مکلفان واجب است.[۷]

تمسک به قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) واجب است.[۸]

دوست داشتن ائمه (علیهم السلام) و نیز دوستانشان واجب است.[۹]

درود فرستادن بر پیامبر و آل او (علیهم السلام) در تشهد نماز واجب است.[۱۰]

از آنجا که صلوات بر پیامبر (ص) ملازم با صلوات بر خاندان آن حضرت است هرجا که صلوات بر آن حضرت واجب باشد مانند خطبه نماز جمعه و تشهد، صلوات بر آنان نیز به تبع واجب خواهد بود.[۱۱]

شک اگر به صورت وسوسه درآمد برطرف کردنش در مسائل اعتقادی واجب است.[۱۲]

۱- همان، ص ۵۷۲؛ قوانین الاصول، ص ۱۲۰.

۲- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۱، ص ۵۷۱.

۳- استفتائات بهجت، ج ۱، ص ۹، س ۱۱.

۴- منهج الرشاد، آیة الله بروجردی، ص ۳.

۵- شرح باب حادیعشر، ص ۲۰.

۶- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۴۱۴.

۷- همان.

۸- همان.

۹- همان.

۱۰- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۰۰.

۱۱- فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۸۵.

۱۲- همان.

معیار مطلوبیت مستحبات

بسیارند افرادی که به مستحبات بیش از واجبات اهمیت می‌دهند و چه بسا واجبات را فدای مستحبات می‌کنند.

نمونه‌ها: برخی خمس و زکات واجب را نمی‌دهند اما صدقات مستحبی را می‌دهند. برخی از مردم برای فراگیری واجبات دینی خود قدمی بر نمی‌دارند اما برای نیازهای غیرواجب خود نهایت سعی و تلاش را به کار می‌برند.

نمازهای واجب خود را نمی‌خوانند اما برخی از نمازهای مستحبی را می‌خوانند.

اهل ذکر و دعا و قرائت قرآن هستند اما حجاب خود را رعایت نمی‌کنند.

روزه واجب را نمی‌گیرند اما روزه مستحبی را می‌گیرند.

بدهی‌های خود را نمی‌دهند اما سفره اطعام و خیرات پهن می‌کنند.

برای اموات خیرات می‌دهند ولی بدهی‌های اموات را نمی‌دهند.

در احادیث آمده است که توجه به مستحبات نباید ما را از واجبات باز دارد. امام علی (ع) فرمود:

إِذَا أَضَرَّتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْفُضُوهَا[1]

اگر مستحبات به واجبات زیان رساند، مستحبات را ترک نمایید.

همچنین فرمود:

لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا أَضَرَّتْ بِالْفَرَائِضِ[2]

اگر نوافل، به واجبات زیان رساند، انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند.

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه به جا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز، مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید آن مستحب را به‌جا نیاورد مثلًا اگر به‌واسطه خواندن قنوت یا اذان و اقامه مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود باید قنوت را نخواند.[3]

راز رها کردن واجبات و پرداختن به مستحبات می‌تواند علاقه خاص انسان به مستحبات باشد خواه به سبب آن که عامه مردم آن را بیشتر می‌پسندند مانند شرکت در ساختن مؤسسات خیریه نسبت به پرداختن وجوهات شرعیه یا به سبب این که انجام مستحبات نشاط آور است و انجام واجبات چندان نشاطی ندارد

۱- نهج البلاغه، قصار ۲۷۹.

۲- همان، قصار ۳۹.

۳- توضیح المسائل مراجع، م م ۷۴۷.

مثلًا انسان در سفرهای زیارتی نشاط پیدا می‌کند ولی هرگاه بخواهد نمازهای قضای واجب را به جا بیاورد، ملالت پیدا می‌کند. بعضی از مردم نیز می‌پندارند واجبات ثوابی ندارند چون وظیفه انسان است ولی مستحبات ثواب فراوانی دارد، غافل از این که ثواب واجبات بسیار بیشتر است و ...

اجرت گرفتن بر واجبات

احتیاط واجب آن است‌که برای یاد دادن واجبات نماز مزد نگیرند، ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد.[1]

گرفتن اجرت برای چیزی که انجام دادن آن برشخص‌واجب است حرام می‌باشد، گرچه واجب کفایی باشد. مانند غسل و کفن و دفن میت.[2]

پرسش: آیا جایز است در برابر آموزش مسائل شرعی به مردم اجرت گرفت؟

پاسخ: هرچند آموزش مسائل حرام و حلال فی نفسه واجب است و اجرت گرفتن در برابر آن جایز نیست، ولی گرفتن اجرت برای مقدماتی که اصل آموزش احکام متوقف بر آنها نیست و شرعاً هم بر انسان واجب نیستند مانند حضور در مکان خاص، اشکال ندارد.[3]

پرسش: آیا گرفتن اجرت برای غسل دادن میت جایز است؟

پاسخ: غسل‌دادن میت مسلمان عبادت و واجب کفایی است و اجرت گرفتن در برابر آن جایز نیست.[4]

شرایط وجوب تکلیف

در صورتی واجبات متوجه افراد می‌شود که دارای شرایط زیر باشند:

بلوغ، عقل و قدرت بر انجام واجب.

ترک واجبات

واجبات الهی بسیارند ولی‌مهم‌ترین آنها عبارتند از: نماز، روزه، زکات، حج و ... و ترک کردن چیزی از واجبات الهی حرام و گناه کبیره است. قرآن کریم می‌فرماید:

فَلْيَحْذَرِ الَّذينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصيبَهُمْ عَذابٌ أَليم[5]

پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردناک به آنها برسد!

۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۹۹.

۲- تحریرالوسیله، ج ۱، فی المکاسب المحرمه، م ۱۸.

۳- اجوبهٔ الاستفتائات، س ۱۱۱۲.

۴- اجوبهٔ الاستفتائات، س ۱۱۱۴؛ حلال و حرام، محمد وحیدی، نشر سنابل، ص ۱۶۴.

۵- نور/ ۶۳.

بعضی از مفسران گفته‌اند ممکن است مراد از فتنه در دنیا باشد و عذاب الیم در آخرت و ممکن است فتنه و عذاب هر دو درآخرت باشد.

امام علی (ع) فرمود:

مَا أَوْهَنَ الدِّينَ كَتَرْكِ إِقَامَةِ دِينِ اللَّهِ وَ تَضْيِيعِ الْفَرَائِض[1]

خوار نکرده دین را چیزی مانند ترک بر پای داشتن دین خدا و ضایع کردن فرایض.

امام صادق (ع) فرمود:

لَا يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى عَبْدٍ وَ لَا يُزَكِّيهِ إِذَا تَرَكَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّه[2]

خداوند به بنده‌ای که واجبی از واجبات الهی را ترک کند، نظر مرحمت نمی‌افکند و او را پاک و پاکیزه نمی‌گرداند.

نماز یکی از مهم‌ترین واجبات الهی است که ترک آن از گناهانی است که در قرآن وعده عذاب داده شده است.

... يَتَساءَلُونَ* عَنِ الْمُجْرِمِينَ* ما سَلَكَكُمْ فی سَقَرَ* قالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّين[3]

... سؤال می‌کنند* از مجرمان* چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟!* می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم

تزاحم در واجبات

مکلفی که با دو واجب شرعی یکی اهم و دیگری مهم مواجه است و به جهت هم‌زمان بودن وجوب هر دو، تنها به انجام یکی از آن دو قدرت دارد باید واجب اهم را انجام دهد و در آن زمان موظف به انجام دادن واجب دیگر نیست.[4]

در شرایطی که چندین واجب در یک زمان برای کسی مطرح شود، باید بر اساس اهم و مهم وظیفه خود را شناخت. مثلًا واجبی که وقتش تنگ است یا فوری است مانند نماز آیات، مقدم است و یا واجبی که مربوط به ادای حق الناس است، در برخی از موارد مقدم است و ...

نکته: کسی که بدهکار است و مالی دارد که زکات آن واجب شده اگر بمیرد، باید اول تمام زکات را ازمالی که زکات آن واجب شده بدهند بعد قرض او را ادا نمایند.[5]

۱- تصنیف غررالحکم، ص ۸۶.

۲- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۰۷.

۳- مدثر/ ۴۳- ۴۰؛ گناهان کبیره، آیة الله دستغیب، ج ۲، ص ۲۲۹.

۴- فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۴۳۹.

۵- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۱۸۹۳.

کوچک شمردن اوامر الهی

یکی از گناهان بزرگ در اسلام کوچک شمردن اوامر و نواهی الهی است که به آن استخفاف و بی اعتنایی به دین نیز گفته می‌شود، و آن اقسامی دارد:

الف) واجبی از واجبات را ضد ارزش بداند، نظیر کسی که حجاب اسلامی را ضد ارزش بداند.

ب) واجبی از واجبات و حرامی از محرمات را اگرچه ضد ارزش نمی‌داند ولی در عمل به آن اهمیت نمی‌دهد، نظیر کسی که با عذر غیرموجهی نماز را ترک می‌کند مثلًا در مسافرت چون وضو و نماز برای او مشکل است آن را ترک می‌نماید یا نماز را در اول وقت نمی‌خواند و نظیر زنی که در میان مردم موی سرش را نمی‌پوشاند. این قسمت نیز از گناهان بزرگ است، یعنی علاوه بر گناه اصل عمل، گناه بی اعتنایی به اوامر و نواهی الهی را هم دارد.

ج) تبلیغ علیه واجبی از واجبات یا تبلیغ برای حرامی از محرمات نظیر کسی که علیه نماز یا روزه یا حجاب و مانند اینها تبلیغ کند و آنها را کوچک و بی‌ارزش قلمداد نماید.

آنچه در واجبات و محرمات گفته شد در مستحبات و مکروهات نیز صدق می‌کند زیرا ترک مستحبات و فعل مکروهات گرچه اشکالی ندارد ولی اگر بر ترک مستحب یا انجام مکروه استخفاف صدق کند حرام است.[1]

۱- توضیح المسائل آیة الله مظاهری، نشر مؤسسه الزهرا، ص ۵۰۰.

فصل دوم: احکام واجبات

فراگیری واجبات

فراگیری تکالیف شرعی و احکام اسلامی در زوایای مختلف زندگی به ویژه اموری که همه روزه با آن سرو کار داریم یک ضرورت و وظیفه دینی است که ضامن سعادت و کامیابی دنیوی و اخروی است. در این راستا مراجع معظم تقلید به گونه‌های مختلف به این مهم اشاره نموده‌اند، به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است، یاد بگیرد.[1]

فراگیری حکم هر کاری که از مکلف صادر می‌شود واجب است خواه از عبادات باشد و خواه از معاملات و امور عادی.[2]

فراگرفتن احکام شرعی بر جاهل به آنها واجب است.[3]

بر هرکس که خودش به تجارت و سایر انواع کسب اشتغال دارد واجب است احکام و مسایل مربوط به آن را فرا بگیرد تا صحیح آن را از فاسدش بشناسد و از ربا در امان بماند و مقدار لازم آن است که حکم تجارت و معامله‌ای را که انجام می‌دهد بداند.[4]

پرسش: آیا کسی که در آموختن احکام دینی مورد نیاز خود کوتاهی می‌کند، گناهکار است؟

پاسخ: اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بینجامد، گناهکار است.[5]

اوجب واجبات

همان گونه که بدن دارای اعضای متفاوتی است و از نظر اهمیت و اولویت، متفاوت است، مانند سر و قلب نسبت به بقیه اعضا؛ واجبات نیز چنین هستند و برخی از آنها نسبت به بقیه دارای اهمیت بیشتری هستند، مانند نماز.

امام علی (ع) فرمود:

أُوصِيكُمْ بِالصَّلَاةِ وَ حِفْظِهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَ هِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ[6]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱.

۲- عروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۱، م ۲.

۳- همان، ص ۲۸؛ فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۱۵۱.

۴- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۰۰، م ۲۱.

۵- اجوبة الاستفتائات، س ۶؛ عروة الوثقی، ج ۱، تقلید، م ۲۸.

۶- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۷.

شما را سفارش به نماز و نگهداری آن می کنم زیرا که نماز بهترین عمل است نماز ستون دین شما است.

امام صادق (ع) فرمود:

بُنِی الْإِسْلَامُ عَلَی خَمْسِ دَعَائِمَ عَلَی الصَّلَاةِ وَ الزَّکَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ وَلَایَةِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ (علیهم السلام)[1]

اسلام بر پنج ستون سازمان یافته، بر نماز، زکات، روزه، حج و ولایت امیر مؤمنان و امامان از فرزندانش.

همچنین فرمود:

إِنَّ أَوَّلَ مَا یُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا[2]

حسابرسی اعمال بندگان، از نماز آنان شروع می‌شود؛ اگر نماز کسی پذیرفته شود، سایر اعمال او پذیرفته خواهد گشت.

شخصی از امام علی (ع) پرسید: واجب چیست و واجب‌تر چیست؟ حضرت فرمود:

الْوَاجِبُ هُوَ التَّوْبَةُ وَ تَرْکُ الذُّنُوبِ هُوَ الْأَوْجَب[3]

واجب توبه است و واجب‌تر ترک گناه است.

برخی از واجبات به عنوان مهم‌ترین واجبات محسوب شده است در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

۱. اخلاص در عبادت از اوجب واجبات است.[4]

۲. احسان به والدین، بعد از توحید از اوجب واجبات است.[5]

البته احسان‌هایی که ترک آن موجب اذیت والدین می‌شود.

۳. حفظ نظام از اوجب واجبات است.[6]

۴. حفظ نفس محترمه از مهم‌ترین واجبات است[7]

۵. حفظ عرض، آبرو و ناموس.

۱- امالی صدوق، ص ۲۶۸.

۲- بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۵۲؛ کافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۳- همان، ج ۷۵، ص ۳۱.

۴- تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۷۹.

۵- همان.

۶- کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲، ص ۴۶۶.

۷- فقه اهل بیت، ش ۱۹، ص ۹۲ و ش ۲۵، ص ۳۱.

وجوب حفظ نظام

کمک به اداره حکومت اسلامی یکی از واجبات مسلّم هر مسلمانی است، چون اجرای احکام و حدود الهی و تبلیغ دین خدا و رسیدگی به مظلومان و مستضعفان متوقف بر تشکیل حکومت اسلامی است.

حفظ نظام در سخنان فقها در سه معنا به کار می‌رود:

۱. کیان کشور اسلامی (حفظ بیضه اسلام).[۱]

۲. حفظ نظام معیشتی جامعه و جلوگیری از هرج و مرج و ...[۲]

اسلام برای حفظ نظام به اندازه‌ای اهمیت قائل شده که آن چه را نظام معیشت جامعه بدان نیاز دارد بر همه کسانی که توانایی آن را دارند واجب می‌داند.

۳. حفظ حکومت جمهوری اسلامی.

حفظ نظام جمهوری‌اسلامی از اهم واجبات عملی و شرعی است.[۳]

اینجانب نصیحت متواضعانه به برادرانم می‌کنم برای خدا و حفظ اسلام، این جمهوری را تقویت نمایند.[۴]

بر ملت ایران خصوصاً و بر جمیع مسلمانان عموماً واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده با تمام توان حفظ نموده و در جهت رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند.[۵]

امام خمینی (ره) حفظ و حراست از نظام جمهوری اسلامی ایران را اصلی غیر قابل انعطاف و از آن به عنوان بالاترین واجب یاد نموده و فرمود:

اگر حفظ اسلام یک فریضه الهی است حفظ این جمهوری از اعظم فرایض است. چرا که حفظ اسلام و اجرای قوانین آن بستگی به حفظ نظام اسلامی دارد و با نبود آن، فرایض آن گونه که اسلام می‌خواهد و می‌طلبد، انجام نمی‌پذیرد. حفظ نظام جمهوری اسلامی بر همه مسلمانان واجب عینی است حتی از نماز هم واجب‌تر است.[۶]

و در جایی دیگر فرمود:

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۴۰۵.

۲- جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۴۷.

۳- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۳.

۴- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۴۷.

۵- همان، ص ۴۰۳.

۶- سخنرانی امام، ۲۳/ ۱۱/ ۶۲، مجله حوزه، سال ۷۳، ش ۶۳، ص ۶۴؛ در جستجوی راه امام، دفتر ششم، ص ۵۱.

انَّ حفظ النظام من واجبات الاکیده[1]

حفظ نظام از واجبات مؤکد است.

وجوب حفظ وحدت

حفظ وحدت بین مسلمانان به صراحت قرآن واجب است، آنجا که می‌فرماید:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا[2]

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!

حفظ وحدت واجب است.[3]

وجوب شرکت در انتخابات

یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخابیه و رأی دادن به نمایندگان صالح، کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان اسلام و سایر چیزهایی است که کشور به آنها احتیاج دارد می‌باشد.[4]

شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، یک وظیفه شرعی اسلامی و الهی است که شکست در آن، شکست جمهوری اسلامی است که حفظ آن بر جمیع مردم از بزرگ‌ترین واجبات و فرایض است.[5]

پرسش: در نظام اسلامی مسائلی چون رأی دادن، شرکت در راهپیمایی‌ها و امثال آن از نظر فقهی چه حکمی دارد؟

پاسخ: در بسیاری از اوقات واجب است.[6]

وجوب حفظ جان

حفظ جان واجب و درمعرض نابودی قرار دادن آن حرام می‌باشد، بلکه به جهت اهمیت ویژه آن ترک واجب یا فعل حرام در راستای حفظ جان نیز جایز بلکه واجب است. بدین جهت خوردن مردار در صورت توقف حفظ جان بر آن واجب است.[7]

۱- کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۱۹.

۲- آل عمران/ ۱۰۳.

۳- صحیفه نور، ج ۶، ص ۸۴

۴- همان، ج ۱۸، ص ۲۳۲.

۵- همان، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

۶- استفتائات مکارم، ج ۳، ص ۵۶۲، س ۱۵۷۷.

۷- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۳۱۶؛ استفتائات مکارم، ج ۱، ص ۴۶۸.

امام صادق (ع) فرمود:

كُلُّ شَيءٍ تَكُونُ فِيهِ الْمَضَرَّةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ فَحَرَامٌ أَكْلُهُ إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ[1]

هر چه به تن آدمی زیان دارد خوردنش حرام است جز در حال ضرورت.

حفظ جان خود و هر مسلمان واجب است و تعرض به جان انسان محترم حرام است.[2]

از شرایط وجوب حج عدم احساس خطر بر جان است.[3]

اگر حفظ نفس محترمه و جلوگیری از وقوع قتل، مستلزم دخالت فوری و مستقیم باشد، جایز بلکه شرعاً از باب وجوب حفظ نفس محترمه، واجب است.[4]

به جهت حفظ جان، خوردن غذای دیگران در حال اضطرار حتی بدون اذن جایز است.[5]

حفظ حیات خود و هر نفس محترمی واجب و زیان رساندن به آن حرام است. در قرآن کریم از خودکشی و قتل هر نفس محترمی بلکه در معرض هلاکت قرار دادن آن نهی و نکوهش شده است. و فلسفه تشریع حکم قصاص بقای حیات انسان‌ها ذکر شده است.

پرسش: آیا دروغ گفتن برای حفظ جان مسلمان جایز است؟

پاسخ: نه تنها جایز، بلکه واجب است.[6]

پرسش: آیا بیمار حق دارد از درمان سرپیچی کند حتی اگر وضعیت او بدتر شود؟

پاسخ: در صورت خطر، بیمار نمی‌تواند درمان را قطع کند.[7]

حفظ نفس از هر ضرر قابل توجه واجب است همچنین خوردن و نوشیدن چیزهایی که ضرر دارد حرام است.

اگر حفظ جان بر استفاده از خوردنی و آشامیدنی وابسته باشد واجب است هرچند خوردنی یا آشامیدنی حرام باشد.[8]

۱- بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۵۱.

۲- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۳۱۶؛ استفتائات مکارم، ج ۱، ص ۴۶۸.

۳- همان؛ استفتائات مکارم، ج ۱، ص ۴۶۸.

۴- توضیح المسائل مراجع، ص ۷۷۱.

۵- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۳۱۶.

۶- احکام پزشکی، مکارم شیرازی، ص ۲۳۲، س ۱۷.

۷- همان، ص ۲۳۴، س ۳۲.

۸- جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۳۲؛ فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۵۲۴.

اگر تشنگی بر روزه دار غلبه کند، به حدی که بیم هلاکت وی رود، یا بترسد آسیبی جدی به او برسد یا برایش قابل تحمل نباشد،

نوشیدن آب در حد ضرورت بر او جایز بلکه واجب است، لکن روزه‌اش باطل می‌شود و اگر روزه رمضان باشد، امساک بقیه روز بر او واجب است.[1]

اگر حفظ جان خود انسان یا کسی که حفظ آن واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می‌باشد، بدون شکستن نماز ممکن نباشد، باید نماز را بشکند.[2]

حفظ سلامت واجب است و حفظ محیط زیست مقدمه حفظ سلامتی است.

بر مبنای اصل وجوب حفظ نفس، رعایت نکات بهداشتی و انجام مراحل عملی برخورداری از سلامت به اندازه‌ای که حفظ نفس از نابودی و ایمنی اعضا و قوای جسمانی بطلبد، واجب است.[3]

وجوب دفاع

دفاع در برابر مهاجمی که قصد جان آدمی کرده جایز بلکه با توقف حفظ جان بر آن، واجب است و در صورت عدم توانایی بر دفاع، فرار واجب خواهد بود.

دفاع از جان مسلمان در برابر تجاوزگر، در صورت توانایی بر آن و ایمن بودن بر حال خویش واجب است.[4]

دفاع بر هر شخصی حتی بانوان در هر زمان و هرجا در حد توانایی و امکانات واجب است.[5]

وجوب حفظ اسلام

حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است که انبیاء عظام از آدم تا خاتم، در راه آن کوشش نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته است، همچنین پس از آنان، اصحاب متعهد و ائمه معصومین (علیهم السلام) با کوشش‌های توان فرسا و با نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند و امروزه بر ملت ایران خصوصاً بر جمیع مسلمانان واجب است این امانت الهی را باتمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند.[6]

۱- فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۱۴۶.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۶۰.

۳- حیات طیبه، سید محمدتقی مدرسی، ص ۳۳۷.

۴- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۴۰؛ جواهرالکلام، ج ۳۶، ص ۴۲۶ و ج ۴۱، ص ۶۵۲ و ج ۲۱، ص ۱۶.

۵- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۳، ص ۴۳، س ۷.

۶- وصیت نامه امام، ص ۳۷.

اگر اسلام را در خطر دیدیم هم باید مال را فدای آن کنیم و هم جان را. زیرا حفظ اسلام از حفظ جان مسلمان هم بالاتر است.[1]

دفاع ازاسلام در برابر دشمنی که اساس آن را تهدید می‌کند واجب است.[2]

حفظ موجودیت اسلام (بیضه اسلام) از اهم‌واجبات الهی و در مقام تزاحم با دیگر احکام شرعی بر همه آنها مقدم است. مانند موردی که موجودیت اسلام با یورش دشمنان کافر به خطر افتد، در چنین شرایطی دفاع از کیان اسلام بر همه مکلفان اعم از زن و مرد واجب است.[3]

حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است.[4]

پرسش: آیا برای دفاع از اسلام یا جمهوری اسلامی، اجازه از امام یا مرجع تقلید لازم است؟

پاسخ: دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی، به هر نحو ممکن بر تمام مکلفین واجب است و مشروط بر اجازه نیست.[5]

وجوب دفاع از دین

دفاع از دین واجب است[6]، گاهی با جهاد و گاهی با امر به معروف و گاهی با کارهای فرهنگی و تشکیل هیئات مذهبی و گاهی با تشکیل حکومت اسلامی.

بر تمام مکلفین واجب است به هر نحو ممکن از دین خدا دفاع کنند.[7]

دفاع از اسلام دربرابر دشمنی که اساس آن را تهدید می‌کند واجب است.[8]

یکی از اهداف نهضت امام حسین (ع) احیاء واجبات و دفاع از دین بود:

اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ یَکُنْ مَا کَانَ مِنَّا تَنَافُساً فِی سُلْطَانٍ وَ لَا الْتِمَاساً مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَ لَکِنْ لِنُرِیَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِینِکَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِی بِلَادِکَ وَ یَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِکَ وَ یُعْمَلَ بِفَرَائِضِکَ وَ سُنَنِکَ وَ أَحْکَامِکَ[9]

۱- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۰۰.

۲- جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۶؛ فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۳۲۷.

۳- جامع الشتات، ج ۱، ص ۳۷۰؛ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۸؛ فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۱۶۲؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۸۵.

۴- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۰۶.

۵- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، ص ۴۹۲، س ۱۱.

۶- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۷۸۷.

۷- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۳، ص ۴۲، س ۱.

۸- جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۴؛ فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۳۱۷.

۹- تحف العقول، ص ۲۳۹.

خداوندا! تو آگاهی‌که آنچه (از جنبش و نهضت بر ضد مفاسد و منکرات) به دست ما صورت گرفت نه در طمع پادشاهی و جاه بود، نه در طلب ثروت و مال، ما خواستیم تا نشانه‌های راه دینت را ارائه دهیم، (مفاسد را) در شهرهای تو اصلاح کنیم، باشد که بندگان مظلوم تو روی آسایش و امنیت بینند و آسوده خاطر به طاعت تو برخیزند، ما می‌خواهیم فرائض اسلام و سنن (پیغمبر (ص)) و احکام تو را اجرا کنیم.

و به فرموده امام خمینی (ره):

تکلیف ما را حضرت سیدالشهداء معلوم کرد.[1]

وجوب تقلید

مراجعه به متخصص، مسأله‌ای است عقلی و هرکس با اندک دقتی می‌یابد که در هر امری از جمله امور دینی باید به کارشناس و متخصص مراجعه نمود. قرآن بر این امر تأکید نموده و می‌فرماید:

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ[2]

اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید.

بر هر مکلفی که به درجه اجتهاد نرسیده و طریقه احتیاط را نمی‌داند، واجب است در احکام از مجتهد تقلید کند.[3]

تقلید در احکام، اختصاص به واجبات و محرمات ندارد، بلکه در مستحبات و مکروهات و مباحات هم جاری است.[4]

هرگاه کسی فتوای مجتهدی را اشتباهی برای دیگران بیان کند، بر او واجب است به کسانی که شنیده‌اند اطلاع دهد.[5]

اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه‌اش تقلید از او بوده یا با فتوای مجتهدی که فعلا بایداز او تقلید کند، مطابق باشد.[6]

پرسش: آیا تقلید در مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی واجب است؟

۱- صحیفه، امام، ج ۱۷، ص ۵۵.

۲- نحل/ ۴۳.

۳- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵.

۴- همان.

۵- عروة الوثقی، ج ۱، فی التقلید، م ۴۸.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۴.

پاسخ: در تمام احکام شرعیه بر غیر مجتهدی که نمی‌تواند احتیاط کند تقلید واجب است و فرقی بین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیر آن نیست.[1]

وجوب تقلید از اعلم

تقلید از مجتهد اعلم واجب است.[2]

به مجتهدی که در استنباط احکام شرعی از منابع آن نسبت به دیگر مجتهدان درک قوی‌تر و فهم بیشتر و نیکوتری دارد اعلم گفته می‌شود.[3]

بر مکلف واجب است که برای شناختن مجتهد اعلم جستجو و تفحص کند.[4]

مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت: اول: آنکه خود انسان یقین کند، مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد. دوم: آنکه دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند. سوم: آنکه عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن و یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.[5]

اگر شناختن اعلم مشکل باشد به احتیاط واجب باید از کسی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد، بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم استو بداند دیگری از او اعلم نیست بنا بر احتیاط واجب باید از او تقلید نماید. و اگرچند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند باید از یکی ازآنان تقلید نماید.[6]

وجوب اخلاص در عبادات

منظور از اخلاص آن است که مکلف در عمل، جز قصد قربت و عبودیت برای پروردگار، انگیزه دیگری نداشته باشد. خلوص در نیت، شرط صحت در عبادات است و بدون آن عبادت باطل است. البته وجود

۱- استفتاء از دفتر امام(ره).

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲.

۳- فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۶۰۸.

۴- عروة الوثقی، فی فروع التقلید، ص ۶، م ۵.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۳.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۴.

پاره‌ای از انگیزه‌های تبعی در عبادات با اخلاص منافات ندارد و موجب بطلان عبادت نمی‌شود مانند این که در غسل یا وضو، انگیزه دیگری همچون خنک شدن یا پاکیزه شدن باشد.[1]

خطورات شیطانی تا زمانی که در انگیزه شخص دخالت نداشته باشد با اخلاص منافات ندارد و خوشحال شدن بعد از عمل نیز با اخلاص منافات ندارد.

عملی که همراه با اخلاص نباشد، باطل است. چه کل عمل یا جزئی از عمل.[2]

اگر غیر از اطاعت امر الهی قصد دیگری هم باشد، با سه شرط اشکال ندارد:

۱. قصد ریا و خودنمایی نداشته باشد.

۲. قصد قربت و اطاعت الهی اصل باشد و نیت دیگر فرع.

۳. ضمیمه هم امری مباح یا مطلوب باشد، بنابراین اگر برای اطاعت الهی نماز بخواند و در ضمن به دیگری هم نماز خواندن را یاد دهد اشکال ندارد.[3]

انسان باید فقط برای انجام امر خداوند نماز بخواند، پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند نمازش باطل است خواه فقط برای مردم باشد یا خدا و مردم.[4]

وجوب اطلاع رسانی در نجاسات

فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که می‌شود آن را آب کشید اگر نجس بودن آن را به طرف نگویند اشکال ندارد، ولی چنانچه انسان بداند که عاریه گیرنده و خریدار، آن را در خوردن و آشامیدن استعمال می‌کند، باید نجاستش را به او بگوید.[5]

اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، باید به مهمان‌ها بگوید اما اگر یکی از مهمان‌ها بفهمد لازم نیست به دیگران خبر دهد، ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که می‌داند که به واسطه نگفتن، خود او هم نجس می‌شود باید بعد از غذا به آنان بگوید.[6]

اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود اگر بداند که صاحبش آن چیز را در خوردن و آشامیدن استعمال می‌کند، واجب است به او بگوید.[1]

۱- فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۳۴۲.

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۵۵۴، م ۹۴۷.

۳- تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة فصل فی افعال الصلاة، ص ۱۵۷، م ۳.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۹۴۶.

۵- همان، م ۱۴۲.

۶- همان، م ۱۴۵.

واجبات وضو

در وضو واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.[۲]

درازی صورت را باید از بالای پیشانی- جایی که موی سر، بیرون می‌آید- تا پایین چانه شست و پهنای آن به مقداری که در بین انگشت وسط و شصت قرار می‌گیرد باید شسته شود و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است و برای آن که یقین کند این مقدار کاملًا شسته شده باید کمی اطراف آن را هم بشوید.[۳]

کسی که پیش از شستن صورت، دست‌های خود را تا مچ شسته، در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید وضوی او باطل است.[۴]

در وضو شستن صورت و دستها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می‌باشد.[۵]

گرچه شستن دست‌ها باید از بالا به پایین باشد ولی اگر از وسط دست به سمت پایین دست بکشد، یا آب بریزد، وضویش صحیح است.[۶]

در وضو برای مسح سر باید یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است مسح شود. مقدار واجب مسح سر، هر قدر که باشد کافی است (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).[۷]

مقدار واجب مسح پا از نظر طول، از سر انگشت تا برآمدگی روی پا است و از نظر عرض، هر اندازه باشد کافی است، هرچند به قدر یک انگشت.[۸]

رطوبت دست باید به قدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.[۹]

اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند و نمی‌تواند دست را با آب غیر وضو خیس کند و با آن مسح را انجام دهد.[۱]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۴۶.

۲- همان، م ۲۳۶.

۳- همان، م ۲۳۷.

۴- همان، م ۲۴۷.

۵- همان، م ۲۴۸.

۶- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، ص ۲۹.

۷- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۰.

۸- آموزش فقه، ص ۴۱.

۹- عروة الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضو، ص ۲۱۲، م ۲۶.

محل مسح (سر و روی پا) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح، تر باشد، باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست، بر آن نباشد مانع ندارد.[۲]

بین دست و محل مسح، یعنی سر یا پاها نباید چیزی مانند چادر و کلاه یا جوراب و کفش فاصله شود. هرچند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد.[۳]

محل مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند.[۴]

موارد وجوب وضو

برای شش چیز وضو گرفتن واجب است: اول: برای نمازهای واجب غیر ازنماز میت. دوم: برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز حدثی از او سر زده مثلا بول کرده باشد. سوم: برای طواف واجب خانه کعبه. چهارم: اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد. پنجم: اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند. ششم: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند.[۵]

غسل‌های واجب

در هفت مورد غسل واجب است: اول: غسل جنابت. دوم: غسل حیض. سوم: غسل نفاس. چهارم: غسل‌استحاضه. پنجم: غسل مس میت. ششم: غسل میت. هفتم: غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می‌شود.[۶]

غسل جنابت به خودی خود مستحب است، و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می‌شود. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.[۷]

بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادتهای دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، غسل کند.[۸]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۷.

۲- عروة الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضو، ص ۲۱۲، م ۲۶.

۳- عروة الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضو، ص ۲۱۲، م ۲۷.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۰.

۵- همان، م ۳۱۶.

۶- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۲۱.

۷- همان، م ۳۵۷.

۸- همان، م ۴۶۶.

اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده و غسلش نداده‌اند مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میت نماید، چه در خواب مس کند چه در بیداری، با اختیار مس کند یا بی‌اختیار. حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان میت برسد، باید غسل کند. ولی اگر حیوان مرده‌ای را مس کند، غسل بر او واجب نیست.[۱]

برای مس مرده‌ای که تمام بدن او سرد نشده، غسل واجب نیست اگرچه جایی را که سرد شده مس نماید.[۲]

برای مس بچه مرده، حتی بچه سقط شده‌ای که چهار ماه او تمام شده غسل مس میت واجب است، بلکه بهتر است برای مس بچه سقط شده‌ای که از چهار ماه کمتر دارد غسل کرد.[۳]

بچه‌ای که بعد از مردن مادر به دنیا می‌آید، وقتی بالغ شد، واجب است غسل مس میت کند.[۴]

اگر انسان، میتی را که سه غسل او کاملًا تمام شده مس نماید، غسل بر او واجب نمی‌شود، ولی اگر پیش از آن که غسل سوم تمام شود جایی از بدن او را مس کند اگرچه غسل سوم آنجا تمام شده باشد، باید غسل مس میت نماید.[۵]

برای مس استخوان و دندانی که از مرده جدا شده و آن را غسل نداده‌اند باید غسل کرد، ولی برای مس استخوان و دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد، غسل واجب نیست.[۶]

واجب است میت را سه غسل بدهند: اول: به آبی که با سدر مخلوط باشد. دوم: به آبی که با کافور مخلوط باشد. سوم: با آب خالص.[۷]

غسل میت بچه مسلمان اگر چه از زنا باشد، واجب است.[۸]

بچه سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، باید غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد، باید در پارچه‌ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند.[۹]

۱- همان، م ۵۲۱.

۲- همان، م ۵۲۲.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۵۲۴.

۴- همان، م ۵۲۵.

۵- همان، م ۵۲۶.

۶- همان، م ۵۲۹.

۷- همان، م ۵۵۰.

۸- همان، م ۵۵۷.

۹- توضیح المسائل مراجع، م ۵۵۸.

بعد از غسل، واجب است میت را حنوط کنند، یعنی به پیشانی و کف دستها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند.[1]

واجبات غسل

غسل، واجباتی دارد و آنها عبارتند از: نیت، شستن سر و گردن و شستن طرف راست وچپ[2]، ترتیب درغسل[3]، پاک ومباح بودن و مضاف نبودن آب[4]، مباشرت در غسل[5] (یعنی باید خود انسان کارهای غسل را انجام دهد)، ضرر نداشتن آب، پاک بودن اعضای غسل.

واجبات تیمم

در هفت جا به جای وضو و غسل باید تیمم کرد: ۱. تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد.[6] ۲. دسترسی به آب نداشته باشد[7] ۳. از استعمال آب بر جان خود بترسد[8] ۴. هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، از تشنگی بمیرد یا مریض شود.[9] ۵. کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که با آن فقط می‌تواند بدن و لباس را تطهیر کند[10] ۶. آب یا ظرف آب غصبی باشد[11] ۷. هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود.[12]

در تیمم چهارچیز واجب است: اول: نیت. دوم: زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است. سوم: کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها

۱- همان، م ۵۸۵.

۲- همان، م ۳۷۴.

۳- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۰، الثالث.

۴- همان، ص ۴۱، الرابع.

۵- همان، ص ۴۲.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۶۴۸.

۷- همان، م ۶۶۴.

۸(۹). همان، م ۶۶۹.

۹- توضیح المسائل مراجع، م ۶۷۴.

۱۰- همان، م ۶۷۶.

۱۱- همان، م ۶۷۷.

۱۲- همان، م ۶۷۸.

و بالای بینی، و بنابر احتیاط واجب باید دست‌ها، روی ابروها هم کشیده شود. چهارم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.[1]

واجبات اموات

مسلمانی را که محتضر است یعنی در حال جان دادن می‌باشد مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک باید به پشت بخوابانند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد و اگر خواباندن او کاملًا به این طور ممکن نیست بنا بر احتیاط واجب تا اندازه‌ای که ممکن است باید به این

دستور عمل کنند و چنانچه خواباندن او به هیچ قسم ممکن نباشد، به قصد احتیاط او را رو به قبله بنشانندو اگر آن هم نشود باز به قدر احتیاط او را به پهلوی راست یا به پهلوی چپ، رو به قبله بخوابانند.[2]

رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمان واجب است، و اجازه گرفتن از ولی او لازم نیست.[3]

غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان دوازده امامی، بر هر مکلفی واجب است.[4]

حنوط کردن میت ولو صغیر باشد واجب است.[5]

نماز خواندن بر میت مسلمان، اگر چه بچه باشد، واجب است. ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشند و شش سال بچه تمام شده باشد.[6]

کسی که بر میت نماز می‌خواند، باید رو به قبله باشد و نیز واجب است میت را مقابل او به پشت بخوابانند، به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او بطرف چپ نمازگزار باشد.[7]

اگر میت را عمداً یا ازروی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند، یا بعد از دفن معلوم شود، نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است، تا وقتی جسد او از هم نپاشیده، واجب است به قبرش نماز بخوانند.[8]

واجب است میت را طوری در زمین دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند.[1]

۱- همان، م ۷۰۰.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۵۳۳.

۳- همان، م ۵۳۵.

۴- همان، م ۵۴۲.

۵- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۸.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۵۹۴.

۷- همان، م ۵۹۷.

۸- توضیح المسائل مراجع، م ۶۰۷.

کفن کردن میت ولو صغیر باشد واجب است.[۲]

واجب است میت را رو به قبله بر جانب راستش دفن کنند اگرچه میت، صغیر باشد.

اگر زن کافره‌ای بمیرد در حالی که حملش به حکم مسلمان باشد باید زن را پشت به قبله دفن کنند تا صورت حمل (کودک) رو به قبله باشد.[۳]

نمازخواندن بر میت مسلمان، اگر چه بچه باشد، واجب است. ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشند و شش سال بچه تمام شده باشد.[۴]

غسل مسّ میت کودک از زمان بلوغ و عقل واجب می‌شود.[۵]

وجوب احترام به مکان‌های مقدس

نجس کردن حرم امامان (علیهم السلام)، حرام است. و اگر یکی از آنها نجس شود، چنانچه نجس ماندن آن بی‌احترامی باشد، تطهیر آن واجب است. بلکه احتیاط واجب آن است که اگر بی‌احترامی هم نباشد، آن را تطهیر کنند.[۶]

برطرف‌کردن نجاست از مسجد واجب است. و فرقی در این مسأله بین داخل و پشت بام و حتی طرف داخل دیوار مسجد نیست. یعنی هر جای مسجد نجس شود، باید تطهیر شود.[۷]

هر مکانی که به نام مسجد بنا می‌شود، رعایت حرمت آن واجب و اهانت کردن به آن از گناهان کبیره است.[۸]

استخفاف مقدسات

استخفاف نسبت به آنچه از نظر شرع احترام آن واجب است، حرام می‌باشد خواه از زمان‌های شریف باشد، مانند ماه‌های حرام و خواه از مکان‌های شریف مانند مکه، مساجد و مشاهد مشرفه یا از اشخاص مانند پیامبران و امامان (علیهم السلام) یا اشیاء شریف مانند قرآن و تربت ائمه (علیهم السلام) و ...[۹]

۱- همان، م ۶۱۳.

۲- عروة الوثقی، ص ۱۹۹.

۳- همان، ص ۲۲۰، م ۳.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۵۹۴.

۵- همان، م ۵۲۵.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۹۰۴.

۷- همان، م ۹۰۰.

۸- گناهان کبیره، دستغیب، ج ۲، ص ۴۰۴.

۹- فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۳۸۰.

وجوب رعایت جهت قبله

در پنج مورد، رو به قبله بودن واجب است که عبارتند از:

۱. برای خواندن نمازهای واجب.

۲. در حال احتضار و آن به صورتی است که اگر محتضر بنشیند، صورتش رو به قبله باشد.

۳. در حال خواندن نماز میّت باید میّت را به گونه‌ای در پیش نمازگزاران بگذارند که سرش به سوی راست و پاهایش به سوی چپ نمازگزاران باشد.

۴. میّت را باید به پهلوی راست به گونه‌ای بخوابانند که صورت و جلوی بدنش رو به قبله باشد.

۵. به هنگام سر بریدن و یا نحر کردن حیوانات که باید به گونه‌ای باشد که جلوی بدن حیوان رو به قبله باشد.[۱]

موقع تخلّی باید طرف جلوی بدن، یعنی شکم و سینه رو به قبله و پشت به قبله نباشد.[۲]

در موقع تطهیر مخرج بول و غائط، رو به قبله و پشت به قبله بودن اشکالی ندارد، ولی اگر در موقع استبرا، بول از مخرج بیرون آید، در این حال رو به قبله و پشت به قبله بودن حرام است.[۳]

احتیاط واجب آن است که بچه را در وقت تخلّی رو به قبله یا پشت به قبله ننشانند، ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست.[۴]

وجوب پوشش در نماز

مرد باید در حال نماز، اگرچه کسی او را نمی‌بیند، عورتین خود را بپوشاند و بهتر است از ناف تا زانو را هم بپوشاند.[۵]

بر زنان واجب است در نماز تمام بدن و موی خود را به غیر از صورت به مقداری که شستن آن در وضو واجب است و دست‌ها تا مچ و پاها تا مفصل ساق با پوششی که کاملًا بدن را می‌پوشاند، بپوشانند، هرچند بیننده‌ای نباشد و در حضور نامحرم پاها را نیز باید بپوشانند.[۶]

پرسش: آیا پوشاندن زیر چانه و کف و روی پا در مقابل نامحرم واجب است؟

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۱- ۱۷۸؛ توضیح المسائل مراجع، م ۷۷۷ و ۷۸۱.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۵۹.

۳- همان، م ۶۱.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۶۳.

۵- همان، م ۷۸۸.

۶- اجوبهٔ الاستفتائات، ص ۸۹ م ۴۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، م ۷۸۹؛ فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۲۸۴.

پاسخ: آری، باید آنها را از نامحرم بپوشاند.[1]

مکارم: پوشاندن زیر چانه واجب است ولی پوشاندن کف و روی پا تا مچ، واجب نیست.

موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده را به جا می‌آورد، بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع سجده سهو هم باید خود را مثل موقع نماز بپوشاند.[2]

نماز خواندن زن با مانتو و شلوار، اگر جاهایی از بدن که باید پوشیده شود را بپوشاند اشکال ندارد.[3]

پرسش: آیا نماز خواندن با چادر بدن نما صحیح است؟

پاسخ: اگر چادر نازک و بدن نما باشد، نماز با آن باطل است مگر آن که زیر چادر پوشش کامل داشته باشد.[4]

برجستگی‌های بدن هنگام نماز در برابر نامحرم اگر باعث جلب توجه مرد نامحرم گردد، باید پوشانده شود و اگر پوشانده نشود، زن گناه کرده است، ولی نماز او صحیح است.[5]

در هنگام نماز، پوشاندن زیورآلات، واجب نیست ولی پوشاندن قسمتی از بدن که زیورآلات روی آن قرار گرفته واجب است.[6]

اگر زن در بین نماز بفهمد که موهای او از چادر بیرون آمده باید آن را بلافاصله بپوشاند و نمازش صحیح است به شرط آن که پوشاندن زیاد طول نکشد ولی اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.[7]

پوشاندن روی پا و کف آن در سجده واجب نیست.[8]

نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است: اول: نماز یومیه. دوم: نماز آیات. سوم: نماز میت. چهارم: نماز طواف واجب خانه کعبه. پنجم: نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است. ششم: نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می‌شود.[9]

۱- صراط النجاة، ج ۱، س ۸۷۸؛ جامع المسائل فاضل، ج ۱، س ۱۷۰۶؛ اجوبة الاستفتائات، س ۴۳۸.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۷۹۰.

۳- عروة الوثقی، ج ۱، فی الستر و الساتر، الثانی؛ جامع المسائل فاضل، ج ۱، ص ۲۴۳.

۴- همان.

۵- همان، م ۵.

۶- همان، م ۴

۷- توضیح المسائل مراجع، م ۷۹۲.

۸- توضیح المسائل مراجع، م ۷۸۹.

۹- همان، قبل از م ۷۲۸.

نمازهای واجب یومیه پنج است: نماز ظهر و عصر هر کدام چهار رکعت، نماز مغرب سه رکعت، نماز عشا چهار رکعت، نماز صبح دو رکعت.[1]

انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر، و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند. و اگر عمدا نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند، باطل است.[2]

واجبات نماز یازده چیز است: اول: نیت. دوم: قیام یعنی ایستادن. سوم: تکبیرةالاحرام. چهارم: رکوع. پنجم: سجود. ششم: قرائت. هفتم: ذکر. هشتم: تشهد. نهم: سلام. دهم: ترتیب. یازدهم: موالات یعنی پی در پی بودن اجزاء نماز.[3]

بعضی از واجبات نماز رکن است، یعنی اگر انسان آنها را بجا نیاورد یا در نماز اضافه کند، عمدا باشد یا سهواً، نماز باطل می‌شود. و برخی دیگر رکن نیست، یعنی اگر عمدا کم یا زیاد شود، نماز باطل می‌شود. و چنانچه سهواً کم یا زیاد گردد، نماز باطل نمی‌شود. ارکان پنج چیز است: اول: نیت. دوم: تکبیرة الاحرام. سوم: قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام، و قیام متصل به رکوع یعنی ایستادن پیش از رکوع. چهارم: رکوع. پنجم: دو سجده.[4]

اگر واجبی را فراموش کند و قبل از رسیدن به رکن بعدی یادش بیاید باید آن واجب را انجام دهد اما اگر بعد از رکن یادش بیاید، اگر آن واجب فراموش شده رکن بوده، نماز باطل است و اگر غیر رکن بوده، نمازش صحیح است.

هرگاه چیزی از واجبات نماز را عمداً کم یا زیاد کند، اگرچه یک حرف آن باشد، نماز باطل است.[5]

اگر به واسطه ندانستن مسأله، چیزی از اجزای نماز را کم یا زیاد کند اگر آن جزء رکن نباشد نمازش صحیح است اگر جاهل قاصر باشد، و الا به احتیاط واجب، نماز باطل است.[6]

در نمازهای واجب، هنگام قرائت و نیز در اذکار و افعال واجب نماز، لازم است بدن و مکان نمازگزار ساکن و بدون حرکت باشد.[7]

۱- همان، قبل از م ۷۲۸.

۲- همان، م ۷۵۵.

۳- همان، قبل از م ۹۴۲.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۹۴۲.

۵- همان، م ۱۲۶۳.

۶- همان، م ۱۲۶۴.

۷- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۲۸۶ و ج ۱، ص ۴۷۹.

در ورود به نماز سه واجب باید انجام شود: ۱. آرامش بدن ۲. نیت ۳. تکبیرۀ الاحرام.[۱]

واجبات نماز

واجبات نیت

نیت از واجبات و ارکان نماز است و اگر به عمد یا به اشتباه و فراموشی ترک شود، نماز باطل است.[۲] نیت واجباتی دارد که عبارتند از:

۱. تعیین نماز

در موقع نیت، نمازگزار باید قصد کند که نماز ظهر می‌خواند یا عصر یا نمازهای دیگر و اگر فقط نیت کند چهار رکعت نماز می‌خوانم ولی نیت نداشته باشد چه نمازی می‌خواند کافی نیست و نیز باید در نیت خود معین کند نماز قضا می‌خواند یا ادا.[۳]

۲. استمرار نیت در نماز

انسان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد، پس اگر در بین نماز به‌گونه‌ای ازنماز غافل شود که نداند چه نمازی می‌خواند، نمازش باطل است.[۴]

۳. اخلاص

انسان باید نماز را به نیت قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلًا به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قربۀ الی الله.[۵]

انسان باید فقط برای انجام امرخداوند عالم نماز بخواند، پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است خواه فقط برای مردم باشد یا خدا و یا مردم و خدا هر دو را در نظر بگیرد.[۶]

اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا به جا آورد، نماز باطل است چه آن قسمت، واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد مانند قنوت، بلکه اگر تمام نماز را برای خدا به جا آورد ولی برای نشان دادن به

۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۵۵۳.

۲- تحریرالوسیله، ج ۱، فی افعال الصلاۀ، ص ۲۸۲؛ توضیح المسائل ده مرجع، م ۹۴۲.

۳- همان، م ۵ و ۶؛ توضیح المسائل ده مرجع، م ۹۴۴.

۴- توضیح المسائل ده مرجع، م ۹۴۵.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۹۴۳.

۶- همان، م ۹۴۶.

مردم در جای مخصوصی مثل مسجد یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت، یا به طرز مخصوصی، مثلًا با جماعت نماز بخواند، نمازش باطل است.[1]

واجبات تکبیرة الاحرام

گفتن «الله اکبر» در اول هر نماز، واجب، رکن است و باید حروف «الله» و حروف «اکبر» را پشت‌سر هم بگوید.[2]

تکبیرة الاحرام باید مقارن با نیت باشد.[3]

تکبیرة الاحرام را باید طوری خواند که تلفظ محسوب شود، و نشانه آن این است که خودش بتواند آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند بشنود.[4]

تکبیرة الاحرام باید دنبال هم و به عربی صحیح باشد و اگر به عربی غلط بگوید یا ترجمه فارسی آن را بگوید باطل است.[5]

موقع گفتن تکبیرة الاحرام باید بدن آرام باشد و اگر با اختیار، در حالی که بدنش حرکت دارد، تکبیرة الاحرام بگوید نماز باطل است.[6]

واجب است پیش از گفتن تکبیرة الاحرام و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند تکبیرة الاحرام را در حال قیام گفته است.[7]

واجبات قیام

یکی از واجبات و ارکان نماز، قیام است. قیام یعنی ایستاده بودن که در بعضی موارد از ارکان نماز است و ترک آن، نماز را باطل می‌کند. در حالت قیام واجب است موارد زیر رعایت شود:

۱. به جایی یا چیزی تکیه نکردن.[8]

۲. بدن را حرکت ندادن و به طرفی خم نشدن.[9]

۱- همان، م ۹۴۷.

۲- همان، م ۹۴۸.

۳- جامع عباسی، ص ۱۳۲.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۹۵۲.

۵- همان، م ۹۴۸.

۶- همان، م ۹۵۱.

۷- همان، م ۹۵۹.

۸- همان، م ۹۶۱.

۹- توضیح المسائل مراجع، م ۹۶۱.

۳. روی هر دو پا ایستادن.[۱]

۴. پاها را بیش از اندازه باز نگذاشتن.[۲]

واجبات قرائت

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند.[۳] در هنگام قرائت نماز واجب است موارد زیر رعایت شود[۴]:

۱. قرائت نماز طوری باشد که تلفّظ محسوب شود و نشانه آن این است که بتواند خودش آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند بشنود.

۲. دنبال هم و به عربی صحیح باشد.[۵]

۳. در حال استقرار و آرامش بدن باشد.[۶]

۴. بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.[۷]

در وجوب جهر و اخفات در نمازهای واجب، فرقی بین نمازهای ادا و قضا نیست.

مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشد تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند.[۸]

اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد صحیح است.[۹]

زن می‌تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.[۱۰]

۱- همان، م ۹۶۳.

۲- همان، م ۹۶۴.

۳- همان، م ۹۷۸.

۴- همان، م ۹۵۲.

۵- همان، ج ۱، ص ۵۷۶.

۶- همان، ص ۵۶، م ۹۶۸.

۷- همان، م ۹۹۲.

۸- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۹۳.

۹- همان، م ۹۹۵.

۱۰- همان، م ۹۹۴.

بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند.[۱]

۵. انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که به هیچ وجه نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد باید هر طوری که می‌تواند بخواند.[۲]

اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند یا عمداً آن را نگوید یا به جای حرفی، حرف دیگر بگوید، مثلًا به جای «ض»، «ظ» بگوید، یا جایی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود، زیر و زبر خوانده شود یا تشدید را نگوید یا غلط بخواند، نماز او باطل است.[۳]

واجبات رکوع

در رکوع باید خم شدن به قصد رکوع باشد، بنابراین اگر بدون قصد رکوع مثلًا برای کشتن جانوری یا برداشتن چیزی خم شود، نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه باید بایستد و به قصد رکوع خم شود و به واسطه این خم شدنی که به قصد رکوع نیست، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.[۴]

در رکوع باید خم شدن به طور معمول باشد، بنابراین اگر رکوع را به طور غیر معمول به جا آورد، برای مثال به چپ و راست خم شود هرچند دست‌های او به زانو برسد صحیح نیست.[۵]

نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و گذاشتن دست‌ها بر روی زانو واجب نیست، بنابراین اگر به اندازه رکوع خم شود، ولی دست‌ها را به زانو نگذارد، اشکالی ندارد.[۶]

ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگویند.[۷]

در رکوع باید به مقداری که ذکر واجب را بگوید، بدن آرام باشد.[۸]

۱- همان، م ۱۰۰۷.

۲- همان، م ۹۹۷.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۰۰ و ۱۰۰۲.

۴- همان، م ۱۰۲۵.

۵- همان، م ۱۰۲۴.

۶- همان، م ۱۰۲۲ و ۱۰۲۳.

۷- توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۲۹.

۸- همان، م ۱۰۳۰.

گفتن ذکر رکوع: ذکر رکوع عبارت است از یک بار گفتن «سبحان ربی العظیم و بحمده» و یا سه بار گفتن «سبحان الله» و گفتن هر ذکری در رکوع کافی است، اما باید از جهت حروف و کلمات به همین مقدار یا بیشتر باشد.[1]

اگر موقعی که ذکر واجب رکوع را می‌گوید، بی‌اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود باید بعد از آرام گرفتن بدن، بنا بر احتیاط واجب دوباره ذکر را بگوید، ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود، یا انگشتان را حرکت دهد اشکال ندارد.[2]

اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.[3]

اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است و اگر سهواً سر بردارد، چنانچه پیش از آن که از حال رکوع خارج شود، یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده باید در حال آرامش بدن دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آن که از حال رکوع خارج شد، یادش بیاید نماز او صحیح است.[4]

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، نمازگزار باید راست بایستد و بعد از آن که بدن آرام گرفت، به سجده برود و اگر به عمد، این‌کار را ترک کند، یعنی پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.[5]

واجبات سجده

در سجده باید هفت قسمت از بدن بر زمین قرار گیرد که عبارتند از: پیشانی، کف دو دست، سر دو زانو، سر دو انگشت بزرگ پا.[6]

در سجده باید سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد و اگر انگشت‌های دیگر پا یا روی پا را به زمین بگذارد، یا به واسطه بلند بودن ناخن، سر انگشت شصت به زمین نرسد نمازش باطل است.[7]

۱- همان، م ۱۰۲۸.

۲- همان، م ۱۰۳۱.

۳- همان، م ۱۰۳۲.

۴- همان، م ۱۰۳۳.

۵- همان، م ۱۰۴۰.

۶- همان، م ۱۰۴۵.

۷- همان، م ۱۰۶۲.

در سجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و نمازگزار نباید بدن خود را به اختیار طوری حرکت دهد که از حال آرام بودن‌خارج شود، موقع گفتن ذکر مستحب نیز اگر آن را به‌قصد ذکری که برای سجده دستور داده‌اند بگوید آرام بودن بدن لازم است.[1]

گفتن ذکرسجده: ذکر سجده عبارت است از یک بار گفتن «سبحان ربی الاعلی و بحمده» و یا سه بار گفتن «سبحان الله» البته گفتن هر ذکری در سجده کافی است.[2]

وقتی نمازگزار ذکرسجده را می‌گوید باید تمام اعضای هفتگانه‌اش روی زمین باشد، ولی هنگامی که مشغول ذکر نیست می‌تواند بعضی از اعضای هفت‌گانه را جز پیشانی از زمین بردارد یا جا به جا کند به شرطی که با آرام بودن بدنش منافات نداشته باشد.[3]

پرسش: آیا در نماز واجب و مستحب، نشستن بین دو سجده لازم است؟

پاسخ: بله، پس از تمام شدن ذکر سجده، اول باید بنشیند تا بدن آرام بگیرد و دوباره به سجده رود و تفاوتی میان نماز واجب و مستحب نیست.[4]

مهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند باید پاک باشد ولی اگر مهر را روی فرش نجس بگذارد یا یک طرف مهر نجس باشد و پیشانی‌را بر طرف دیگر بگذارد اشکال ندارد، به شرطی که نجاست به پیشانی سرایت نکند.[5]

در سجده باید پیشانی روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است.[6]

سجده روی چیزی که بدن روی آن آرام نمی‌گیرد و حرکت دارد، باطل است ولی اگر روی تشک یا چیز دیگری که بعد از گذاشتن سر مقداری پایین رفته و سپس آرام می‌گیرد سجده کند اشکالی ندارد.[7]

جای پیشانی نمازگزار نباید از جای زانوها و نوک انگشتان پا بیشتر از چهار انگشت بسته دست، «پایین تر» یا «بالاتر» باشد.[8]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۵۰.

۲- همان، م ۱۰۴۹.

۳- همان، م ۱۰۵۴.

۴- همان، م ۱۰۵۶.

۵- توضیح المسائل مراجع، با استفاده از م ۱۰۶۵.

۶- همان، م ۱۰۷۶.

۷- همان، م ۱۰۷۳.

۸- همان، ذیل م ۸۸۸ و ۱۰۵۷.

در رکعت اول و رکعت سومی که تشهد ندارد مثل رکعت سوم نماز ظهر و عصر و عشا اگر بعد از سجده دوم بدون آنکه مقداری بنشیند برای رکعت بعد برخیزد نمازش صحیح است، ولی بنابر احتیاط واجب باید بعد از سجده دوم قدری بی‌حرکت بنشیند و بعد برخیزد.[1] البته برخی از علما آن را (جلسه استراحت) مستحب دانسته‌اند.[2]

سجده‌های واجب

۱. سجده تلاوت که در چهار سوره قرآن است.[3]

۲. سجده سهو.

۳. سجده فراموش شده نماز.

واجبات ذکر

ذکر را باید طوری گفت که تلفّظ و به زبان آوردن آن محسوب شود و نشانه آن این است که خودش بتواند آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند بشنود.[4]

ذکرهای نماز باید دنبال هم و به عربی صحیح باشد و اگر به عربی غلط بگوید باطل است.[5]

ذکرهای واجب نماز باید در حالت آرامش گفته شود مانند ذکر سجده و رکوع.[6]

مقدار واجب تسبیحات اربعه

نمازگزار در رکعت سوم و چهارم نماز می‌تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید، یعنی سه مرتبه بگوید: «سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر»، و اگر یک مرتبه هم‌تسبیحات اربعه را بگوید کافی است. و می‌تواند در یک رکعت حمد، و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید، و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند.[7]

در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.[8]

واجبات تشهد

۱- همان، م ۱۰۷۵.

۲- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۱۰۰؛ سؤال و جواب، سید محمدکاظم یزدی، ص ۴۹، س ۷۶.

۳- نجم، علق، فصلت، سجده؛ عروة الوثقی، ج ۱، فی سائر اقسام السجود، م ۲.

۴- توضیح المسائل مراجع، با استفاده از م ۹۵۲.

۵- همان، با استفاده از م ۱۰۱۹.

۶- همان، م ۹۶۵ و ۹۶۶.

۷- توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۰۵.

۸- همان، م ۱۰۰۶.

در حالت تشهد واجب است موارد زیر رعایت شود:

۱. گفتن شهادتین «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله».

۲. صلوات بر محمد و آل محمد «اللهم صل علی محمد و آل محمد».

۳. نشستن به اندازه کلمات تشهد بعد از سجده دوم.

۴. آرامش بدن در حال گفتن کلمات تشهد.

۵. خواندن کلمات تشهد به زبان عربی صحیح.

۶. ترتیب.

۷. موالات.[۱]

واجبات سلام نماز

در حالت سلام واجب است موارد زیر رعایت شود:

۱. گفتن یکی از دو عبارت سلام، یعنی «السلام علینا و علی عبادالله الصالحین» و «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته».

۲. نشستن به اندازه عبارت سلام بعد از تشهد.

۳. آرامش بدن در حال گفتن عبارت سلام.

۴. خواندن عبارت سلام به زبان عربی صحیح.

۵. ترتیب.

۶. موالات.[۲]

ترتیب در نماز

اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند مثلا سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می‌شود.[۳]

اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد مثلا پیش از آنکه رکوع کند دو سجده نماید، نماز باطل است.[۴]

۱- همان، م ۱۱۰۰ و ۱۱۰۱.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۰۵.

۳- همان، م ۱۱۰۸.

۴- همان، م ۱۱۰۹.

اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست به جا آورد مثلا پیش از آن که دو سجده کند تشهد بخواند باید رکن را به جا آورد و آنچه را اشتباها پیش از آن خوانده دوباره بخواند.[1]

اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد، مثلًا حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.[2]

اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و آن هم رکن نیست بجا آورد مثلا حمد را فراموش کند و سوره را بخواند چنانچه مشغول رکن بعد شده باشد مثلا در رکوع یادش بیاید که حمد را نخوانده باید بگذرد و نماز او صحیح است و اگر مشغول رکن بعد نشده باشد باید آنچه را فراموش کرده به جا آورد و بعد از آن چیزی را که اشتباها جلوتر خوانده دوباره بخواند.[3]

اگر سجده اول را به خیال این که سجده دوم است یا سجده دوم را به خیال اینکه سجده اول است به جا آورد نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب می‌شود.[4]

موالات در نماز

موالات یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.

انسان باید نماز را با موالات بخواند یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم به جا آورد و چیزهایی را که در نماز می‌خواند به طوری که معمول است پشت سر هم بخواند و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.[5]

طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را به هم نمی‌زند.[6]

موارد وجوب اعاده نماز

۱. پیش از وقت خوانده شده باشد.[7]

۲. پشت به قبله یا به طرف راست یا به طرف چپ قبله به جا آورده شده باشد.[8]

۳. مسافر در جایی که می‌داند باید نمازش را شکسته بخواند، کامل خوانده یا برعکس.

۱- همان، م ۱۱۱۰.

۲- همان، م ۱۱۱۱.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۱۲.

۴- همان، م ۱۱۱۳.

۵- همان، م ۱۱۱۴.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۱۶.

۷- همان، م ۱۷۷۱.

۸- همان، م ۱۷۷۱.

۴. شرایط نماز مانند طهارت، قرائت صحیح و ... را رعایت نکرده باشد.

۵. جهر و اخفات نماز را عمداً رعایت نکرده باشد.

۶. ارکان نماز را کم یا زیاد کرده باشد.

۷. ذکرهای واجب را در حال حرکت گفته باشد.

۸. کسی که بعد از نماز بفهمد وضویش باطل بوده است.

۹. کسی که بعد از نماز بفهمد بدن یا لباسش نجس بوده است.

۱۰. کسی که در داخل وقت شک در ادای نماز کند.[۱]

سبک شمردن نماز

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

لَیْسَ مِنِّی مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ[۲]

از من نیست کسی که نماز را سبک شمارد.

امام صادق (ع) فرمود:

إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِی الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَاتَهُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لِمَلَائِکَتِهِ أَ مَا تَرَوْنَ إِلَی عَبْدِی کَأَنَّهُ یَرَی أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِیَدِ غَیْرِی أَ مَا یَعْلَمُ أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِیَدِی[۳]

هر گاه کسی نماز خود را سبک ادا کند، خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان خود می‌گوید: آیا به این بنده ام نمی‌نگرید؟ گویا تصور می‌کند حاجات او از درگاه دیگران برآورده می‌شود. آیا نمی‌داند که هر حاجتی بدست من روا می‌گردد؟

امام باقر (ع) فرمود:

دَخَلَ رَجُلٌ مَسْجِداً فِیهِ رَسُولُ اللَّهِ ص فَخَفَّفَ سُجُودَهُ دُونَ مَا یَنْبَغِی وَ دُونَ مَا یَکُونُ مِنَ السُّجُودِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) نَقَرَ کَنَقْرِ الْغُرَابِ لَوْ مَاتَ عَلَی هَذَا مَاتَ عَلَی غَیْرِ دِینِ مُحَمَّدٍ (ص)[۴]

مردی وارد مسجدی شد که رسول خدا در آن جا بود و سجده کوتاهی کرد، کمتر از آنچه باید و شاید، رسول خدا فرمود: چون کلاغ نوک بر زمین زد اگر به همین وضع بمیرد بر دین محمد (ص) نمرده است.

۱- الفتاوی الواضحه، ص ۵۵۳.

۲- بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۴۹۵.

۳- کافی، ج ۳، ص ۲۶۹.

۴- امالی صدوق، ص ۴۸۳.

اقسام سبک شمردن نماز

برخی از بزرگان برای استخفاف و سبک شمردن نماز مواردی را ذکر کرده‌اند:

۱. آن که نماز را قبول نداشته باشد که این موجب کفر است.

۲. مسلمانی که نماز را قبول دارد، ولی به جا نمی‌آورد.

۳. مسلمانی که نماز را قبول دارد، ولی گاهی به جا می‌آورد و گاهی ترک می‌کند.

۴. مسلمانی که مسائل نماز را نمی‌داند و به فکر یادگیری آنها نیست.

۵. مسلمانی که نمازها را در اول وقت نمی‌خواند.

۶. قضای نماز بر عهده‌اش باشد و در صدد به جا آوردن آن نباشد و سال به سال تأخیر اندازد.[۱]

۷. نداشتن حضور قلب در نماز.

مواردی که واجب است نماز در اول وقت خوانده نشود

۱. کسی که در اول وقت عذری دارد و می‌داند اگر صبر کند، آن عذر تا آخر وقت نشده برطرف می‌شود به طور مثال در اول وقت اگر بخواهد نماز بخواند باید با وضوی جبیره‌ای نماز بخواند ولی اگر تأخیر بیندازد عذرش برطرف می‌شود.[۲]

۲. کسی که در اول وقت فاقد بعضی از مقدمات نماز مانند طهارت یا پوشش است، ولی اگر تأخیر بیندازد واجد آن مقدمه خواهد شد.

۳. برای تعلّم و یادگیری بعضی از اجزا یا شرایط نماز مانند تصحیح قرائت نماز.

۴. برای فراگیری احکام شک و سهو و مانند آن در صورتی که غالباً برایش در نماز اتفاق می‌افتد.[۳]

۵. هرگاه در اول وقت نماز، واجب مضَیقی پیش آید مانند برطرف کردن نجاست از مسجد یا ادای قرضی که طلبکار مطالبه می‌کند و او هم قدرت پرداخت دارد و یا حفظ جان کسی که جانش محترم است.[۴]

موارد وجوب سجده سهو

۱. در بین نماز سهواً حرف بزند.

۲. یک سجده را فراموش کند و در رکوع رکعت بعد، یا پس از آن یادش بیاید.

۱- هزار و یک نکته درباره نماز، ص ۱۳۷.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۷۵۲.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۷۵۳.

۴- عروة الوثقی، ج ۱، فی اوقات الرواتب، م ۱۵.

۳. در نماز چهار رکعتی، شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته و یا ۵ و ۶ در حالت ایستاده پیش آید.[۱]

و در دو صورت بنا بر احتیاط واجب باید سجده سهو به جا آورد:

۱. سلام بی‌جا: مثلًا در رکعت سوم نماز چهاررکعتی سهواًسلام بدهد.

۲. تشهد را فراموش کند.

اگر انسان اشتباهاً یا به خیال این که نمازش تمام شده حرف بزند باید دو سجده سهو به جا آورد.[۲]

اگر سجده سهو را بعد از سلام نماز عمدا بجا نیاورد معصیت کرده و واجب است هرچه زودتر آن را انجام دهد و چنانچه سهواً به‌جا نیاورد هر وقت یادش آمد باید فوراً انجام دهد و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.[۳]

در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: بسم‌الله و بالله اللهم صلی علی محمد و آل محمد و بهتر است بگوید: بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید، سپس بنشیند و تشهد و سلام را به جا آورد.[۴]

وجوب نماز قصر و اتمام

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط شکسته بجا آورد، یعنی دو رکعت بخواند: شرط اول: سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد. شرط دوم: از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد. شرط سوم: در بین راه از قصد خود برنگردد. شرط چهارم: نخواهد

پیش ازرسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند. شرط پنجم: برای کار حرام سفر نکند. شرط ششم: از صحرانشین‌هایی نباشد که در بیابان‌ها گردش می‌کنند. شرط هفتم: شغل او مسافرت نباشد. شرط هشتم: به حد ترخص برسد.[۵]

کسی که یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست یا شک دارد که هشت فرسخ هست‌یا نه، چنانچه در بین راه بفهمد که سفر او هشت فرسخ بوده اگر چه کمی از راه باقی باشد باید نماز را شکسته بخواند، و اگر بعد از

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۲۳۶.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۲۳۷.

۳- همان، م ۱۲۴۶.

۴- همان، م ۱۲۵۰.

۵- توضیح المسائل مراجع، قبل از م ۱۲۷۲.

تمام خواندن نماز فهمید سفرش هشت فرسخ بوده بنابر اقوی باید نماز را دوباره شکسته اعاده نماید و در صورتی که وقت گذشته باشد باید بنابر احتیاط واجب نماز را دوباره قضا نماید.[1]

اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند چنانچه در وقت یادش بیاید باید شکسته به جا آورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید قضای آن نماز بر او واجب نیست.[2]

مسافری‌که برای انجام کارحرامی مثل دزدی سفر می‌کند، باید نماز را تمام بخواند وهمچنین است اگر خود سفرحرام باشد، مثل آن که برای او ضرر داشته باشد یا زن بدون اجازه شوهر سفری برود که بر او واجب نباشد ولی اگر مثل سفرحج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخواند.[3]

اگر مخصوصاً برای آن که کار واجبی را ترک کند مسافرت نماید نمازش تمام است. پس کسی که بدهکار است، اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند، چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و مخصوصاً برای فرار از دادن بدهی مسافرت نماید باید نماز را تمام بخواند ولی اگر برای ترک واجب مسافرت نکند، باید نماز را شکسته بخواند.[4]

کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد چه بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می‌رود، نماز را شکسته بخواند.[5]

سفرهای واجب

سفرهای واجب عبارتند از:

۱. سفر به قصد کار کردن برای تأمین معاش خود و کسانی که نفقه آنان بر انسان واجب است.

۲. سفر برای تحصیل علم واجب، در صورتی که در وطن تحصیل ممکن نباشد.

۳. سفر برای انجام حج واجب.[6]

۴. سفری که با نذر واجب شود.[7]

۵. سفر برای جهاد و شرکت در جبهه در صورت نیاز.[1]

۱- همان، م ۱۲۷۷.

۲- همان، م ۱۳۶۲.

۳- همان، شرط پنجم از شروط شکسته بودن نماز در سفر.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۲۹۷.

۵- همان، م ۱۳۱۲.

۶- مناسک حج، امام خمینی، شرایط وجوب حجة الاسلام، م ۱۱.

۷- همان، م ۱۶؛ فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۴۶۹.

واجبات نماز جماعت

در جایی که مأموم در نماز جماعت باید حمد و سوره بخواند، واجب است آهسته بخواند.[۲]

متابعت مأموم از امام در افعال نماز واجب است. به این معنا که در آنها نباید بر امام مقدم شود و نباید زیاد عقب بماند. اما متابعت در اقوال نماز به جز تکبیرة الاحرام واجب نیست.[۳]

اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگردد به چیزی از قرائت امام نمی‌رسد، واجب است سر بردارد و با امام نماز را تمام کند و نمازش صحیح است و اگر سر برندارد تا امام برسد نمازش صحیح است.[۴]

اگر سهواً پیش از امام به سجده رود، واجب است که سر بردارد و با امام به سجده رود و نمازش صحیح است اگر چه احتیاط استحبابی در این صورت اعاده نماز است و اگر برنداشت نمازش صحیح است.[۵]

موارد وجوب شرکت در نماز جماعت

کسی که نذر یا عهد کرده یا قسم خورده که همه نمازها یا نماز خاصی را به جماعت بخواند، باید به آن عمل کند، ولی اگر تخلف کند نمازش صحیح است و باید کفاره بدهد.

اگر کسی مبتلا به وسواس در نماز باشد به گونه‌ای که اگر بخواهد دست از وسواسی بردارد چاره‌ای جز شرکت در نماز جماعت ندارد، شرکت در نماز جماعت بر او واجب است.[۶]

اگر پدر یا مادر به فرزند خود امرکند که نماز را به‌جماعت بخواند چون اطاعت امر پدر و مادر واجب است، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را به جماعت بخواند.[۷]

اخلال به واجبات نماز

اخلال عمدی به واجبات نماز، نماز را باطل می‌کند، شرط باشد یا جزء، کم باشد یا زیاد.[۸]

۱- سیر و سفر در اسلام، محمد وحیدی، ص ۲۲.

۲- تحریرالوسیله، ج ۱، فی احکام الجماعة، م ۷.

۳- همان، م ۹.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۴۷۷.

۵- همان، م ۱۴۷۸.

۶- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۹۷، م ۱۴۰۵.

۷- همان، م ۱۴۰۶.

۸- شرائع الاسلام، ص ۷۶، در واجبات سجود.

واجبات نماز جمعه

نماز جمعه یکی از فرائض دینی و مهم‌ترین اجتماع هفتگی مسلمانان است و در روز جمعه طبق نظر اکثر مراجع تقلید، می‌توان به جای نماز ظهر، نماز جمعه خواند.

این نماز واجباتی دارد که عبارتند از:

۱. باید به جماعت خوانده شود.

۲. حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه، ۵ نفر است، یک نفر امام و چهار نفر مأموم.

۳. دو خطبه قبل از نماز خوانده شود و در هر خطبه حمد و ثنای خدا و صلوات بر پیامبر و آل او (علیهم السلام) سفارش به تقوا و یک سوره کامل خوانده شود.

۴. خطیب باید ایستاده باشد.

۵. خطیب باید وضو داشته باشد.

۶. خطیب بین دو خطبه باید کمی بنشیند.

۷. توصیه به تقوا، در خطبه نماز جمعه، بر امام جمعه واجب است.

۸. با نماز جمعه دیگر حداقل یک فرسخ فاصله داشته باشد.[۱]

نماز قضا

در دو مورد بجا آوردن قضای نماز واجب است:

۱. نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد؛ ۲. بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده باطل بوده است.[۲]

کسی که نماز قضا دارد باید در خواندن آن کوتاهی نکند ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد.[۳]

کسی که نماز قضا دارد، می‌تواند نماز مستحبی بخواند.[۴]

قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود مثلًا کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد ظهر را نخوانده، لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا نماید.[۵]

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۲.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱.

۳- همان، م ۱۳۷۲.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۷۳.

۵- همان، م ۱۳۷۵.

کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی‌داند مثلًا نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است و همچنین اگر شماره آنها را می‌دانسته و فراموش کرده اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می‌کند.[1]

تا انسان زنده است اگرچه از خواندن نمازهای قضای خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید.[2]

نماز قضا را با جماعت می‌شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلًا اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.[3]

اگر زن نماز را تأخیر بیندازد و از اول‌وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است.[4]

نمازهای شکسته قضا شده در سفر، در وطن باید شکسته خوانده شود.

پرسش: شخصی که به مدت دو یا سه روز بیهوش بوده آیا نمازهایی را که در آن مدت نخوانده قضا دارد؟

پاسخ: اگر تمام وقت نماز بی‌هوش بوده و به دست خودش بی‌هوش نشده قضا ندارد.[5]

عوامل وجوب قضای نماز

عواملی که موجب وجوب قضای نماز می‌شود، عبارتند از:

۱. کسی که عمداً یا سهواً نماز نخوانده.

۲. کسی که در تمام وقت آن خواب بوده است.

۳. در تمام وقت آن مست بوده است.

۴. بعد از وقت بفهمد نمازش باطل بوده است.

۵. بعد از وقت بفهمد یکی از شرایط واقعی آن موجود نبوده.

۶. کسی که در اثر بیماری نماز نخوانده.

۷. نداشتن آب و خاک برای وضو و تیمم.

۱- همان، م ۱۳۸۳.

۲- همان، م ۱۳۸۷.

۳- همان، م ۱۳۸۸.

۴- همان، م ۴۷۱.

۵- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، ص ۱۷۳، س ۱۷۶؛ تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء؛ منهاج الصالحین، ج ۱، قبل از م ۷۱۶؛ توضیح المسائل مکارم، م ۱۱۹۳.

۸. ارتداد.

مواردی که نماز فوت شده قضا ندارد

۱. نمازهای فوت شده در ایام حیض.[۱]

۲. نمازهای فوت شده در ایام نفاس.[۲]

۳. نمازهای فوت شده در زمان کفر اصلی، نه مسلمانی که مدتی مرتد شده باشد.[۳]

۴. نمازهای فوت شده در زمان جنون[۴]

۵. نمازهای فوت شده در حال بی هوشی.[۵]

نماز قضای پدر و مادر

اگر پدر نماز و روزه خود را بجا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده و می‌توانسته قضا کند بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگش به جا آورد یا برای او اجیر بگیرد بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد واجب است به همین طور عمل کند و نیز روزه‌ای را که در سفر نگرفته اگرچه نمی‌توانسته قضا کند، واجب است که پسر بزرگتر قضا نماید یا برای او اجیر بگیرد.[۶]

اگر پسر بزرگ میت می‌داند پدرش نماز و روزه قضا داشته است و تعداد آن را هم می‌داند، باید آنها را قضا کند و اگر تعداد آنها را نمی‌داند، اگر مقدار کمتر را به جا آورد کافی است.

اگر پسر بزرگتر شک دارد که پدر نماز و روزه قضا داشته یا نه چیزی بر او واجب نیست.[۷]

اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند بعد از آن که اجیر، نماز و روزه او را به طور صحیح به جا آورد، بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست.[۸]

کسی که نماز و روزه قضا دارد، اگر نماز و روزه پدر هم بر او واجب شود، هر کدام را اول به جا آورد صحیح است.[۹]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۴۶۹.

۲- عروة الوثقی، ج ۱، فی صلاة القضاء؛ توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۷۰.

۳- همان؛ توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۹۵.

۴- همان،؛ توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۹۴.

۵- همان.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۹۰.

۷- توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۹۱.

۸- همان، م ۱۳۹۴.

۹- همان، م ۱۳۹۶.

اگر پسر بزرگتر پیش از آن که نماز و روزه پدر را قضا کند بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.[1]

نمازی که به‌جا آوردن آن بر پسر بزرگ میت واجب است، منحصر به نماز یومیه نیست، بنابراین اگر نمازی به واسطه نذر بر میت واجب بود و به‌خاطر عذری از او فوت شده باشد، قضای آن بر ولی‌میت واجب است.[2]

اگر نماز و روزه‌ای را که میت به جا آورده باشد ولی معلوم شود باطل بوده، باز بر پسر بزرگ اوست که آنها را قضا نماید.[3]

تنها قضای نماز و روزه‌های خود پدر که به جا نیاورده واجب است. بنابراین اگر میت نماز و روزه استیجاری بدهکار بوده، یا خود میت پسر بزرگ پدرش بوده و نماز و روزه‌هایی بر او واجب بوده و به جا نیاورده قضای آنها بر ولی میت (پسر بزرگ او) واجب نیست.[4]

نماز آیات

نماز آیات به واسطه چهار چیز واجب می‌شود: اول: گرفتن خورشید. دوم: گرفتن ماه، اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود. سوم: زلزله، اگر چه کسی هم نترسد. چهارم: رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها در صورتی که بیشتر مردم بترسند.[5]

اگر از چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است بیشتر از یکی اتفاق بیفتد، انسان باید برای هریک از آنها یک نماز آیات بخواند، مثلًا اگر خورشید بگیرد و زلزله هم بشود، باید دو نماز آیات بخواند.[6]

چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است در هر شهری اتفاق بیفتد فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست، ولی اگر مکان آنها بقدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود نماز آیات بر آنها هم واجب است.[7]

از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند انسان باید نماز آیات را بخواند و بنابر احتیاط واجب باید به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند.[1]

۱- همان، م ۱۳۹۸.

۲- عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۵، م ۱۸ و ج ۲، ص ۶۳، م ۲۶.

۳- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۰۶، م ۱۶؛ عروة الوثقی، ج ۲، ص ۶۲، م ۱۹

۴- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۰۶، م ۱۶؛ عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۲، م ۱.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۱۴۹۱.

۶- همان، م ۱۴۹۲.

۷- همان، م ۱۴۹۴.

موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می‌افتد، انسان باید فورا نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است.[۲]

نماز آیات بر مستحاضه واجب است. و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیه گفته شد، انجام دهد.[۳]

نماز آیات بر زنی که در حال حیض یا نفاس است واجب نیست و قضا هم ندارد.

باران شدیدی که موجب خوف اکثر مردم شهر شود، نماز آیات واجب می‌شود.[۴]

اگر بعد از باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده باید قضای نماز آیات را بخواند ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده قضا بر او واجب نیست.[۵]

اگر بفهمد نماز آیاتی را که خوانده باطل بوده، باید دوباره بخواند، واگر وقت گذشته قضا نماید.[۶]

اگر دروقت نماز یومیه نمازآیات هم بر انسان واجب شود، چنانچه برای هر دو نماز وقت دارد، هر کدام را اول بخواند اشکال ندارد، و اگر وقت یکی از آن دو تنگ باشد، باید اول آن را بخواند، و اگر وقت هر دو تنگ باشد، باید اول نماز یومیه را بخواند.[۷]

اگر دربین نماز یومیه بفهمد که وقت‌نماز آیات تنگ است، چنانچه وقت نماز یومیه هم تنگ باشد، باید آن را تمام کند بعد نماز آیات را بخواند و اگر وقت نماز یومیه تنگ نباشد، باید آن را بشکند و اول نماز آیات را به جا آورد بعد نماز یومیه را.[۸]

اگر در بین نماز آیات بفهمد که وقت نماز یومیه تنگ است، باید نماز آیات را رها کند و مشغول نماز یومیه شود و بعد از آن که نماز را تمام کرد پیش از انجام کاری که نماز را به هم بزند، بقیه نماز آیات را از همان جا که رها کرده بخواند.[۹]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۴۹۵.

۲- همان، م ۱۴۹۸.

۳- همان، م ۴۳۰.

۴- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۱۴۹۹.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۰۲.

۷- همان، م ۱۵۰۳.

۸- همان، م ۱۵۰۴.

۹- همان، م ۱۵۰۵.

نمازآیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و دستور آن این است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره

تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم، دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.[1] و می‌تواند در هر رکعت بعد از خواندن حمد، سوره‌ای را پنج قسمت نماید و بعد از هر قسمتی یک رکوع انجام دهد مانند سوره قدر که پنج آیه دارد.[2]

اگر دریک رکعت از نمازآیات پنج مرتبه حمدو سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند، مانعی ندارد.[3]

هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است که اگر عمداً یا اشتباها کم یا زیاد شود، نماز باطل است.[4]

اگر در نماز آیات شک کند که چند رکعت خوانده و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است.[5]

سجده واجب قرآنی

در هریک از چهار سوره نجم، علق، فصلت و سجده، یک آیه سجده است که اگر انسان بخواند یا گوش به آن دهد، بعد از تمام شدن‌آن آیه، باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد، هر وقت یادش بیاید، باید سجده نماید.[6]

اگر انسان موقعی که آیه سجده را می‌خواند، از دیگری هم بشنود چنانچه گوش داده باید دو سجده نماید و اگر به گوشش خورده یک سجده کافی است.[7]

در صورتی که سبب وجوب سجده پشت سر هم تکرار شود، سجده هم باید تکرار شود و اگر همزمان باشد واجب نیست. مانند این که عده‌ای باهم آیه سجده را بخوانند.[8]

در غیر نماز اگر در حال سجده، آیه سجده را بخواند یا به آن گوش بدهد باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.[1]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۰۷.

۲- همان، م ۱۵۰۸.

۳- همان، م ۱۵۰۹.

۴- همان، م ۱۵۱۵.

۵- همان، م ۱۵۱۳.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۹۳.

۷- همان، م ۱۰۹۴.

۸- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی سجدتی التلاوة و الشکر، م ۲.

در حین خواندن نماز واجب اگر آیه سجده را بشنود، ضمن این که با اشاره لازم است سجده کند، بعد از نماز نیز لازم است سجده کند.[۲]

هرگاه در سجده واجب قرآن، پیشانی را به قصد سجده بر زمین بگذارد، کافی است اگرچه ذکری نگوید، و گفتن ذکر، مستحب است همچنین رو به قبله بودن و وضو داشتن نیز لازم نیست.[۳]

اگر آیه سجده را از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد بشنود، یا از مثل ضبط صوت آیه سجده را بشنود، لازم نیست‌سجده نماید. ولی اگر از وسیله‌ای‌که صدای خود انسان را می‌رساند بشنود مانند بلندگو، واجب است سجده کند.[۴]

روزه‌های واجب

۱. روزه ماه مبارک رمضان.

۲. روزه قضا

۳. روزه کفاره

۴. روزه‌های قضا شده پدر که بر پسر بزرگتر واجب می‌شود.

۵. روزه آخرین روز ایام اعتکاف.

۶. روزه بدل از قربانی در حج تمتع.[۵]

۷. روزه نذر.

روزی را که انسان شک دارد آخرشعبان است یا اول‌رمضان واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی‌تواند نیت روزه رمضان کند، ولی اگر نیت روزه قضا و مانند آن بنماید، چنانچه بعد معلوم شود ماه رمضان بوده از رمضان حساب می‌شود.[۶]

پرسش: آیاکسی‌که روزه واجب برعهده اوست می‌تواند روزه مستحبی به جا آورد؟

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۹۵.

۲- همان، م ۹۸۵.

۳- همان، م ۱۰۹۹.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۹۶.

۵- عروة الوثقی، ج ۲، فی اقسام الصوم، فصل ۱۵؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۰۳.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۶۸.

پاسخ: کسی‌که روزه قضا، یا روزه واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد و چنانچه فراموش کرده باشد و قبل از ظهر یادش بیاید، می‌تواند نیت خود را به واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر یادش بیاید روزه‌اش باطل است.[۱]

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند باید روزه واجب را بگیرد.[۲]

موارد وجوب کفاره روزه

اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون آورد. وچنانچه عمداً فرو برد، روزه‌اش باطل است و کفاره هم بر او واجب می‌شود.[۳]

چشیدن غذا اگر چه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند. ولی اگر انسان از اول بداند که به حلق می‌رسد، چنانچه فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود، و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب است.[۴]

کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، اگر خود را جنب کند روزه‌اش باطل است و قضا و کفّاره بر او واجب می‌شود.[۵]

کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد، و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.[۶]

اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، کفاره جمع بر او واجب می‌شود.[۷]

اگر روزه‌دار دروغی را به خدا و پیغمبر (ص) نسبت دهد، کفاره جمع بنابر احتیاط بر او واجب می‌شود.[۸]

اگر روزه‌دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند، یک کفاره براو واجب است، ولی اگر جماع او حرام باشد یک کفاره جمع واجب می‌شود.[۹]

اگر روزه‌دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمدا آن را فرو ببرد، روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب می‌شود، و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلًا موقع آروغ

۱- تحریرالوسیله، م ۱۵۶۸ و ۱۵۶۹.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۴۸.

۳- همان، م ۱۵۷۴.

۴- همان، م ۱۵۸۲.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۲۳.

۶- همان، م ۱۶۲۵.

۷- همان، م ۱۶۶۵.

۸- همان، م ۱۶۶۶.

۹- همان، م ۱۶۶۷.

زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده به دهان او بیاید و عمدا آن را فرو برد، باید قضای آن روزه را بگیرد، و بنابر احتیاط کفاره جمع هم بر او واجب می‌شود.[۱]

اگر به گفته کسی که می‌گوید مغرب شده افطار کند، و بعد بفهمد مغرب نبوده است، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود. ولی اگر خبردهنده عادل بوده، فقط قضای آن روزه واجب است.[۲]

کسی که عمدا روزه خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفاره سفر نماید، کفاره از او ساقط نمی‌شود.[۳]

موارد عدم وجوب قضای روزه

۱. نگرفتن روزه ماه رمضان به سبب مرض یا حیض و نفاس و مردن شخص پیش از تمام شدن رمضان.[۴]

۲. نگرفتن روزه تمام یا قسمتی از ماه رمضان به سبب بیماری و ادامه آن تا رمضان آینده. (ولی برای هر روز باید یک مد طعام کفاره بدهد).[۵]

۳. در ماه رمضان بعد از تحقیق از صبح شدن، یقین یا گمان پیدا کند که صبح نشده و چیزی بخورد، سپس معلوم شود که صبح بوده.[۶]

۴. افطارکردن در هوای ابری به گمان مغرب شدن، سپس معلوم شود که مغرب نبوده است.[۷]

۵. کودک نابالغ اگر در روز ماه رمضان بالغ شود و افطار کند، نسبت به همان روز.[۸]

۶. دیوانه اگر عاقل شود، نسبت به روزهایی که دیوانه بوده است.[۹]

۷. کافر اگر مسلمان شود، نسبت به دوران کفر.[۱۰]

موارد وجوب قضای روزه

۱. قی کردن عمدی در روزه ماه رمضان.[۱]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۷۱.

۲- همان، م ۱۶۷۳.

۳- همان، م ۱۶۷۴.

۴- همان، م ۱۷۰۲.

۵- همان، م ۱۷۰۳.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۸۸.

۷- همان.

۸- تحریرالوسیله، صوم شهر رمضان، م ۱.

۹- توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۹۴.

۱۰- همان، م ۱۶۹۵.

۲. بیدار نشدن جنب درشب ماه رمضان از خواب سوم تا اذان صبح.[۲]

۳. کسی که نیت روزه نکند یا بعد از نیت، قصد کند که روزه نباشد، ولی از مبطلات روزه چیزی را انجام ندهد.[۳]

۴. انجام مفطر به گفته کسی که بگوید صبح نشده سپس معلوم شود که صبح بوده است.[۴]

۵. اگرکسی بگوید صبح شده و روزه‌دار به گفته او یقین نکند یا خیال کند شوخی می‌کند و مفطری انجام دهد، سپس معلوم شود صبح بوده است.[۵]

۶. در شب ماه رمضان بدون تحقیق از صبح شدن، مفطری انجام دهد، یا بعد از تحقیق با این که گمان به صبح شدن دارد مفطری انجام دهد، آن گاه معلوم شود صبح بوده است. (ولی اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست).[۶]

۷. به گفته فردِ عادلی افطار کند، سپس معلوم شود که مغرب نبوده است.[۷]

۸. آب را برای خنک شدن یا با انگیزه‌های دیگر در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود، ولی اگر برای وضو باشد قضا ندارد.[۸]

۹. انجام مفطر در هوای صاف که به واسطه تاریکی، یقین به مغرب پیدا کند و بعد معلوم شود که مغرب نبوده.[۹]

۱۰. نگرفتن روزه رمضان به سبب عذری که بعد از رمضان برطرف گردد، لکن عذر دیگری مانند مسافرت یا مرضی پدید آید که مانع انجام قضای آن تا رمضان سال بعد شود.[۱۰]

۱۱. نگرفتن روزه به سبب سفر.

۱- همان، م ۱۶۸۸.

۲- همان.

۳- همان.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۸۸.

۵- همان.

۶- همان.

۷- همان.

۸- همان.

۹- همان.

۱۰- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۰۴

۱۲. باطل کردن عمدی روزه که در پی آن در همان روز عذر قهری مانند حیض یا نفاس یا مرض پدید آید.[۱]

۱۳. مسلمانی که مرتد شود، سپس اسلام آورد، نسبت به روزهای ارتداد، قضا دارد.[۲]

۱۴. کسی که معتقد است روزه برای او ضرر ندارد و روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد که روزه برای وی ضرر داشته باید قضا کند.[۳]

۱۵. فراموش کردن غسل جنابت در یک روز یا چند روز از ماه رمضان.[۴]

۱۶. زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست، و باید برای هر روز یک مد طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و نیز اگر روزه برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست. و بنابر احتیاط واجب باید برای هر روز یک مدطعام به فقیر بدهد، ودر هر دو صورت روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا نماید.[۵]

۱۷. زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است، چه مادر بچه یا دایه او باشد، یا بی اجرت شیر دهد، اگر روزه برای بچه‌ای که شیر می‌دهد ضرر دارد، روزه براو واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و نیز اگر برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست، و بنابر احتیاط واجب باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و در هر دو صورت روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا نماید.[۶]

پرسش: در چه مواردی قضای روزه فردی، بر شخص دیگری واجب می‌شود؟

پاسخ: پس از مرگ پدر، پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شده او را به‌جا آورد و نیز اگر اجیر شده یا نذر نموده قضای‌نماز و روزه میتی را به جا آورد واجب است بگیرد.[۷]

۱- همان، م ۱۶۷۵(البته برخی از علما بنا بر احتیاط کفاره را لازم می‌دانند).

۲- همان، م ۱۶۹۵.

۳- همان، م ۱۶۸۸.

۴- همان.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۲۸.

۶- همان، م ۱۷۲۹.

۷- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۷، م ۱۶؛ توضیح المسائل، م ۱۷۱۲ و ۱۳۹۰.

واجبات اعتکاف

اعتکاف باید کمتر از سه روز و شبهای مابین آن نباشد. اما بیشتر از آن مانعی ندارد و محدود به حد معیّنی نیست. اگرچه بعد از دو روزاعتکاف، سومین روز آن واجب است. پس اگر پنج روز اعتکاف کند، روز ششم واجب است و اگر هشت روز اعتکاف کند روز نهم بنا بر احتیاط واجب، واجب است.[1]

وجوب جواب سلام

پیامبر اکرم (ص) فرمود: السَّلَامُ تَطَوُّعٌ وَ الرَّدُّ فَرِيضَةٌ[2]

سلام کردن مستحب و جواب آن واجب است.

انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید، و اگر عمداً یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد که اگر جواب بگوید، جواب آن سلام حساب نشود چنانچه در نماز باشد نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست.[3]

باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده ناشنوا باشد، چنانچه انسان به طور معمول جواب او را بدهد کافی است.[4]

اگر زن یا مرد نامحرم یا بچه ممیز، یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نمازگزار سلام کند، نمازگزار باید جواب او را بدهد.[5]

اگر کسی به نمازگزار غلط سلام کند به طوری که سلام حساب نشود جواب او واجب نیست.[6]

جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می‌کند واجب نیست.[7]

اگر کسی به عده‌ای سلام کند، جواب سلام او بر همه آنان واجب است ولی اگر یکی از آنان جواب دهد کافی است.[8]

اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند بر هر یک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.[9]

۱- برای اطلاع بیشتر، مراجعه شود به کتاب احکام اعتکاف، از مؤلف.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۴۳.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۳۸.

۴- همان، م ۱۱۳۹.

۵- همان، م ۱۱۴۱.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۴۳.

۷- همان، م ۱۱۴۴؛ عروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۶؛ فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۷۳۵.

۸- همان، م ۱۱۴۵.

۹- همان، م ۱۱۴۹.

در پاسخ سلام در نماز باید سلام مقدم باشد.[1]

جواب سلام در رسانه‌ها، پیامک، نامه و ... واجب نیست.

وجوب خمس

یکی از واجبات مالی اسلام، خمس می‌باشد که عبارت است از پرداخت یک پنجم از مال. قرآن کریم می‌فرماید:

وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینِ وَ ابْنِ السَّبیلِ[2]

بدانید هر گونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است.

اگر کسی خمس را حلال بداند و وجوب آن را انکار کند، در ردیف کافران قرار می‌گیرد.[3] امام رضا (ع) فرمود:

إِنَّ الْخُمُسَ عَوْنُنَا عَلَى دِينِنَا[4]

خمس کمک ما است بر دین ما.

موارد وجوب خمس

به هفت چیز خمس تعلق می‌گیرد: اول: منفعت کسب. دوم: معدن. سوم: گنج. چهارم: مال حلال مخلوط به حرام. پنجم: جواهری که به واسطه غواصی، یعنی فرو رفتن در دریا به دست می‌آید. ششم: غنیمت جنگی. هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.[5]

درآمد حاصل از تجارت، صنعت و کسب‌های دیگر چنانچه از مخارج سال خود و خانواده‌اش زیاد بیاید، خمس دارد.[6]

اگر به واسطه قناعت کردن، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.[7]

پرسش: زن و شوهری هر دو کار می‌کنند و درآمد دارند. آیا به پول زن هم خمس تعلق می‌گیرد؟

۱- فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۵۱۶.

۲- انفال/ ۴۱.

۳- عروة الوثقی، ص ۴۵۱؛ جامع المسائل فاضل، ج ۲، ص ۱۷۵.

۴- کافی، ج ۱، ص ۵۴۸.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۵۱.

۶- همان، م ۱۷۵۲.

۷- همان، م ۱۷۵۶.

پاسخ: در زاید بر آنچه در بین سال خرج زندگی کرده، خمس واجب است.[1]

مؤونه عبارت است از آنچه که در بین سال به مصرف خوراک، پوشاک، اثاثیه، خرید منزل، زیارت، نذر و کفاره می‌رسد و نیز مالی را که به کسی می‌بخشد یا جایزه می‌دهد و ... در صورتی که از شأن او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد.[2]

سرمایه اگر از درآمد کسب و حقوق تهیه شده باشد، جزء مؤونه نیست و خمس دارد.[3]

اگر سرمایه‌ای‌که تهیه کرده به گونه‌ای باشد که در صورت پرداخت خمس آن نتواند با بقیه آن مؤونه خود را تحصیل کند و یا مجبور است به کاری دست بزند که در شأن او نیست، خمس ندارد.[4]

کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر از منافع کسب، وسائل غیر مورد نیاز خریده و یک سال از خرید آن گذشته، باید خمس آن را بدهد و اگر وسایل مورد نیاز و مطابق شأن خود خریده، اگر بداند آنها را در بین سالی که فایده برده خریده، لازم نیست خمس آنها را بدهد ولی اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنا بر احتیاط واجب باید با حاکم شرع مصالحه کند.[5]

اگر مال حلال با مال حرام طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می‌شود.[6]

پیامدهای نپرداختن خمس

۱. عدم جواز تصرف

تا انسان خمس مال را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف کند، یعنی غذایی را که در آن خمس باشد، نمی‌تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی‌تواند چیزی بخرد.[7]

اگر با پولی که خمس آن را نداده است، خانه بخرد، تصرف او در آن خانه حرام و نماز خواندن در آن نیز باطل است.[1]

۱- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، ص ۳۸۶، س ۱۲۸.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۷۵ و ۱۷۷۶.

۳- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۸، م ۱۳.

۴- همان.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۹۷.

۶- همان، م ۱۸۱۳.

۷- همان، م ۱۷۹۰.

۲. بطلان معامله

اگر با پول خمس‌نداده خرید و فروش کند، آن معامله باطل است.[۲]

۳. بطلان عبادت

نماز خواندن روی فرشی که متعلق خمس یا زکات باشد، باطل است.[۳]

اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است.[۴]

۴. عدم حصول ملکیت

اگر غیر از کسب، مالی به دست آورد، مثلا چیزی به او ببخشند، طبق نظر برخی از مراجع همچون امام خمینی (ره) و آیۀ الله خامنه‌ای واجب نیست خمس آن را بدهد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس آن را هم بدهد.[۵]

اگر چیزی را که خمس آن داده نشده، به کسی ببخشد، آن چیز مال او نمی‌شود.[۶]

اگر از کافر یا کسی که به دادن خمس عقیده ندارد، مالی به دست انسان برسد، واجب نیست خمس آن را بدهد.[۷]

انسان می‌تواند در بین سال هر وقت منفعتی به دستش آید خمس آن را بدهد و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیندازد و اگر برای دادن خمس، سال شمسی قرار دهد مانعی ندارد.[۸]

اگر از منفعت کسب آذوقه‌ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده زیاد شده باشد باید قیمت آخر سال را حساب کند.[۹]

اگر از منفعت کسب پیش از دادن خمس اثاثیه‌ای برای منزل بخرد، چنانچه در بین سال احتیاجش از آن برطرف شود، واجب است که خمس آن را بدهد.[۱]

۱- همان، م ۸۷۳

۲- همان، م ۱۷۶۰.

۳- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۴۳، م ۹.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۸۳۰

۵- همان، م ۱۷۵۳.

۶- همان، م ۱۷۶۳.

۷- همان، م ۱۷۶۴.

۸- همان، م ۱۷۶۶.

۹- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۸۰.

تا خمس مال را ندهد نمی‌تواند در آن مال تصرف کند اگرچه قصد دادن خمس را داشته باشد.[۲]

انسان نمی‌تواند در مالی که یقین دارد خمسش را نداده‌اند تصرف کند، ولی در مالی‌که شک دارد خمس آن را داده‌اند یا نه می‌تواند تصرف نماید.[۳]

پرسش: به چه اموالی خمس تعلق نمی‌گیرد؟

پاسخ: مالی که از راه‌های زیر به دست بیاید، خمس ندارد:

۱. مالی که از میت به انسان ارث برسد.

۲. چیزی که به انسان بخشیده‌اند. (از نظر برخی از مراجع)

۳. جایزه‌هایی که دریافت کرده است. (از نظر برخی از مراجع)

۴. آنچه به عنوان عیدی به انسان داده‌اند. (از نظر برخی از مراجع)

۵. مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است.

۶. مهریه‌ای که زن می‌گیرد.[۴]

وجوب زکات

زکات در اصطلاح شرعی صدقه‌ای است که پرداخت آن با وجود شرایطی بر انسان واجب می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعين[۵]

و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید.

زکات دو قسمت است، زکات مال و زکات فطره.

زکات به نُه چیز تعلق می‌گیرد: اول: گندم. دوم: جو. سوم: خرما. چهارم: کشمش. پنجم: طلا. ششم: نقره. هفتم: شتر. هشتم: گاو. نهم: گوسفند.[۶]

زکات در صورتی واجب می‌شود که مال به مقدار نصاب برسد و مالک آن، بالغ و عاقل باشد و بتواند در آن مال تصرف کند.[۱]

۱- همان، م ۱۷۸۱.

۲- همان، م ۱۷۹۰.

۳- همان، م ۱۷۹۵.

۴- عروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، ص ۳۸۹، السابع، ص ۳۹۰، م ۵۱.

۵- بقره/ ۴۳.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۸۵۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۱۵.

اگر با عین پولی که زکات آن را نداده، لباس بخرد، نماز خواندن با آن باطل است و همچنین است اگر نسیه بخرد و قصدش این باشد که از پولی که زکات آن را نداده بدهد.[۲]

اگر مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بین سال بالغ شود، زکات بر او واجب نیست.[۳]

زکات گندم و جو وقتی واجب می‌شود که به آنها گندم و جو گفته شود، و زکات کشمش بنا بر احتیاط وقتی واجب می‌شود که غوره است، و موقعی هم که خرما قدری خشک شد که به او تمر می‌گویند زکات آن واجب می‌شود. ولی وقت دادن زکات در گندم و جو موقع خرمن و جدا کردن کاه آنها و در خرما و کشمش موقعی است که خشک شده باشند.[۴]

زکات‌گندم، جو، خرما و کشمش وقتی واجب می‌شود که به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها ۲۸۸ من تبریز، ۴۵ مثقال کمتر که ۲۰۷/ ۸۴۷ کیلوگرم می‌شود.[۵]

اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکات آن را داده یا شک کند که داده یا نه، چیزی بر او واجب نیست.[۶]

اگر وزن گندم، جو، خرما و کشمش موقعی که تر است به ۲۸۸ من، ۴۵ مثقال کمتر برسد و بعد از خشک شدن کمتر از این مقدار شود، زکات آن واجب نیست.[۷]

خرمایی که تازه آن را می‌خورند و اگر بماند خیلی کم می‌شود چنانچه مقداری باشد که خشک آن به ۲۸۸ من، ۴۵ مثقال کمتر برسد، زکات آن واجب است.[۸]

اگر درخت‌خرما یا انگور در یک سال دو مرتبه میوه دهد چنانچه روی هم به مقدار نصاب باشد بنابر احتیاط زکات آن واجب است.[۹]

زکات طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که انسان یازده ماه مالک مقدار نصاب باشد، و اگر در بین یازده ماه طلا و نقره او از حد نصاب کمتر شود، زکات بر او واجب نیست.[۱]

۱- همان، م ۱۸۵۵.

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۴۸۰، م ۸۲۰

۳- همان، م ۱۸۵۷.

۴- همان، م ۱۸۵۸.

۵- همان، م ۱۸۶۴.

۶- همان، م ۱۸۷۰.

۷- توضیح المسائل مراجع، م ۱۸۷۱.

۸- همان، م ۱۸۷۳.

۹- همان، م ۱۸۹۰.

زکات طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که آن را سکه زده باشند و معامله با آنها رواج داشته باشد، یعنی مثل پول با آن معامله شود.[۲]

طلا و نقره سکه داری که زن‌ها برای زینت به کار می‌برند زکات ندارد اگرچه رواج داشته باشد.[۳]

پرسش: آیا به سکه‌های بهار آزادی، زکات تعلق می‌گیرد؟

پاسخ: تعلق نمی‌گیرد.[۴] زکات طلا در صورتی واجب است که علاوه بر سایر شرایط، سکه دار بوده و معامله با آن رایج باشد و رایج بودن به این است که با آن مانند اسکناس معامله شود، در حالی که در ایران با آن معامله رایج نیست و زکات به آن تعلق نمی‌گیرد.

ضمناً نقره هم همین حکم را دارد.[۵]

زکات شتر، گاو و گوسفندی که به مقدار نصاب برسد واجب است، چه همه آنها نر باشند یا ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده.[۶]

انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد، خرجشان بر او واجب است از زکات بدهد، ولی دیگران می‌توانند به آنان زکات بدهند.[۷]

اگر پسر به کتاب‌های علمی دینی احتیاج داشته باشد پدر می‌تواند برای خریدن آنها به او زکات بدهد.[۸]

پدر می‌تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد، پسر هم می‌تواند برای آنکه پدرش زن بگیرد زکات خود را به او بدهد.[۹]

انسان باید زکات را به قصد قربت (برای انجام فرمان‌خداوند عالم) بدهد و در نیت معین کند که آنچه را می‌دهد زکات مال است یا زکات فطره، ولی اگر مثلًا زکات گندم و جو بر او واجب باشد، لازم نیست معین کند که چیزی را که می‌دهد زکات گندم است یا زکات جو.[۱۰]

۱- همان، م ۱۹۰۲.

۲- همان، ج ۲، م ۱۸۹۹.

۳- همان، م ۱۹۰۰.

۴- جامع المسائل فاضل، ج ۲، ص ۱۶۵، س ۶۲۵.

۵- همان، ص ۱۶۶، س ۶۲۶.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۱۵.

۷- همان، م ۱۹۴۸.

۸- همان، م ۱۹۵۰.

۹- همان، م ۱۹۵۱.

۱۰- توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۵۷.

اگر زکات را از خود مال کنار بگذارد، می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر از مال دیگرش کنار بگذارد، می‌تواند در تمام مال تصرف نماید.[1]

بهتر است زکات را آشکارا و صدقه مستحبی را مخفی بدهند.[2]

پرسش: مصرف زکات چیست و آیا مصرف زکات مال با زکات فطره تفاوت دارد؟

پاسخ: مصرف زکات در هشت جاست که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد:

۱. فقیران.

۲. مسکینان، آنان که به کلی درمانده و بی نوایند.

۳. کسی‌که از طرف امام (ع) یا نایب او مأمور جمع آوری و نگهداری و توزیع زکات است (عاملین).

۴. برای الفت دادن دل‌ها به اسلام و مسلمانان، مانند غیر مسلمانان که اگر به آنها کمکی شود، به دین اسلام می‌گروند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند (مؤلفة قلوبهم).

۵. خریداری بنده‌ها و آزاد کردن آنان (فی الرقاب).

۶. بدهکارانی که نمی‌توانند قرض خود را بدهند (غارمین).

۷. در راه خدا، یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می‌رسد و مورد رضایت خداست، مانند ساختن جاده، پل، مسجد (فی سبیل الله).

۸. مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هرچند در وطن خود فقیر نباشد (ابن السبیل).[3]

مصرف زکات فطره همان مصرف زکات مال است، گرچه مستحب آن است که فقط به فقرای مؤمن و اطفال آنها و به مساکین بدهد.[4]

وجوب زکات فطره

کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.[5]

۱- همان، م ۱۹۶۵.

۲- همان، م ۱۹۷۴.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۲۵.

۴- همان، م ۲۰۱۴.

۵- همان، م ۱۹۹۲.

فطره مهمانی‌که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحبخانه وارد شده و نان خور او حساب می‌شود، بر او واجب است.[۱]

فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه وارد می‌شود و مدتی نزد او می‌ماند واجب است.[۲]

فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود بر صاحبخانه واجب نیست، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.[۳]

کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.[۴]

اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد بر خود انسان واجب نمی‌شود.[۵]

اگر کسی که فطره او بر دیگری واجب است‌خودش فطره را بدهد از کسی که فطره بر او واجب شده ساقط نمی‌شود.[۶]

زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد، چنانچه نان‌خور کس دیگر باشد، فطره‌اش بر آن کس واجب است. و اگر نان‌خور کس دیگر نیست، در صورتی که فقیر نباشد باید فطره خود را بدهد.[۷]

فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر می‌خورد بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را می‌دهد، ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل برمی‌دارند فطره طفل بر کسی واجب نیست.[۸]

میزان در قیمت فطریه قیمت زمانی است که می‌خواهد بپردازد، نه زمانی که واجب شده و همچنین میزان قیمت مکانی است که می‌خواهد بپردازد نه مکانی که زکات فطره بر او واجب شده است.[۹]

روزه دار بودن از شرایط وجوب زکات فطر نیست، پس پرداخت فطریه بر کسانی هم که روزه نیستند واجب است.[۱۰]

۱- همان، م ۱۹۹۵.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۹۶.

۳- همان، م ۱۹۹۷.

۴- همان، م ۲۰۰۵.

۵- همان، م ۲۰۰۶.

۶- همان، م ۲۰۰۷.

۷- همان، م ۲۰۰۸.

۸- توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۱۰.

۹- عروة الوثقی، ج ۲، فی زکاة الفطره، فصل ۳، م ۵.

۱۰- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۵۴، م ۲.

فطریه کسانی که در غروب شب عید فطر، نان‌خور او حساب می‌شوند، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، خرج آنان بر انسان واجب باشد یا نه، در شهرخود باشند یا در شهر دیگر، حتی فطریه نوزادی که قبل از رؤیت هلال‌ماه شوال به‌دنیا آمده باشد، بر انسان واجب است.[۱]

فطریه سرباز و دانشجویی که نان‌خور پدر و مادر است، بر پدر اوست.[۲]

فطریه دختری که در حال عقد است اگر نان‌خور پدرش باشد بر عهده پدر اوست.[۳]

معیار واجب شدن فطریه دیگران بر انسان نان‌خور بودن است. (نان‌خور پدر، شوهر، میزبان)[۴] چه در خانه و چه در بیرون خانه[۵] و در احادیث تعبیر «عیلوله» دارد که میهمان نان خور میزبان محسوب شود.

اگر میهمان، بعد از اذان مغرب شب عید فطر به خانه انسان بیاید، فطریه او بر انسان واجب نیست.[۶]

اگر میهمان، با اجازه صاحب‌خانه و از طرف او فطریه خود را بدهد، بر میزبان چیزی واجب نیست.[۷]

اگر میهمان، قبل از غروب آفتاب بیاید و یکی دو ساعت پس از صَرف افطار برود، فطریه‌اش بر صاحبخانه واجب نیست.[۸]

آیات عظام صافی و نوری: در این صورت نیز واجب می‌شود.[۹]

پدری که زکات فطر نمی‌دهد بر بچه تکلیفی نیست.[۱۰]

وجوب فطریه در شب عید فطر است و وقت پرداخت آن از شب عید فطر است تا ظهر روز عید فطر.[۱۱]

مالی را که برای فطریه کنار گذاشته نمی‌تواند آن را برای خود بردارد و مال دیگری به جای آن بگذارد.[۱۲]

موارد رعایت قانون

مراعات مقررات دولت اسلامی واجب شرعی است و تخلف از آن گناه است.[۱]

۱- همان، ج ۱، ص ۳۱۶، م ۳؛ توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۹۳.

۲- عروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۹۵، فصل فی من تجب عنه؛ استفتائات امام‌خمینی(ره)، ج ۱، زکات، س ۱۷.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۰۸.

۴- همان، م ۱۹۹۸ و ۲۰۰۸.

۵- توضیح المسائل آیة اللّه فاضل، م ۲۰۵۷.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۹۹۷.

۷- همان، م ۲۰۰۶.

۸- اجوبة الاستفتائات خامنه ای، س ۸۸۸؛ وسیلة ا لنجاة، بهجت، ج ۱، م ۱۳۴۸.

۹- هدایة العباد، صافی، ج ۱، م ۱۵۸۰؛ تعلیقات علی العروة، نوری، زکاة الفطر، الفصل الثانی.

۱۰- توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۰۶.

۱۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۱۷۳.

۱۲- همان، م ۲۰۳۲.

مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی که به طور مستقیم توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته و یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوطه وضع شده‌اند، برای هیچ‌کس جایز نیست و در صورت تحقق مخالفت توسط فردی در این خصوص، دیگران حق تذکر و راهنمایی و نهی از منکر دارند.[۲]

کسی حق عمل نکردن به قوانین و مقررات حاکم بر اداره‌های دولتی و عمل برخلاف آنها را ندارد، و هیچ مسئولی نمی‌تواند از کارمند، تقاضای انجام کاری خلاف قانون را بنماید، و نظر مسئول اداره در این رابطه، اثری ندارد.[۳]

کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هرنوع شغل دیگر، در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت و مؤسسات عمومی است، برای آنان ممنوع است.[۴]

رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی واجب شرعی است، کسی که گواهینامه ندارد جایز نیست رانندگی کند.[۵]

وجوب احترام به کلمات مقدس

احترام به اسماء جلاله و کلمات مقدس واجب است. از این رو، مسّ نام‌های خداوند و متن قرآن بدون طهارت، وضو و غسل یا تیمم حرام است.[۶]

نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.[۷]

اگر جلد قرآن نجس شود در صورتی که بی احترامی به قرآن باشد باید آن را آب بکشند.[۸]

اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است- مثل کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر (ص) یا امام (ع) بر آن نوشته شده- در مستراح بیفتد،بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه خرج داشته باشد واجب است، و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید به آن مستراح نروند تا یقین کنند آن ورق پوسیده است.[۹]

۱- ۳۸۰ استفتاء جدید از امام امت، ص ۹۵.

۲- اجوبهٔ الاستفتائات، ص ۴۸۶.

۳- اجوبهٔ الاستفتائات، ص ۴۸۵.

۴- قانون اساسی، اصل یکصد و چهل و یکم.

۵- آیهٔ الله مکارم، کیهان، ۱۱/ ۱۲/ ۸۹.

۶- فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۴۳۶.

۷- توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۵.

۸- همان، م ۱۳۶.

۹- توضیح المسائل مراجع، م ۱۴۰.

گذاشتن قرآن روی عین نجس مانند خون و مردار، اگر چه آن عین نجس خشک باشد، حرام است و برداشتن قرآن از روی آن واجب می‌باشد.[1]

احتیاط واجب آن است که از دادن قرآن به کافر خودداری کنند و اگر قرآن دست اوست در صورت امکان از او بگیرند.[2]

اگر به قرآن هتک شود، باید فوراً رفع هتک شود. مثلًا اگر قرآن بازیچه کودک شده و برگ‌های آن را پاره می‌کند و یا اگر قرآن از دست فردی افتاد، لازم است به آن احترام نموده و آن را بردارند و در جای مناسب قرار دهند.[3]

حج واجب

حج، یکی از وظایف مهم مسلمانان و اعمال حج، از بزرگترین واجبات سیاسی- عبادی اسلام است.

حج در تمام عمر بر کسی که شرایط لازم را دارا باشد یک مرتبه واجب می‌شود.[4] ولی به وسیله نذر و عهد و قسم نیز بر انسان واجب می‌شود.[5]

کسی که بدون خانه ملکی رفع احتیاجش نمی‌شود، وقتی حج بر او واجب است که پول خانه را هم داشته باشد.[6]

اگر کسی توشه راه را نداشته باشد و دیگری به او بگوید حج برو، من خرج تو و عیالات تو را در موقعی که در سفر حج هستی می‌دهم، در صورتی که اطمینان داشته باشد که خرج او را می‌دهد، حج بر او واجب می‌شود.[7]

اگر مقداری مال که برای حج کافی است به کسی بدهند و با او شرط کنند که در راه مکه به کسی که مال را به او داده خدمت بنماید، حج بر او واجب نمی‌شود.[8]

اگر مقداری مال به کسی بدهند و حج بر او واجب شود، چنانچه حج نماید، هر چند بعدا مالی از خود پیدا کند دیگر حج بر او واجب نیست.[1]

۱- همان، م ۱۳۷.

۲- همان، م ۱۳۹.

۳- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۳، س ۳۰۹.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۳۶.

۵- تحریرالوسیله، عربی، ج ۱، ص ۳۸۸.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۳۷.

۷- همان، م ۲۰۳۹.

۸- همان، م ۲۰۴۲.

حج نیابتی

نایب گرفتن در حج استحبابی خواه برای زنده و خواه برای اموات مستحب است و در حج واجب از طرف میتی که حج بر او استقرار یافته بر ورثه واجب است و هزینه آن از اصل ترکه میت است و نیز نایب گرفتن برای زنده‌ای که حج بر او واجب شده اما به دلیل پیری یا بیماری توانایی جسمی خود را از دست داده است واجب است.[۲]

ازدواج واجب

اصل ازدواج در اسلام مستحب است ولی کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می‌افتد، واجب است زن بگیرد.[۳]

هرگاه ترک‌ازدواج سبب قرارگرفتن در ضرر و آسیب شود، ازدواج واجب است.

هرگاه کسی نذر یا عهد کند یا قسم بخورد بر این که ازدواج کند، ازدواج بر او واجب می‌شود.[۴]

پرسش: منظور از به گناه افتادن در اثر ازدواج نکردن چیست؟ آیا گناهان مقاربتی مقصود است یا گناهان دیگری نظیر نگاه شهوت آلود، خودنمایی و ... را نیز شامل می‌شود؟

پاسخ: مقصود اعم است و شامل هر گناهی می‌گردد.[۵]

ادای مهریه عندالمطالبه واجب است و اگر مرد نتواند ادا نماید، زن باید صبر کند.

زن مسلمان نمی‌تواند با مرد غیر مسلمان ازدواج کند و همچنین مرد مسلمان با زن غیر مسلمان نمی‌تواند ازدواج کند.[۶]

از شرایط ازدواج این است که زن، شوهر نداشته و در عده دیگری هم نباشد و نیز مرتد نباشد.[۷]

در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده‌شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست.

بنابراین خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرمیت نمی‌شود.[۸]

۱- همان، م ۲۰۴۳.

۲- فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۲۰۹ و ج ۳، ص ۲۳۹.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۳؛ عروة الوثقی، ج ۲، نکاح؛ اجوبة الاستفتائات، س ۷۹۵؛ استفتائات مکارم، ج ۲، ص ۳۶۵، س ۱۰۶۹.

۴- احکام خانواده، محمد وحیدی، ج ۱، ص ۳۰.

۵- عروة الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، م ۴.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۹۷.

۷- صرف ترک واجبات یا ارتکاب محرمات موجب ارتداد و خروج از دین نیست.(توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۸)

۸- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۶۳.

حقوق واجب زن و شوهر

بر هریک از زوجین واجب است به وظایف همسر نسبت به یکدیگر همت گمارده و حقوق همدیگر را رعایت کنند هرچند وظایف زن نسبت به شوهر سنگین‌تر است.[1]

۱. حقوق مرد

امام باقر (ع) فرمود:

جَاءَتِ امْرَأَةٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تَعْصِيَهُ وَ لَا تَتَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهَا بِشَيْءٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَصُومَ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَ إِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ وَ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِه[2]

زنی به محضر پیغمبر (ص) آمد و عرضه داشت: حق شوهر بر زن چیست؟ فرمود: آنکه فرمان او برد و مخالفت و عصیان او نکند، و چیزی از خانه او بدون اجازه او صدقه ندهد و روزه مستحبی جز با اجازه او نگیرد، و اگر بر پشت مرکب (آماده سفر) است و شوهر از او آمیزش خواست امتناع نکند. و جز با اجازه او از خانه بیرون نرود.

الف) تمکین

تمکین یکی از حقوق مرد نسبت به زن است و وظیفه اوست که در غیر از موارد عذر، خود را در اختیار مرد قرار دهد.[3]

ب) اذن

زنی‌که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند و اگر در اینها از شوهراطاعت کند تهیه غذا و لباس و منزل او بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند چه توانایی داشته باشد یا نداشته باشد مدیون زن است.[4]

در انجام واجبات نیازی به اذن شوهر یا پدر و مادر نیست. مانند حج واجب، نماز، حجاب، روزه و ...[5]

ج) حق نظافت و آرایش

۱- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۴۶.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۲۱۴.

۳- تحریرالوسیله، ج ۲، نکاح، فی النشوز، م ۱.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۱۲؛ تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۱۳.

۵- استفتائات امام‌خمینی(ره)، ج ۳، ص ۵۹۴، س ۷۸؛ استفتائات مکارم، ج ۲، ص ۳۳۴، س ۹۶۳.

زن باید خود را برای شوهر بیاراید، بوی خوش استعمال کند و بهترین لباس‌های خود را بپوشد.[1]

پرسش: اگر مردی به زن امر کند فلان آرایش را برایش نماید و یا فلان لباس را در منزل بپوشد، آیا زن باید اطاعت کند؟

پاسخ: اطاعت زن از شوهر در امور مربوط به استمتاعات واجب است و امور مذکور اگر در این راستا باشد باید اطاعت کند والا لازم نیست.[2]

د) رفع منافرت

اگر شوهر خواستار پاکیزگی و آرایش زن باشد، بر زن واجب است این کار را انجام دهد. همچنین زن باید چیزهایی که در روابط جنسی، مورد نفرت و عدم رغبت مرد به او می‌شود، از خود دور کند.[3]

۲. حقوق زن

الف) مهریه

نخستین حق زن بر شوهر مهریه است که با اجرای صیغه عقد، محرز می‌شود و مرد مکلف به پرداخت آن است. مهریه، عبارت است از هرگونه مال منقول و غیر منقول یا حق دیگری که در عقد مورد توافق زن و مرد قرار می‌گیرد. با اجرای صیغه عقد، نصف مهریه و با آمیزش، تمام مهریه بر شوهر واجب می‌شود.

اگر زن مهریه خود را به شوهر ببخشد، دیگر نمی‌تواند مهریه را طلب نماید و چیزی بر ذمه شوهر نیست.[4]

ب) نفقه

نفقه در لغت به معنای هزینه و خرجی بوده و در اصطلاح فقه، مالی را گویند که برای ادامه زندگی بر حسب حالِ اشخاص لازم است و آن عبارت است از خرج خوراک، پوشاک و مسکن.[5]

نفقه، اندازه خاصی ندارد بلکه قاعده این است که به آنچه زن احتیاج دارد از قبیل غذا، پوشش، مسکن و وسایل آشامیدن و پخت و پز، اقدام نماید.[6]

نفقه تنها با یکی از سبب‌های سه گانه زوجیت، خویشاوندی و ملکیت واجب می‌شود.

۱- تحریرالوسیله، ج ۲، نکاح، فی النشوز، م ۱؛ عروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۵۱، م ۴.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۱۲.

۳- تحریرالوسیله، ج ۲، نکاح، فی النشوز، م ۱.

۴- مسائل جدید، محسن محمودی، ج ۴، ص ۸۱.

۵- لغت نامه دهخدا، واژه نفقه.

۶- تحریرالوسیله، ج ۳، ص ۵۶۱، م ۸.

اطعام همسر به اندازه برطرف شدن نیاز او بر شوهر واجب است. مقدار و کیفیت آن بستگی به شئون خانوادگی و موقعیت اجتماعی زن دارد.[1]

نفقه همسر با دو شرط بر مرد واجب است، یکی این که همسر دائمی باشد و دیگر این که در امور لازم، مطیع شوهر باشد.[2]

لازم نیست زن فقیر باشد تا نفقه او بر شوهر واجب شود، بلکه اگر از ثروتمندترین مردم نیز باشد، نفقه او بر شوهر واجب است.[3]

اگر شوهر مبلغی به صورت روزانه یا ماهانه برای مخارج مشترک زندگی در اختیار همسر بگذارد، او نمی‌تواند بدون اجازه و رضایت شوهر به دیگران هدیه یا صدقه دهد، ولی چنانچه مخارج خودش را به صورت وجه نقدی می‌پردازد یا آن مبلغ را به‌او می‌بخشد یا برای مصرف به او اختیار کامل داده است، بخشش و صدقه و صرف در امور دیگر نیاز به اجازه او ندارد.[4]

زن نمی‌تواند نفقه روزهای آینده را از شوهر طلب کند.[5]

در صبح هر روز، زن مالک نفقه همان روز از مال شوهر می‌شود. البته به مقداری که در آن روز مصرف می‌کند. بنابراین اگر مرد پول بیشتری به زن بدهد که او به اندازه نفقه خود از آن بردارد زن زائد بر آن را مالک نمی‌شود و شوهر می‌تواند آن را از زن پس بگیرد.[6]

اگر مرد نفقه یک روز یا یک هفته و یا یک ماه را یک جا به زن بدهد و زن با صرفه‌جویی و یا استفاده کردن از پول‌های دیگر مقداری از آن پول را پس‌انداز کند، زن مالک آن است و شوهر حق پس گرفتن آن را ندارد.[7]

اگر مرد نفقه یک روز زن را نپردازد در پایان آن روز به مقدار نفقه به گردن مرد دَین می‌آید و به زن مقروض می‌شود، چه زن آن را از مرد طلب کرده باشد یا نه.[8]

۱- جواهر، ج ۳۱، ص ۳۳۱.

۲- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۱۳، م ۱؛ توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۱۲.

۳- همان، ص ۳۱۹، م ۱۹.

۴- همان، ص ۳۱۵، م ۱۰- ۱۱.

۵- منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۲۳.

۶- تحریرالوسیله، کتاب النکاح، فی‌النفقات، م ۱۰۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۳۲۸.

۷- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فی النفقات، م ۱۱؛ منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۲۳.

۸- همان، م ۱۰.

زن می‌تواند نفقه‌ای را که شوهر نداده در هر زمانی از او مطالبه کند و اگر شوهر نپرداخت زن می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع نفقه خود را از شوهر بگیرد و در صورتی که شوهر، نداشته باشد باید به او مهلت داده شود که هرگاه توان پرداخت پیدا کرد بپردازد.[۱]

اگر مردی نفقه زن را نپردازد زن می‌تواند از تمکین به شوهر خودداری نماید.[۲]

زنی که از شوهر اطاعت می‌کند اگر مطالبه خرجی کند و شوهر ندهد می‌تواند در هر روز به اندازه خرجی آن روز بدون اجازه از مال او بردارد.[۳]

پرسش: چنانچه مردی نفقه همسرش را ندهد و یا از آن کم بگذارد، زن چگونه می‌تواند نفقه خود را از او استیفاء نماید؟

پاسخ: آیات عظام امام، بهجت، فاضل: نخست باید به حاکم شرع مراجعه کند و با عدم دسترسی به او، می‌تواند مخارج زندگی خود را بدون اجازه از مال شوهر بردارد.[۴]

اگر زن و شوهر توافق کنند که نفقه به صورت پول پرداخت شود، اشکال ندارد و زن آن پول را مالک می‌شود و در چگونه مصرف کردن آن اختیار با خود اوست و شوهر نیز به وظیفه خود عمل کرده و وجوب پرداخت نفقه از او ساقط می‌شود ولی هیچکدام حق ندارند دیگری را به پرداخت نفقه به صورت پول نقد وادار کنند.[۵]

اگر زن در اموری که اطاعت از شوهر واجب است تخلف کند و به وظیفه خود عمل نکند حق نفقه ندارد.[۶]

پرسش: اگر زن درآمدکافی داشته باشد آیا شوهر می‌تواند از پرداخت نفقه به همسر خود امتناع کند؟

پاسخ: همه مراجع: خیر.[۷]

اگر مرد فقط به اندازه نفقه پول داشته باشد نمی‌تواند آن را به نزدیکان خود ببخشد.[۸]

پرسش: آیا مرد می‌تواند پول‌هایی را که زن با صرفه جویی در مخارج خانه پس‌انداز کرده از زن طلب کند؟

۱- احکام روابط زن و شوهر، ص ۴۱.

۲- تحریرالوسیله، ج ۲، فی نفقه الارقاب، م ۱۴.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۱۶؛ تحریرالوسیله، فی نفقهٔ الاقارب، م ۱۴.

۴- همان؛ رساله دانشجویی، ص ۲۷۲.

۵- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۱۸، م ۱۴.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۱۳.

۷- تحریرالوسیله، ج ۲، فی النفقات، ص ۱۹.

۸- همان، م ۲۰.

پاسخ: اگر از نفقه زن بوده و صرفه‌جویی کرده، نمی‌تواند اما اگر از مخارج بچه‌ها بوده و یا عنوان دیگر داشته، می‌تواند پس بگیرد.[۱]

خرجی و نفقه بر دو گونه است:

۱. نفقه‌ای که با مصرف‌کردن، چیزی ازآن باقی نمی‌ماند مانند خوراک که در این صورت زن مالک آن می‌شود.[۲]

۲. نفقه‌ای که پس از استفاده عین آن باقی می‌ماند مانند فرش و لباس که در این صورت، زن تنها حق استفاده از آنها را دارد و مالک آنها نمی‌شود.[۳]

اگر انسان چیزی نداشته باشد که برای خود خرج کند، واجب است به هروسیله مشروعی‌که شده آن را تحصیل کند، حتی با درخواست و خواهش از دیگران، تا چه رسد به کاری که مناسب وی می‌باشد.[۴]

اگر انسان چیزی نداشته باشد که صرف مخارج همسر یا نزدیکان کند، واجب است تحصیل آن با کسبی که لایق حال و شأن اوست.[۵]

هر کاری که زوجه با درخواست زوج انجام دهد و قصد تبرع نکند، استحقاق اجرت دارد.[۶]

مواردی که نفقه زن واجب نیست

۱. زن اگر مرتد شود نفقه‌اش ساقط می‌شود.[۷]

۲. زن اگر ناشزه شود نفقه ندارد.[۸]

وقتی نفقه زن بر شوهر واجب است که در آن چیزی که اطاعتش از شوهر واجب است از شوهر اطاعت کند پس زن ناشزه نفقه ندارد.[۹]

پرسش: آیا بدهی شرعی زن از قبیل کفاره، خمس و رد مظالم بر عهده شوهر است؟

۱- منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۲۳.

۲- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۱۶، م ۱۰.

۳- همان، ص ۳۱۸، م ۱۵.

۴- همان، ص ۳۲۱، م ۷.

۵- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۲۱، م ۷.

۶- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۴، ص ۵، س ۱.

۷- تحریرالوسیله، ج ۲، نکاح، فی النفقات، م ۱- ۴.

۸- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۱۲.

۹- همان، م ۲۴۱۳.

پاسخ: همه مراجع: خیر، پرداخت این نوع بدهی‌ها بر شوهر واجب نیست و اگر زن مال دارد باید خودش بدهد در غیر این صورت تکلیفی ندارد.[1]

پرسش: آیا علاوه بر نفقه و نیازهای ضروری زن، نیازهای دیگر او نیز از قبیل خرید کتاب، انفاق به فقیران، هدیه دادن، برپا کردن مجالس روضه خوانی و جشن ائمه (علیهم السلام) بر شوهر واجب است؟

پاسخ: همه مراجع: خیر، تأمین نیازهای یاد شده برای شوهر واجب نیست.[2]

بر مرد واجب است تمام نفقات زن را بپردازد، چه زن نیاز داشته باشد یا نداشته باشد.[3]

ج) همبستری

همبستری نیز از حقوق زن است. یعنی تنها نگذاشتن زن در شب و با وی به سر بردن در خانه.

مرد مجاز نیست همسر خود را به گونه‌ای رها کند که معلوم نباشد شوهر دارد یا ندارد.[4] و ضرورت دارد مرد به قدر لازم به همسرش سرکشی کند و شب‌هایی را نزد او بماند که به حالت معلقه در نیاید. این کار را اصطلاحاً «حق بیتوته» می‌نامند.

حق همبستری برای همسر دائمی است و همسر موقت این حق را ندارد.[5]

بیتوته، حد معینی ندارد ولی نمی‌تواند زن را به حالت معلقه رها کند.

د) آموزش احکام

بر مرد واجب است احکام مورد نیاز زن را به او تعلیم دهد. همان گونه که بر زن واجب است آنها را فرا بگیرد.[6]

وجوب شیردهی به کودک

در موارد زیر، شیر دادن به کودک بر مادرش واجب است:

۱. زمانی که نگهداری نوزاد با غذایی غیر از شیر ممکن نبوده یا غذای دیگر برایش زیان داشته باشد.

۲. زمانی که شیر دهنده‌ای غیر از مادر موجود نباشد.[1]

۱- جامع المسائل فاضل، ج ۲، س ۱۳۱۳؛ منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۲۸.

۲- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۳، احکام نفقه، س ۱۵؛ جامع المسائل فاضل، ج ۱، س ۱۶۹۳ و ج ۲، س ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱؛ استفتائات مکارم، ج ۱، س ۸۴۶؛ توضیح المسائل بهجت، م ۱۸۹۷؛ هدایة العباد، ج ۲، النفقات، م ۸.

۳- تحریرالوسیله، فی النفقات، م ۱۹؛ منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۳۳.

۴- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۰۳، کتاب النشوز.

۵- همان، ص ۳۰۴، م ۲.

۶- احکام روابط زن و شوهر، ص ۷۱.

حقوق کودک

اگر تأدیب کودک موجب دیه شود واجب است دیه را به او بپردازند.[۲]

اگر کسی بچه‌ای را طوری بزند که دیه واجب شود دیه مال طفل است.[۳]

واجب است انسان در صورتی که بتواند هزینه زندگی فرزندان و نوه‌ها و نتیجه‌های خود را که فقیر بوده و توانایی کسب و کار ندارند بدهد، خواه کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر.[۴] البته این نفقه، دین حساب نمی‌شود.[۵] ولی اگر فرزند بتواند کسب مناسبی برای اداره زندگی خود بدست آورد و کوتاهی نماید، در این صورت نفقه بر پدر واجب نیست.[۶]

نفقه فرزندمطلقاً برعهده پدر است، خواه فرزند نزد مادر باشد یا پدر.[۷]

پرسش: خرج اولاد تا چه وقت بر پدر واجب است؟

پاسخ: تا وقتی که نتواند خود را اداره کند.[۸]

پرسش: هرگاه پدر نتواند مخارج اولاد را بدهد آیا بر مادر واجب است نفقه اولاد را بدهد یا خیر؟

پاسخ: اگر اولاد، جد پدری و جد پدر و بالاتر نداشته باشند یا فقیر باشند، نفقه بر مادر واجب است.[۹]

پرسش: در صورتی که نفقه دادن والدین به فرزند جوان موجب تنبلی او شود، آیا نفقه واجب است؟

پاسخ: مقدار نفقه به مقدار ضرورت واجب است.[۱۰]

واجب است فرزند پسر ختنه شود.[۱۱]

احتیاط واجب آن است که ولی بچه پیش از آن که بچه بالغ شود او را ختنه نماید.

بر پسری که قبل از بلوغ ختنه نشده، بعد از بلوغ ختنه واجب است و بر کافری که تازه مسلمان شده ختنه واجب است.[۱]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱.

۲- همان، م ۵۳۹.

۳- همان.

۴- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۱۹، م ۱؛ استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۳، ص ۲۳۴، س ۱۱؛ مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۱، ص ۵۵۷.

۵- استفتائات امام، ج ۲، غصب، س ۶۴.

۶- هزار و یک مسأله، نوری همدانی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۷- استفتائات آیة الله سبحانی، ص ۲۳۱، س ۱۰۲۷.

۸- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۳، ص ۲۳۴، س ۱۱.

۹- همان، ص ۲۳۳، س ۱۰.

۱۰- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۱، ص ۵۵۶.

۱۱- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۱۰، م ۴ و ۵؛ توضیح‌المسائل مراجع، ج ۱، ص ۵۰۳.

وجوب رعایت حقوق والدین

رعایت‌حقوق والدین واجب است[۲] اگرچه‌آنها درحق اولاد کوتاهی کرده باشند.[۳]

آنچه در اطاعت پدر و مادر واجب است این است که فرزند با آنها معاشرتی نیکو داشته باشد.[۴]

حفظ احترام والدین و مراعات ادب در صحبت با آنان لازم است.[۵]

سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.[۶]

ترک عمل واجب در صورت نهی پدر و مادر جایز نیست.[۷]

پرسش: اطاعت از پدر و مادر تا چه حد بر فرزند لازم است و آیا اجداد و جدّات هم حکم پدر و مادر را دارند؟

پاسخ: در اموری که انجام آن موجب ناراحتی آنها است از حیث شفقت پدر و مادری اطاعت شود و فرقی بین پدر، مادر و اجداد نیست.[۸]

اگر پدر و مادری نتوانستند مخارج خود را تأمین کنند، نفقه آنان بر عهده فرزند است چه پسر باشد، چه دختر مشروط به این که آنها فقیر نباشند.[۹]

نفقه حیوان

دین اسلام از حقوق حیواناتی که ملک انسان می‌باشند نیز غفلت نکرده و وظایفی را برای صاحبان حیوانات تعیین نموده است:

۱. نفقه مملوک، حتی زنبور و کرم ابریشم بر مالکش واجب است و نفقه چهارپایان اندازه خاصی ندارد بلکه واجب است که نیاز حیوان (خوردن، آشامیدن و مکان نگهداری حیوان) را برآورده کند و مالک برای غذا

۱- جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۶۰.

۲- قرآن ده وظیفه نسبت به پدر ومادر مطرح نموده است: احسان، اهانت نکردن، آزار نرساندن، کریمانه برخورد کردن و دعاکردن(اسراء/ ۲۳)، تشکر کردن(لقمان/ ۱۴)، انفاق به والدین(بقره/ ۲۱۵)، طلب مغفرت(ابراهیم/ ۴۱)، اطاعت(لقمان/ ۱۵)، خوش رفتاری(لقمان/ ۱۵).

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۵۴۸.

۴- همان، م ۵۵۲.

۵- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، س ۲۰.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۱۲۹۵.

۷- توضیح المسائل مراجع، م ۶۰۶.

۸- عروة الوثقی، ج ۱، صلاة الجماعة، م ۱.

۹- تحریرالوسیله، فی نفقة الاقارب، م ۱۲؛ توضیح المسائل بهجت، م ۱۹۸۹؛ مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۱، ص ۵۵۶.

دادن به حیوان می‌تواند حیوان را برای چریدن در علفزار رها کند و یا آن که خود، علوفه برایش تهیه کند. پس اگر حیوان را در علفزار رها کند ولی برای حیوان کافی نباشد، لازم است به مقدار کفایت به حیوان علوفه بدهد.[۱]

۲. اگر مالک از پرداخت نفقه حیوان خود (حتی از طریق رها کردن حیوان در علفزار) خودداری کند، بر فروش یا پرداخت نفقه حیوان و یا ذبح آن (در صورتی که گوشتش قابل خوردن باشد) مجبور می‌شود.[۲]

وجوب عدّه

عدّه به زمان خاصی گفته می‌شود که در آن زمان زن از ازدواج منع شده است.

عدّه نگهداشتن زن در موارد زیر واجب است:

۱. بعد از طلاق گرفتن.[۳]

زنی که از شوهرش طلاق گرفته باشد باید عده نگه دارد مگر این که شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد یا اینکه یائسه باشد که در این دو صورت می‌تواند بعد از طلاق بدون نگه داشتن عده ازدواج کند.

۲. بعد از فسخ کردن ازدواج به جهت بعضی از عیوب یا تخلف در بعضی از شرایط ضمن عقد.

۳. مرتد شدن یکی از دو زوج و فسخ شدن نکاح.[۴]

۴. تمام شدن و بخشیدن مدت در عقد موقت.[۵]

۵. پس از مرگ شوهر.[۶]

زمان عده

عده زنی که شوهرش از دنیا رفته، چهار ماه و ده روز است، خواه ازدواج دائم باشد یا موقت، شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه، حتی زن یائسه نیز باید عده وفات نگه دارد و اگر باردار است، باید تا هنگام وضع حمل عده نگه دارد و اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز، فرزندش به دنیا آید، باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهر، عده را ادامه دهد.[۷]

۱- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۲۴، م ۱۵.

۲- همان، م ۱۶.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۱۱.

۴- همان، م ۲۴۴۸.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۱۵.

۶- همان، م ۲۵۱۷.

۷- همان، م ۲۵۱۷.

در عده وفات بر زن واجب است زینت و آرایش خود را ترک کند چه آرایش بدنی مانند سرمه و چه غیرآن مانند پوشیدن لباس‌های زینتی.[1] البته نظافت بدن و لباس و شانه کردن مو، حمام کردن، ناخن گرفتن و ... اشکال ندارد.

عده طلاق سه ماه و ده روز است و عده طلاق در ایام بارداری به وضع حمل است که ممکن است در کوتاه‌ترین زمان یا طولانی‌ترین زمان باشد.

پایبندی به تمام آثار زوجیت در عده طلاق رجعی واجب است. از قبیل خارج نشدن از خانه، عدم امتناع از رجوع و نیز پایبندی شوهر به آثار زوجیت نیز واجب است ازقبیل بذل نفقه و عدم اخراج زن از منزل.[2]

عده ازدواج موقت- بعد از تمام‌شدن مدت یا بخشش آن از طرف شوهر- چنانچه عادت ماهیانه می‌بیند، به مقدار دو حیض کامل است و اگر عادت نمی‌بیند، ۴۵ روز است.[3]

زنانی که عده ندارند

۱. دختری که نه سالش تمام نشده، اگر چه شوهر با او نزدیکی کرده باشد.

۲. زنی که یائسه است، اگرچه شوهر با او نزدیکی کرده باشد.

۳. زنی که شوهر با او نزدیکی نکرده است.[4]

واجبات مال پیدا شده

اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد و قیمت آن از ۶/ ۱۲ نخود نقره سکه‌دار کمتر است، چنانچه صاحب آن معلوم باشد و انسان نداند راضی است یا نه، نمی‌تواند بدون اجازه او بردارد، و اگر صاحب آن معلوم نباشد، می‌تواند به قصد این که ملک خودش شود بردارد، و در این صورت اگر تلف شود، نباید عوض آن را بدهد، بلکه اگر قصد تملک هم نکرده و بدون تقصیر او تلف شود، دادن عوض بر او واجب نیست.[5]

هرگاه چیزی که پیدا کرده نشانه‌ای دارد که به واسطه آن می‌تواند صاحبش را پیدا کند اگرچه صاحب آن کافری باشد که در امان مسلمانان است در صورتی که قیمت آن چیز به ۶/ ۱۲ نخود نقره سکه‌دار برسد باید

۱- مبادی فقه و اصول، علیرضا فیض، ص ۲۸۴.

۲- تحریرالوسیله، ج ۳، ص ۵۶۱، م ۶.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۱۵.

۴- تحریرالوسیه، ج ۲، کتاب الطلاق؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۵۱۰. و ۲۵۱۱.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۶۵.

اعلان کند و چنانچه از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته هر روز و بعد تا یک سال هفته‌ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلان کند کافی است.[۱]

اگر انسان خودش نخواهد اعلان کند، می‌تواند به کسی که اطمینان دارد بگوید از طرف او اعلان نماید.[۲]

اگر تا یک سال اعلان کند و صاحب مال پیدا نشود می‌تواند آن را برای خود بردارد به قصد این که هر وقت صاحبش پیدا شد به او بدهد ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.[۳]

اگر بعد از آن که یک سال اعلان کرد و صاحب مال پیدا نشد، مال را برای صاحبش نگهداری کند و از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و تعدی یعنی زیاده روی هم ننموده، ضامن نیست، ولی اگر از طرف صاحبش صدقه داده باشد یا برای خود برداشته باشد، در هر صورت ضامن است.[۴]

کسی‌که مالی را پیدا کرده اگر عمداً به دستوری که گفته شد اعلان نکند، گذشته از این که معصیت کرده، باز هم واجب است اعلان کند.[۵]

اگر بچه نابالغ چیزی پیدا کند، ولی او باید اعلان نماید.[۶]

اگر در بین سالی که اعلان می‌کند، مال از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده یا تعدی یعنی زیاده‌روی کرده باشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد، و اگر کوتاهی نکرده و زیاده‌روی هم ننموده، چیزی بر او واجب نیست.[۷]

اگر مالی را که نشانه دارد و قیمت آن به ۶/ ۱۲ نخود نقره سکه‌دار می‌رسد در جایی پیدا کند که معلوم است به واسطه اعلان صاحب آن پیدا نمی‌شود، می‌تواند در روز اول آن را از طرف صاحبش صدقه بدهد و چنانچه صاحبش پیدا شود و به صدقه دادن راضی نشود، باید عوض آن را به او بدهد و ثواب صدقه‌ای که داده، مال خود او است.[۸]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۶۶.

۲- همان، م ۲۵۶۷.

۳- همان، م ۲۵۶۸.

۴- همان، م ۲۵۶۹.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۷۰.

۶- همان، م ۲۵۷۱.

۷- همان، م ۲۵۷۳.

۸- همان، م ۲۵۷۴.

اگر چیزی را پیدا کند و به خیال این که مال خود اوست بردارد، بعد بفهمد مال خودش نبوده، باید تا یک سال اعلان نماید.[1]

اگر قیمت چیزی که پیدا کرده به ۶/ ۱۲ نخود نقره سکه‌دار برسد، چنانچه اعلان نکند و در مسجد یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین برود یا دیگری آن را بردارد، کسی که آن را پیدا کرده ضامن است.[2]

اگر چیزی را که پیدا کرده موقع وضو گرفتن و نماز خواندن همراه او باشد، در صورتی که قصدش این باشد که صاحب آن را پیدا کند، اشکال ندارد.[3]

اگر کفش او را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، چناچه بداند کفشی که مانده مال کسی است که کفش او را برده، در صورتی که از پیدا شدن صاحبش مایوس و یا برایش مشقت داشته باشد، می‌تواند به جای کفش خودش بردارد. ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را به او بدهد، و چنانچه از پیدا شدن او ناامید شود، باید با اجازه حاکم شرع زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد، و اگر احتمال دهد کفشی که مانده، مال کسی نیست که کفش او را برده، باید با آن معامله مجهول المالک نماید یعنی از صاحبش تفحص کند و چنانچه از پیدا کردن او مایوس شود، از طرف او به فقیر صدقه بدهد.[4]

وجوب نجات مسلمان

بر هر مسلمان واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان و آب داده و او را از مرگ نجات دهد.[5]

اگر کسی در خطر غرق شدن است، همه افراد حاضر وظیفه دارند او را نجات دهند.

وجوب وفای به نذر

نذر آن است که انسان ملتزم شود که کار خیری را برای خدا به جا آورد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است برای خدا ترک نماید.[6]

۱- همان، م ۲۵۷۵.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۷۸.

۳- همان، م ۲۵۸۰.

۴- همان، م ۲۵۸۱.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۳۵.

۶- همان، م ۲۶۴۰.

عمل به نذر واجب است.

اگر نذر کند روز معینی را روزه بگیرد، باید همان روز را روزه بگیرد، و چنانچه در آن روز مسافرت کند، قضای آن روز بر او واجب است.[1]

کسی که نذر کرده عملی را ترک کند و وقتی برای آن معین نکرده استاگر از روی فراموشی یا ناچاری یا ندانستن، آن عمل را انجام دهد کفاره بر او واجب نیست، ولی چنانچه از روی اختیار آن را به جا آورد برای دفعه اول باید کفاره بدهد.[2]

اگر نذر کند که مقدار معینی صدقه بدهد چنانچه پیش از دادن صدقه بمیرد، باید آن مقدار را از مال او صدقه بدهند.[3]

با شرایطی، عمل به نذر واجب می‌شود. این شرایط عبارتند از: الف) صیغه خوانده شود و لازم نیست انسان آن را به عربی بخواند، پس اگر بگوید چنانچه مریض من خوب شود برای خدا بر من است که هزار تومان به فقیر بدهم، نذر او صحیح است.[4] ب) کاری را که نذر می‌کند، انجام آن برایش مقدور باشد.[5] ج) نذرکننده باید مکلف، عاقل بوده و با اختیار و قصد نذر کند.[6] د) متعلق نذر او رجحان داشته باشد، یعنی انجام دادنش بهتر باشد.[7]

۱. اگر انسان نذر کند کاری انجام دهد، باید همانطوری که نذر کرده عمل کند و اگر به گونه‌ای دیگر انجام دهد، صحیح نمی‌باشد.

۲. اگر نذرکننده صیغه نذر را بر زبان نیاورده باشد، می‌تواند نذر خود را عوض کند.[8]

۳. اگر نذرکننده، مقدار نذر را معین نکرده یا فراموش نموده، می‌تواند به حداقل آن اکتفا کند.[9]

۴. اگر انسان نذر کرده و نتواند به نذر خود عمل کند، کفاره ندارد ولی اگر بدون عذر به نذر خود عمل نکند، کفّاره واجب می‌شود یعنی باید به شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد.[1]

۱- همان، م ۲۶۵۳.

۲- همان، م ۲۶۵۶.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۵۸.

۴- همان، م ۲۶۴۱.

۵- همان، م ۲۶۴۷.

۶- همان، م ۲۶۴۲.

۷- همان، م ۲۶۴۸ و ۲۶۴۹؛ جامع المسائل فاضل، ج ۲، س ۱۳۱۹.

۸- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۴۶۴، س ۲۰.

۹- توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۵۲؛ جامع المسائل فاضل، ج ۱، س ۱۳۲۷.

۵. مناسب است که نذر مطلق باشد و مقید به زمان و مکان خاصی نباشد تا شخص بتواند به راحتی در انجام آن تصمیم بگیرد.

۶. کسی که نذر کند عملی را ترک کند، اگر از روی فراموشی یا ناچاری آن عمل را انجام دهد، کفّاره بر او واجب نیست.[۲]

۷. منافع نذر باید به مصرف نذر برسد، مانند پشم گوسفند نذری اگر زیاد شود.[۳]

۸. کسی که نذر صحیح انجام دهد، نمی‌تواند آن را تغییر دهد و نمی‌تواند به هم بزند.[۴]

پرسش: آیا مادام که حاجتم برآورده نشده، می‌توانم مقدار و نوع و محل ادای نذرم را تغییر دهم؟

پاسخ: اگر صیغه نذر خوانده‌اید جایز نیست.[۵]

۹. نذر کننده اگر شرایط لازم را داشته باشد می‌تواند از نذر خود استفاده کند، مثلًا اگر گوسفندی برای عزادارن امام حسین (ع) یا برای امامزاده‌ای نذر کرده، خود نیز می‌تواند از آن استفاده کند.[۶]

۱۰. نذری که همیشگی است، مثلًا نذر کننده، نذر کرده هر روز، کاری را انجام دهد، اگر مخالفت کرد، یک بار کفاره دارد.[۷]

۱۱. اگر نذر کننده، امکان عمل به نذر خود را نداشت، در صورتی که صیغه نذر را خوانده باشد، صبرکند تا در فرصتی دیگر آن را انجام دهد.[۸]

۱۲. شخصی که نذر کرده و از دنیا رفته باید از اصل مال او نذرش ادا شود.[۹]

پرسش: در صیغه نذر اگر بگوید: «خدایا اگر حاجتم برآورده شد فلان کار را می‌کنم» یا «نذرکرده‌ام که چنین‌کنم» آیا درانعقاد نذر کافی است یا اینکه حتما باید «لله عَلیَّ ان کان کذا فعلیّ کذا» و الفاظ مرادف آن باشد؟

پاسخ: کافی نیست و باید صیغه مخصوص خوانده شود.[۱]

۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۶۵۴؛ استفتائات جدید مکارم، ج ۳، س ۸۰۹.

۲- همان، م ۲۶۵۶.

۳- همان، م ۲۶۶۴؛ استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۴۸۰، س ۶۲.

۴- استفتائات تبریزی، ص ۳۹۰، س ۱۷۳۳؛ هدایهٔ السائل الی اجوبهٔ المسائل، سید صادق حسینی شیرازی، س ۷۲۵.

۵- استفتائات جدید مکارم، ج ۱، س ۱۰۱۳ و ج ۳، ص ۳۰۷، س ۸۱۱.

۶- استفتائات جدید مکارم، ج ۱، س ۱۰۱۲.

۷- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۴۷۹، س ۵۹ و ۶۱.

۸- همان، ص ۴۷۲، س ۴۲.

۹- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۰۷، نذر.

پرسش: شخصی نذر سفره حضرت ابوالفضل (ع) دارد ولی به علت کمی جا در محل سکونت نمی‌تواند نذر خویش را اداء نماید بنابراین آیا می‌تواند وجه آن را به مصرف دیگر برساند؟

پاسخ: اگر صیغه مخصوص نذر را نخوانده باشد وفاء به نذر واجب نیست و اگر صیغه نذر را خوانده باید بر طبق آن عمل کند مگر آنکه قدرت بر وفاء نداشته باشد.[۲]

پرسش: شخصی برای امام حسین (ع) نذری نموده و اکنون امکان عمل به نذر را ندارد تکلیف چیست؟

پاسخ: چنانچه نذر با صیغه مخصوص بوده صبر کند تا امکان وفا حاصل شود.[۳]

پرسش: فروختن نذورات جنسی همچون قند و شکر و چای و صرف در مایحتاج مسجد و حسینیه چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر نذر دهندگان مطلق نذر کرده‌اند مانعی ندارد.[۴]

پرسش: آیا نذورات مردم از قبیل برنج و گوشت و روغن که زائد بر مصرف است می‌توان فروخت و پول آنرا صرف کار خیر دیگری نمود؟

پاسخ: اگر برای خرج روز عاشورا باشد نمی‌توان آنرا صرف چیز دیگری نمود مگر در مسیر عزاداری.[۵]

پرسش: باقی مانده اموالی که به عنوان هزینه‌های مراسم عاشورای امام حسین (ع) جمع آوری می‌شود، در چه مواردی باید خرج شود؟

پاسخ: می‌توان اموال باقیمانده را با کسب اجازه اهداء کنندگان در امور خیریه مصرف کرد و یا آنها را برای مصرف در مجالس عزاداری آینده نگه داشت.[۶]

اقسام نذر

نذر بر دو قسم است: مطلق و مشروط

۱. نذر مطلق آن است که هیچ قید و شرطی ندارد، مثل این که کسی بگوید: «من برای خدا نذر می‌کنم که نماز شب بخوانم».

۱- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۴۶۰، س ۸.

۲- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۲، س ۵۴، ص ۴۷۷.

۳- همان، ص ۴۷۲، س ۴۲.

۴- جامع المسائل فاضل، ج ۱، ص ۳۷۲.

۵- هزار و یک مسأله، نوری همدانی، س ۷۵۴، ص ۲۵.

۶- اجوبهٔ الاستفتائات، س ۳۶۷، ص ۱۳۱، و س ۱۴۵۲، ص ۳۲۵.

۲. نذر مشروط آن است که در برابر نذر خود از خداوند چیزی بخواهد، مثلًا بگوید: «اگر از این بیماری رهایی یابم، فلان کار خیر را برای خدا انجام می‌دهم» و یا نذر کند: «اگر مرتکب فلان کار زشت شدم فلان کار خیر را برای خدا انجام دهم».

نذرهای باطل

۱. نذر بدون صیغه.

۲. نذر زن بدون اذن شوهر باطل است[۱] ولو این که از اموال خودش باشد.[۲]

۳. نذرهای رقابتی و چشم و هم چشمی.

۴. نذر دیگران برای انسان.[۳]

۵. نذر در خواب.

۶. نذر برای انجام کار حرام و مکروه و یا ترک واجب و مستحب.[۴]

۷. نذر اجباری یا از روی خشم و ناراحتی به طوری که اختیاری نباشد.

۸. نذر کاری که غیر ممکن است.

پرسش: آیا اگر زن، کارمند و حقوق‌بگیر باشد می‌تواند از مال خودش در صورتی که با حق شوهرش منافات نداشته باشد نذر نماید یا باز هم باید نذرش با رضایت شوهر باشد؟

پاسخ: در این صورت هم نذر بدون اذن شوهر باطل است.[۵]

پرسش: بدون اذن شوهرم نذر کرده‌ام ولی بعد ایشان راضی شدند. آیا نذر من صحیح است؟

پاسخ: نذر بدون اذن شوهر باطل است و اجازه بعدی آن را تصحیح نمی‌کند.[۶]

۱- آیات عظام فاضل، مکارم، صافی، سیستانی و تبریزی: نذر زن اگر مزاحم حقوق شوهر باشد، بی اجازه او باطل است. جامع المسائل فاضل، ج ۱، س ۱۳۳۲.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴؛ استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۴۶۱، س ۱۰ ..

۳- هدایة السائل الی اجوبة االمسائل، سید صادق حسینی شیرازی، س ۷۲۳.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۸.

۵- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۴۶۱، س ۱۰.

۶- همان، ص ۴۶۱.

وجوب وفای به عهد

هرگاه با خدا عهد کند که اگر به حاجت شرعی خود برسد کار خیری را انجام دهد، بعد از آن که حاجتش برآورده شد، باید آن کار را انجام دهد و نیز اگر بدون آن که حاجتی داشته باشد عهد کند که عمل خیری را انجام دهد، آن عمل بر او واجب می‌شود.[1]

در عهد هم مثل نذر باید صیغه خوانده شود، و نیز کاری را که عهد می‌کند انجام دهد، باید نکردنش بهتر از انجام آن نباشد.[2]

مثلًا باید بگوید: «عاهَدتُ اللّه» یا «عَلَی عَهدُ اللّه» یا به فارسی بگوید: «با خدای خود عهد می‌بندم که فلان کار را انجام دهم».[3]

بر هر مکلف واجب است وفا کردن به پیمان‌ها و تعهدات خود.

اگر به عهد خود عمل نکند، باید کفاره بدهد یعنی شصت فقیر را سیر کند، یا دو ماه روزه بگیرد یا یک بنده آزاد کند.[4]

وجوب عمل به قسم

اگر قسم بخورد کاری را انجام دهد یا ترک کند مثلًا قسم بخورد که روزه بگیرد، یا دود استعمال نکند، چنانچه عمداً مخالفت کند، باید کفاره بدهد، یعنی ده فقیر را سیر کند یا آنان را بپوشاند و اگر این‌ها را نتواند باید سه روز روزه بگیرد.[5]

اگر انسان از روی فراموشی یا ناچاری به قسم خود عمل نکند، کفاره براو واجب نیست و همچنین است اگر مجبورش کنند که به قسم عمل ننماید.[6]

کسی که قسم می‌خورد اگر حرف او راست باشد قسم خوردن او مکروه است، و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ می‌باشد، ولی اگر برای این که خودش یا مسلمان دیگری را از شر ظالمی نجات دهد، قسم دروغ بخورد اشکال ندارد بلکه گاهی واجب می‌شود،[7]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۶۷.

۲- همان، م ۲۶۶۸.

۳- همان، م ۵۵۳.

۴- همان، م ۲۶۶۹.

۵- همان، م ۲۶۷۰.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۷۴.

۷- همان، م ۲۶۷۵.

وجوب وصیت

وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند، یا بگوید بعد از مرگش چیزی از مال او ملک کسی باشد، یا برای اولاد خود و کسانی که اختیار آنان با اوست قیم و سرپرست معین کند.[1]

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

مَا يَنْبَغِي لِامْرِئٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيتَ لَيْلَةً إِلَّا وَ وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِه[2]

برای شخص مسلمان سزاوار نیست حتی یک شب سر به بالین بگذارد مگر این که وصیتش زیر سرش باشد.

و نیز فرمود:

مَن ماتَ عَلی وَصِیهٔ حَسَنَهٔ ماتَ شَهیداً

هرکس بر وصیت نیکویی بمیرد شهید محسوب می‌شود.

وصیت باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱. مال یا حق قابل انتقال باشد.

۲. منفعت حلال و عقلایی داشته باشد.

۳. مال شخص دیگری نباشد.

۴. زاید بر ثلث نباشد.[3]

وقتی انسان نشانه‌های مرگ را در خود دید:

الف) باید فوراً امانت‌های مردم را به صاحبانش برگرداند و اگر به مردم بدهکار است وموقع دادن آن بدهی‌رسیده باید بدهد، و اگر خودش نمی‌تواند بدهد، یا موقع دادن بدهی او نرسیده، باید وصیت کند و بر وصیت شاهد بگیرد ولی اگر بدهی او معلوم باشد و اطمینان دارد که ورثه می‌پردازند وصیت کردن لازم نیست.[4]

۱- همان، م ۲۶۹۴.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۹۴؛ مکارم الاخلاق، ص ۳۶۲؛ مشکاة الانوار، ص ۳۳۵.

۳- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۹۷- ۹۶، م ۲۲- ۱۷.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۰۰؛ مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۲، ص ۲۶۵.

ب) اگر خمس و زکات و حق الناس بدهکار است باید فوراً بدهد و اگر نمی‌تواند بدهد چنانچه از خودش مال دارد، یا احتمال می‌دهد کسی آنها را ادا نماید، باید وصیت کند و همچنین است اگر حج بر او واجب باشد.[1] و ورثه باید قبل از تقسیم ارث، مخارج حج را از اصل مالش بردارند مگر آن که خودش وصیت کرده باشد از ثلث مالش برداشته شود.[2]

ج) اگر نماز و روزه قضا دارد، باید وصیت کند که از مال خودش برای آنها اجیر بگیرند، بلکه اگر مال نداشته باشد ولی احتمال بدهد کسی بدون آن که چیزی بگیرد آنها را انجام می‌دهد، باز هم واجب است وصیت نماید.[3]

حج واجب، بدهی‌ها و حقوق واجب مثل خمس، زکات و حق مظالم از اصل مال میت پرداخت می‌شود. اگرچه میت برای آنها وصیت نکرده باشد.[4]

مخارج کفن و دفن و تجهیزات واجب میت به مقدار متعارف و شأن متوفی از ترکه میت پرداخت می‌شود ولو وصیت نکرده باشد.[5]

اگر میت به انجام واجبات بدنی مثل نماز و روزه قضا شده خود وصیت نماید که برای آنها اجیر بگیرند، از ثلث مال او پرداخت می‌شود.[6]

وصیت میت در غیر بدهی‌ها، حج واجب و حقوق مالی واجب، در ثلث اموال او نافذ است و اگر بیش از ثلث را وصیت کند، زیادی آن محتاج به اذن ورثه است. پس اگر میت وصیت کند برای نماز و روزه قضا شده او اجیر بگیرند یا به فقرا احسان نمایند، یا مقداری از اموال او را به مصرفی برسانند، همه اینها از ثلث مال او برداشته می‌شود. و اگر ثلث به مقدار وصیت کافی نباشد، در صورتی که ورثه اجازه دهند زیادی از اصل مال برداشته می‌شود.[7]

مقدار ثلث بعد از پرداخت بدهی‌ها و حقوق واجب مالی و حج، حساب می‌شود.[8]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۰۱؛ عروة الوثقی، فی احکام الزکاة، الثامنه.

۲- عروة الوثقی، ج ۱، فی الوصیه بالحج، م ۱، فی احکام الاموات، م ۲.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۰۲.

۴- همان، م ۲۷۱۹؛ تحریرالوسیله، ج ۳، ص ۱۷۱، م ۲۳.

۵- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۴، ص ۱۲۹، س ۲۵۵.

۶- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۹۷، م ۲۳.

۷- تحریرالوسیله ۲، ص ۹۷، م ۲۳.

۸- همان، ص ۹۹، م ۳۳.

اگر کسی از وصیت خود برگردد یا کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته است، مثلًا خانه‌ای را وصیت کرده که به کسی بدهند، بعد بگوید ندهند یا این که آن خانه را بفروشد وصیت باطل می‌شود و اگر وصیت خود را تغییر دهد وصیت اولش باطل می‌شود و باید به وصیت دوم عمل کنند.[۱]

اگر کسی در مرضی که به آن مرض می‌میرد مقداری از مالش را به کسی ببخشد از اصل مال او پرداخت می‌شود و احتیاج به اذن ورثه ندارد. ولی اگر وصیت کند بعد از مرگش مالی را به کسی بدهد، اگر زیادتر از ثلث باشد، زیادی آن محتاج به اذن ورثه است.[۲]

اگر مقداری از مال میت در دست وصی تلف شود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا تعدی نموده، ضامن است و اگر کوتاهی نکرده و تعدی هم ننموده، ضامن نیست.[۳]

واجب است بر کسی که نماز و روزه یا زکات و خمس و ... بدهکار است وصیت کند برایش انجام دهند.[۴]

وصیت در حال حیات قابل تغییر است و مادامی که شخص زنده است می‌تواند در کمیت و کیفیت وصیت خود تجدید نظر کند.

عمل به وصیت در صورتی که شرایط لازم را داشته باشد، واجب است.[۵]

تأخیر در عمل به وصیت جایز نیست.[۶]

پرسش: شخصی وصیت کرده ماشین خود را به عنوان ثلث مال، به مصرف خاصی برسانند، آیا جایز است در عمل به این وصیت تأخیر شود و آیا قبل از عمل به این وصیت، ورثه حق دارند از آن استفاده کنند؟

پاسخ: بعد از فوت، فوراً باید به وصیت عمل شود و تأخیر بدون عذر شرعی جایز نیست. و چنانچه از ماشین استفاده شود، اجرت آن باید به مصرف مورد وصیت برسد.[۷]

تغییر و تبدیل وصیت بعد از فوت جایز نیست.[۸]

پرسش: آیا وصیت کردن واجب است به طوری که انسان با ترک آن مرتکب معصیت شود؟

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۰۶ و ۲۷۰۷.

۲- همان، م ۲۷۰۹.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۱۷.

۴- حاشیه عروة الوثقی، سید صادق شیرازی، ج ۲، ص ۴۴، فی صلاة الاستیجار، م ۳.

۵- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۲، ص ۲۶۹ و ج ۴، ص ۶۶، س ۱۲۸.

۶- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۴، ص ۷۰.

۷- همان، ص ۷۱، س ۱۳۷ و ۱۳۸.

۸- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۴، ص ۱۰۷، س ۲۱.

پاسخ: اگر ودیعه‌ها و امانت‌های دیگران نزد او باشد و حق الناس یا حق الله بر عهده او باشد و در دوران حیات توانایی ادای آن را نداشته باشد، واجب است درمورد آنها وصیت کند و در غیر این صورت وصیت واجب نیست.[1]

پرسش: آیا جایز است مالی به عنوان ثلث ترکه کنار گذاشته شود و یا نزد شخصی به ودیعه گذاشته شود تا بعد از وفات او به مصرف خودش برسد؟

پاسخ: این کار اشکال ندارد به شرط این که بعد از وفات او دو برابر آن مال برای ورثه باقی بماند.[2]

وصیت کردن به محروم کردن یکی از ورثه از ارث باطل است.[3]

وصیت به گریه نکردن بعد از وفات، نافذ نیست.[4]

وجوب ادای بدهی

شخصی به نام ابوثمامه می‌گوید به امام جواد (ع) عرض کردم من می‌خواهم به مکه بروم و بدهکارم، چه می‌فرمایید؟

حضرت فرمود: برگرد، ابتدا بدهی ات را بده و به گونه‌ای خانه خدا برو که بدهکار نباشی.[5]

اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد گناهکار است.[6]

اگر بدهکار غیر از خانه‌ای‌که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه نماید، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.[7]

کسی که دسترسی به طلبکار خود ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند، باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد، و شرط نیست در فقیر که سید نباشد.[8]

۱- اجوبة الاستفتائات، س ۱۸۳۲.

۲- همان، س ۱۸۳۸.

۳- مجمع المسائل آیة الله گلپایگانی، ج ۴، ص ۹۱، س ۱۷۶.

۴- همان.

۵- موسوعه کلمات امام جواد، ص ۲۰۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۸۳، ح ۳۶۸۶.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۷۶.

۷- همان، م ۲۲۷۷.

۸- همان، م ۲۲۷۹.

قرض نمودن در صورت عدم نیاز، مکروه است و هر قدر نیاز بیشتر باشد کراهت کمتر است، تا جایی که گاهی قرض نمودن واجب می‌شود و آن وقتی است که حفظ جان یا آبروی انسان متوقف بر قرض نمودن باشد.[1]

هزینه حج واجب میت و بدهکاری‌های میت همچون خمس و زکات و مظالم، باید از اصل مال میت بدهند.[2]

هنگام دیدن نشانه‌های مرگ، دادن بدهی‌ها واجب فوری است.[3]

بدهکار در زمان مقرر، واجب است بدهی خود را ادا نماید ولو با فروختن زمین، متاع، باغ و ...[4]

پرسش: هرگاه موعد پرداخت بدهی رسیده و طلبکار مطالبه می‌کند و مدیون متاعی یا چیز دیگری که از مستثنیات نیست دارد، ولی به فروش نمی‌رود مگر به کمتر از قیمت، آیا واجب است به همان قیمت کم بفروشد؟

پاسخ: بلی وتأخیر آن به جهت انتظار مشتری دیگری که قیمت بهتری می‌خرد جایز نیست.[5]

با آن همه تأکیدی که برای خواندن نماز اول وقت شده است، ولی برای پرداخت طلب دیگران، تأخیرش واجب است.[6]

اگر مدیون نمی‌تواند ادای دین کند، واجب است به او مهلت داده شود تا بتواند ادای دین کند.[7]

اگر مدیون قدرت بر ادای دین دارد، به تعویق انداختن آن معصیت است و اگر قدرت ندارد بر او واجب است قصد ادای دین را در آینده داشته باشد.[8]

آنچه در مغازه از مشتری جا می‌ماند یا پولی که اشتباهاً اضافی به انسان داده می‌شود بدهی است اگر صاحب آن را می‌شناسیم واجب است به هر نحوی به او پس بدهیم و او را راضی کنیم و اگر او را نمی‌شناسیم و امیدی به شناسایی او نداریم باید از طرف صاحبش به عنوان رد مظالم به فقیر صدقه بدهیم.

۱- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۲، ص ۸۵ س ۲۰۱.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۱۹.

۳- همان، م ۲۷۰۱.

۴- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۵۰، م ۱۰.

۵- جامع المسائل فاضل، ج ۱، ص ۳۱۶، س ۱۱۵۸.

۶- عروه‌الوثقی، ج ۱، فی اوقات الواجب، م ۱۵.

۷- بقره/ ۲۸۰؛ مهذب الاحکام، ج ۲۱، ص ۲۹.

۸- کتاب الدین، ج ۲، ص ۱۴۹، م ۱۷.

بدهکار اگر در عسرت است و نمی‌تواند بدهی خود را بپردازد بر طلبکار حرام است طلب خود را مطالبه نماید و باید مهلت دهد.[1]

با مرگ بدهکار، بدهی مدت دار وی، نقدی می‌شود و پرداخت آن بر ورثه واجب است. لکن در صورت مرگ طلبکار، بنا بر مشهور ورثه او باید تا سر موعد صبر کنند.[2]

وجوب رد مظالم

یکی از واجبات رد مظالم است. واژه مظالم جمع مظلمه عبارت است از چیزی که به ستم یا جهل از کسی گرفته شده یا تلف شده است و یا اموال حرامی که انسان صاحبان آن را نمی‌شناسد. در این صورت باید با اجازه مجتهد جامع‌الشرایط به فقیر بدهد.[3] امام صادق (ع) فرمود:

المِرصَادُ قَنطرهٔ عَلی الصّراطِ لایَجُوزها عبدٌ بمظلمهٔ[4]

مرصاد پلی است که از آن بندگانی که گرفتار مظالم هستند نمی‌توانند بگذرند.

پیامبر (ص) فرمود:

مَن کانَت لِاخیهِ عندَهُ مَظلمهٔ فی عِرضٍ او مالٍ فَلیَتَحَلَّلها مِنه مِن قَبل أن یَأتی یَومٌ لیسَ هناک دینارٌ و لادِرهم...[5]

هرکس درباره آبرو یا مال برادر دینی خود مظلمه‌ای در گردن داشته باشد باید از صاحب حق حلالیت بطلبد قبل از آن که روزی بیاید که در آن روز دینار و درهمی نباشد.

یعنی اگر عمل شایسته‌ای دارد به اندازه همان مظلمه از او گیرند و به صاحب حق دهند و اگر عمل شایسته‌ای ندارد از بدیهای صاحب حق گیرند و بر ظالم بار کنند.[6]

رد اموال دیگران که به صورت غصبی تصاحب شده، واجب است.

رد مظالم واجب فوری است.[7]

۱- جامع المسائل فاضل، ج ۱، ص ۳۱۷، س ۱۱۵۹.

۲- مهذب الاحکام، ج ۲۱، ص ۱۷؛ فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۶۸۱.

۳- رساله دانشجویی، نهاد رهبری، ص ۳۵۵؛ فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۸۹.

۴- نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۷۳.

۵- آثار الصادقین، ج ۱۲، ص ۲۲۴؛ مرآت العقول، ج ۱۰، ص ۴۳۳؛ جامع السعادت، ج ۲، ص ۳۱۰.

۶- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۴۳(یؤخذ من حسناته فان لم تکن له حسنات اخذ من سیئات صاحبه).

۷- فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۹۱.

اموال و بدهی‌هایی که انسان از روی ظلم و بی‌عدالتی از بندگان خدا گرفته و نپرداخته باید به صاحبان آنها بدهد. و اگر عین مال تلف یا مصرف شده، باید مثل یا قیمت آن را بپردازد و اگر صاحب آنها را نمی‌شناسد این اموال و بدهیها از مصادیق مجهول‌المالک می‌شود.[1]

آنچه در ماشینهای عمومی و مسافربری از مسافران جا می‌ماند یا در مغازه‌ها از مشتری‌ها جا می‌ماند یا در مسافرخانه و امثال آن‌جا می‌ماند و پولی که اشتباهاً و اضافی به انسان داده می‌شود و بعد متوجه می‌شود، یا خسارتی که شخصی به دیگری وارد کرده و یا ضرر مالی یا بدنی که موجب دیه شده و جبران نکرده و آنچه از این قبیل امور است، همه دین است که اگر طرف را می‌شناسد واجب است به هر نحو او را راضی کند و اگر او را نمی‌شناسد بایدپس از یأس از شناسایی صاحب آن، به عنوان مجهول المالک و مظالم عباد به فقیر غیر سید صدقه داده شود.

پرسش: در دوران کودکی با بسیاری از کودکان و هم‌بازی‌ها دعوا و شوخی می‌کردیم که گاهی منجر به شکستن بینی، سر یا در رفتن انگشت دست گردیده است، آیااکنون نسبت به آن افراد ضامن هستیم؟ و در صورتی که آنان را نمی‌شناسیم چه باید بکنیم؟

پاسخ: بله ضامن هستید و تا امکان دارد، باید آنها را پیدا کنید و اگر امکان دسترسی نبود، به مقدار دیه آنها با اجازه حاکم شرع ردّ مظالم بدهید.[2]

پرسش: گاهی نزد کارمند بانک پول اضافی می‌آید و می‌داند که مراجعین اشتباهاً اضافه داده‌اند، وظیفه چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال که از شناسایی صاحب آن مأیوس هستند باید به فقیر غیر سید صدقه بدهند.

پرسش: شخصی از دنیا رفته و مقداری مظالم عباد به ذمّه اوست و مقداری هم اموال موجود هست که ورثه او می‌دانند مال مردم است ولی صاحب آن را نمی‌شناسند وظیفه چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال آنچه که یقین دارند به مردم بدهکار و به ذمه او بوده است و طلبکارها معلوم نیستند باید از اصل مال او به غیر سید صدقه دهند و اموالی که موجود است بعد از فحص و یأس از پیدا شدن صاحبان آنها به عنوان مظالم عباد به فقرا بدهند و احتیاطاً از حاکم شرع یا نماینده او اجازه بگیرند.[3]

۱- جامع المسائل فاضل، ج ۲، ص ۳۹۶.

۲- استفتائات بهجت، ج ۴، س ۵۸۴۸.

۳- جامع المسائل فاضل، ج ۲، ص ۳۹۸، س ۱۱۸۶.

پرسش: چگونه خود را از زیر دین شخصی که او را مضروب نموده و الان به او دسترسی ندارم بیرون بیاورم؟

پاسخ: اگر به هیچ وجه به او دسترسی ندارید، باید به مقدار دیه وارده با اجازه از حاکم شرع از طرف او ردّ مظالم دهید.[1]

پرسش: اگر صاحب حق زنده نباشد آیا می‌شود آن مال را صدقه داد؟

پاسخ: باید به ورثه او داد و اگر ورثه او شناخته‌نشود از طرف صاحب مال می‌توان صدقه داد.[2]

پرسش: مقداری از اموال پدر و مادرم را بیهوده مصرف کرده‌ام و حال پشیمانم. آیا باید از اموال خودم به پدر و مادرم بدهم؟

پاسخ: باید حق آنها را بدهید یا حلالیت بطلبید.[3]

پرسش: اگر شخصی پسربچه‌ای را در سنین ۱۴- ۱۲ سالگی کتک زده باشد و آن بچه هنوز بالغ نشده آیا باید از آن کودک حلالیت بطلبد یا از پدر و مادر او؟

پاسخ: باید از پدر و مادر او حلالیت بطلبد و احتیاطاً هنگامی که کودک بالغ شد از خود او نیز حلالیت بخواهد.[4]

وجوب دفاع از سرزمین اسلامی

دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی دربرابر دشمن که موجودیت اسلام را تهدید می‌کند و یا قصد استیلا بر بلاد اسلام و ناموس و اموال مسلمین را دارد بر هر مکلف واجب است.[5]

اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد، از بذل جان و مال. و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.[6]

اگر مسلمانان بترسند که اجانب نقشه استیلا بر بلاد مسلمین را کشیده‌اند، چه بدون واسطه یا به واسطه عمّال خود از خارج یا داخل، واجب است دفاع از ممالک اسلامی کنند، به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد.[1]

۱- استفتائات بهجت، ج ۴، س ۵۸۲۷.

۲- استفتائات جدید مکارم، ج ۲، ص ۵۲۲.

۳- همان.

۴- همان، ج ۱، ص ۵۲۲، س ۱۷۱۵.

۵- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۶۳۶.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۲۸۲۶.

اگر در داخل ممالک اسلامی نقشه‌هایی از طرف اجانب کشیده شده باشد که خوف آن باشد که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان با هر وسیله‌ای که ممکن است، نقشه آنها را به هم بزنند، و جلوگیری از توسعه نفوذ آنها کنند.[۲]

اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب، خوف آن باشد که تسلط بر بلاد مسلمین پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان، دفاع به هرنحو که ممکن است، و قطع ایادی اجانب. چه عمال داخلی باشند، یا خارجی.[۳]

اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن است که به بازار مسلمین صدمه اقتصادی وارد شود و موجب اسارت تجاری و اقتصادی شود، واجب است قطع اینگونه روابط، و حرام است این نحو تجارت.[۴]

دفاع بر همه واجب است، اگر دفاع بر همه واجب شد مقدمات دفاع هم باید فراهم شود. این طور نیست که دفاع واجب باشد و ندانیم چه طور دفاع کنیم.[۵]

وجوب توبه

توبه بازگشت گنهکار به سوی خداوند غفور است که با ندامت از گناه و تصمیم بر عدم ارتکاب مجدد تحقق می‌یابد.[۶]

توبه از اهم واجبات الهی است که در قرآن و روایات با تأکید فراوان به آن سفارش شده است، به ویژه برای مریض.[۷]

توبه گاهی به صرف ندامت و تصمیم بر ترک گناه محقق می‌شود و گاه علاوه بر دو امر فوق، نیاز به جبران دارد، چه در حق الله (مثل نماز، زکات و خمس) و چه در حق الناس (مانند خوردن مال مردم و ...).

توبه و پشیمانی از غیبت واجب است و احتیاط مستحب آن است که از غیبت شده، اگر فسادی بر آن مترتب نگردد، حلالیت بطلبد و یا برای او استغفار کند.[۸]

۱- همان، م ۲۸۲۷.

۲- همان، م ۲۸۲۸.

۳- همان، م ۲۸۲۹.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۲۸۳۱.

۵- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۸۰.

۶- فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۶۵۳؛ شرح باب حادیعشر، وظیفتان، الاول فی وجوب التوبه و هو ندم علی القبیح فی‌الماضی والترک له فی الحال و العزم علی عدم المعاوده الیه فی الاستقبال.

۷- همان.

۸- منهاج الصالحین، ج ۱، فی التقلید، م ۲۹.

وجوب پوشش

پرسش: از چه زمانی رعایت حجاب بر دختر واجب می‌شود؟

پاسخ: زمانی که یکی از نشانه‌های بلوغ در دختر آشکار شود، رعایت حجاب واجب می‌شود.[1]

پوشاندن عورت از پسربچه‌ها و دختربچه‌های ممیز، به ویژه آنهایی که در آستانه بلوغند، بر مردان و زنان واجب است.[2]

واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر عورت خود را از کسانی‌که مکلفند، اگرچه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند، و همچنین از دیوانه ممیز و بچه‌های ممیز که خوب و بد را می‌فهمند بپوشاند، ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند.[3]

خانم‌ها باید عورت خود را از زن‌های دیگر بپوشانند ولی پوشاندن بقیه بدن واجب نیست، مگر آن که در معرض نگاه با ریبه باشد.[4]

اگر خانمی بداند که خانم دیگری به قصد لذت به بدن او نگاه می‌کند، واجب است بدن خود را از آن خانم بپوشاند.[5]

پوشاندن عورت زن از زنان دیگر واجب است اگرچه بدون قصد لذت نگاه کنند مگر در حال اضطرار. بنابراین راه‌های جلوگیری از حاملگی که مستلزم نگاه کردن به عورت زن باشد و بعضی عکس‌های رادیولوژی از رحم یا قرار دادن دستگاه داخل رحم که مستلزم کشف عورت است غیر از حالت اضطرار جایز نیست و باید اجتناب شود.[6]

زن باید چهره آرایش کرده خود را از نامحرم بپوشاند.[7]

قرآن از زنان مسلمان خواسته است تا زینت خود را از نامحرمان بپوشانند.[8]

آنچه عرفاً زینت محسوب می‌شود باید از نگاه نامحرم پوشیده شود.

۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۵۲.

۲- عروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۶۴، م ۱ تا ۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۷.

۳- توضیح‌المسائل مراجع، م ۵۷؛ مستدرک عروةالوثقی، ج ۱، ص ۱۸۵؛ فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۲۸۲.

۴- عروة الوثقی، ج ۱، فی الستر و الساتر، قبل از م ۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص ۱۲۹.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۶؛ عروة الوثقی، ج ۱، فی الستر و الساتر، قبل از م ۱؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، ص ۱۲۹.

۶- همان.

۷- اجوبة الاستفتائات، س ۱۲۲۰؛ استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۲، س ۲۱.

۸- نور/ ۳۱.

پرسش: زیور آلات زنان، اگر در معرض دید نامحرم باشد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: باید از دید نامحرم پوشانده شود.[1]

آیات عظام تبریزی، مکارم و نوری: پوشاندن زیورآلات پنهانی (مانند دستبند و النگو و گردن‌بند) از دید نامحرم واجب است، ولی پوشاندن حلقه ازدواج و انگشتر واجب نیست.[2]

پوشاندن پشت و روی پا در مقابل نامحرم واجب است.[3]

بر زن واجب است تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ واجب نیست.[4]

پرسش: آیا زیر چانه نیز باید از نامحرم پوشانده شود؟

پاسخ: همه مراجع به جز سیستانی: آری، زیر چانه جزء گردی چهره نیست و باید در برابر نامحرم پوشانده شود.[5]

آیة الله سیستانی: آن قسمت از چانه و زیر چانه که در هنگام پوشیدن مقنعه به طور معمول پوشانده نمی‌شود، حکم گردی صورت را دارد.[6]

پوشاندن مو از نامحرم واجب است.[7]

اگر زن بفهمد زنی یا مرد مَحرمی (بجز همسر) با قصد لذّت به او نگاه می‌کند، باید تمام بدن را از او بپوشاند.[8]

پرسش: اگر موی زنی به طور غیرعمد بیرون باشد و یا به طور سهوی چادر کنار برود، آیا گناه کرده است؟

پاسخ: اگر بدون توجه و به طور غیر عمد باشد، گناه نکرده است و از زمانی که متوجه شد، باید خود را در برابر نامحرم بپوشاند.[9]

۱- تعلیقات علی العروه، الستر، م ۱؛ توضیح المسائل فاضل، م ۷۹۶.

۲- استفتائات مکارم، ج ۱، س ۸۰۱؛ صراط النجاة، ج ۱، س ۸۲۲، ۸۲۳ و ۸۲۴.

۳- استفتائات صافی، ج ۱، س ۱۷۰۶؛ اجوبة الاستفتائات، س ۴۳۸.

۴- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۴۴، م ۲۳؛ توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۷۸۹؛ اجوبة الاستفتائات، س ۴۳۹.

۶- استفتاءاز دفتر آیة الله سیستانی.

۷- فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۲۸۴.

۸- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۴۴، م ۲۳.

۹- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵.

وجوب حفظ و رد امانت

حفظ مالی که نزد کسی به امانت گذاشته شده واجب و کوتاهی در نگهداری آن حرام و ضمان آور است.[1]

ردّ امانت واجب فوری است.

شخصی که ودیعه‌ای را می‌پذیرد واجب است درحد متعارف از آن نگهداری و حفاظت کند. مثلًا کتاب را درمعرض رطوبت ویا در دسترس اطفال قرار ندهد، و یا جواهرات و اشیاء قیمتی را در صندوق محکمی قرار دهد .... و اگر کوتاهی کند و ضرری به امانت برسد ضامن است.[2]

در راه حفظ ودیعه از دست دزدان و ظالمان در صورت ضرورت دروغ و حتی قسم دروغ هم جائز، بلکه واجب است.[3]

در سه مورد واجب است هر چه زودتر، امانت را به صاحبش برگردانند:

الف) صاحب امانت، آن را مطالبه کند.

ب) شرائط به گونه‌ای باشد که احتمال دزدیده شدن، از بین رفتن، آتش گرفتن و .... در بین باشد.

ج) نشانه‌های مرگ در شخص امانت گیرنده بروز کند.[4]

کسی که نمی‌تواند از امانت نگهداری کند، بنا بر احتیاط واجب نباید قبول کند.[5]

کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.[6]

اگر امانتدار برای امانت، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند، مثلًا اگر پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، باید به بانک بسپارد.[7]

وجوب حفظ و رد عاریه

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد.[8]

۱- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۳۱۷.

۲- تحریرالوسیله، کتاب الودیعة، ج ۲، ص ۱۰۰، م ۷.

۳- همان، ص ۱۰۱، م ۱۰.

۴- کتاب الودیعة، مساله ۱۵، ۱۷، ۱۸، ج ۲، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۳۰.

۶- همان، م ۲۳۳۲.

۷- همان، م ۲۳۳۴.

۸- همان، م ۲۳۴۴.

کسی که چیزی عاریه داده هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس دهد.[1]

در صورتی که عاریه به شرط ضمان باشد و تلف شود، عاریه گیرنده ضامن است.[2]

اگر در نگهداری از عاریه کوتاهی کرده و یا در استفاده از آن زیاده روی کرده باشد باید خسارت آن را بپردازد.[3]

اگر عاریه دهنده بمیرد، عاریه گیرنده باید چیزی را که عاریه کرده به ورثه او بدهد.[4]

چیزی را که عاریه کرده بدون اجازه صاحب آن نمی‌تواند به دیگری اجاره یا عاریه دهد.[5]

وجوب احترام به تربت امام حسین (ع)

احترام نمودن و بزرگ داشتن تربت مقدس امام حسین (ع) واجب و نجس کردن آن حرام می‌باشد و هرگاه نجس شود تطهیر آن واجب است.[6]

تربت قبرمطهر پیامبر (ص) و سایرمعصومان (علیهم السلام) محترم است و نجس کردن یا استنجاء به آن حرام است و ازاله نجاست از آن در صورت نجس شدن واجب است.[7]

واجبات خرید و فروش

بر هر کسی که خودش به تجارت و سایر انواع کسب اشتغال دارد واجب است احکام و مسائل مربوط به آن را فرا بگیرد تا صحیح آن را از فاسدش بشناسد و از ربا در امان بماند.[8]

بر کسی که جز از راه خرید و فروش نتواند مخارج زندگی خود را تأمین کند واجب است با خرید و فروش زندگی خود را به دست آورد و محتاج دیگران نشود.[9]

اگر متاع مشتمل بر عیب مخفی باشد باید آن را به مشتری بگوید.[10]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۵۳.

۲- همان، م ۲۳۴۹.

۳- همان، م ۲۳۴۹.

۴- همان، م ۲۳۵۱.

۵- همان، م ۲۳۵۸.

۶- عروة الوثقی، فی احکام النجاسات، م ۲۵؛ تحریرالوسیله، ج ۱، فی احکام النجاسات.

۷- جواهر، ج ۲، ص ۵۱؛ عروة الوثقی، ج ۱، ص ۹۰؛ فرهنگ فقه، ص ۴۳۶.

۸- توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۵۱.

۹- همان، م ۲۰۵۳.

۱۰- جامع عباسی، ص ۴۸۰.

کسب مال باید از راه حلال و مشروع باشد.

واجبات بیمار

بر بیمار واجب است در صورت بیم بر جان خود، به سبب ترک درمان، خود را درمان کند، در این صورت بر پزشک نیز درمان او واجب خواهد بود.[1]

در حال بیماری تکالیف زیر از بیمار ساقط است: جهاد در صورت عجز از جنگیدن، روزه رمضان.

در مواردی بیماری سبب انتقال تکلیف به بدل آن می‌شود مانند موردی که استعمال آب برای شخصی به جهت بیماری ضرر داشته باشد در این صورت وظیفه مکلف برای نماز تیمم بدل از وضو و غسل خواهد بود و کسی که بر اثر بیماری ناتوان از ایستادن است نشسته و در صورت ناتوانی بر نشستن، باید خوابیده نماز بخواند.[2]

وجوب حفظ آبرو

آبرو و ناموس آدمی همچون جان او از حرمت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو حفظ آن در برابر تعرض کننده به آن واجب است. خواه نسبت به آبروی خود انسان باشد یا آبروی مسلمان دیگر.[3]

اسلام برای آبروی انسان مسلمان همانند جان او ارزش ویژه‌ای قائل شده است. تا آنجا که دفاع از آبرو را واجب دانسته.[4] و نیز ترک مهمترین واجبات را در راستای حفظ آن روا داشته است. برای مثال، رفتن به حج، ادامه نماز، فراهم آوردن آب برای وضو و غسل و یا امر به معروف و نهی از منکر، اگر موجب به خطر افتادن آبروی انسان مسلمان شود از وجوب می‌افتد.

امام صادق (ع) فرمود:

مَنْ كَسَرَ مُؤْمِناً فَعَلَيْهِ جَبْرُه[5]

هرکس حیثیت مؤمنی را بشکند بر او واجب است که آن را جبران نماید.

دفاع از آبرو و ناموس درصورت علم یا ظن‌به سلامت جان واجب است.[6]

برای حفظ آبرو در برخی از موارد همچون اثبات زنا، چهار شاهد لازم است.

۱- فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۲۰۸ و ج ۳، ص ۵۹۸.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۶۶۹.

۳- فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۹۸ و ج ۳، ص ۳۸۶.

۴- همان.

۵- بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۱۶۶.

۶- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۶۳۷.

نیابت در واجبات

شخص مکلف تا زنده است باید نمازهای واجبش را خودش به هر نحو که می‌تواند انجام دهد و نیابت از مکلف زنده در واجبات از قبیل نماز و روزه حتی در فرض ناتوانی او در به جا آوردن آنها صحیح نیست مگر حج که در صورت استقرار آن بر ذمه و عدم توانایی مکلف بر انجام دادن آن و یأس از برطرف شدن عذر تا آخر عمر، فردی دیگر می‌تواند آن را به نیابت از وی انجام دهد و چنانچه پس از انجام دادن نایب عذر مکلف برطرف شود بنا بر مشهور واجب است خود آن را به جا آورد.[1]

بعد از مرگ انسان، می‌شود برای نماز و عبادت‌های دیگر او که در زندگی به جا نیاورده، دیگری را اجیر کنند یعنی به او مزد دهند که آنها را به جا آورد و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد، صحیح است.[2]

اجیر باید موقع نیت، میت را معین نماید و لازم نیست اسم او را بداند، پس اگر نیت کند از طرف کسی نماز می‌خوانم که برای او اجیر شده‌ام، کافی است.[3]

اجیر باید خود را به جای میت فرض کند و عبادت‌های او را قضا نماید و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند کافی نیست.[4]

کسی که دیگری را برای نمازهای میت اجیر کرده اگر بفهمد که عمل را به جا نیاورده، یا باطل انجام داده باید دوباره اجیر بگیرد.[5]

کسی را که عذری دارد و مثلًا نشسته نماز می‌خواند نمی‌شود برای نمازهای میت اجیر کرد، بلکه بنا بر احتیاط واجب باید کسی را هم که با تیمم یا جبیره نماز می‌خواند اجیر نکنند.[6]

مرد برای زن و زن برای مرد می‌تواند اجیر شود، و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز باید به تکلیف خود عمل نماید.[7]

۱- همان، ص ۳۳۸؛ اجوبهٔ الاستفتائات، س ۷۰۹.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۳۳.

۳- همان، م ۱۵۳۶.

۴- همان، م ۱۵۳۷.

۵- همان، م ۱۵۳۹.

۶- همان، م ۱۵۴۱.

۷- همان، م ۱۵۴۲.

اگر کسی اجیر شود که مثلًا در مدت یک سال نمازهای میت را بخواند و پیش از تمام شدن سال، بمیرد باید برای نمازهایی که می‌دانند به جا نیاورده، دیگری را اجیر نمایند بلکه برای نمازهایی که احتمال می‌دهند به جا نیاروده باید بنابر احتیاط واجب اجیر بگیرند.[1]

کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده‌اند، اگر پیش از تمام کردن نمازها بمیرد و اجرت همه آنها را گرفته باشد، چنانچه شرط کرده باشند که تمام نمازها را خودش بخواند، باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او به ولی میت بدهند، مثلا اگر نصف آنها را نخوانده، باید نصف پولی را که گرفته از مال او به ولی میت بدهند، و اگر شرط نکرده باشند، باید ورثه‌اش از مال او اجیر بگیرند، اما اگر مال نداشته باشد بر ورثه او چیزی واجب نیست.[2]

اگر اجیر پیش از تمام‌کردن نمازهای میت بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد، باید از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را اجیر نمایند و اگر چیزی زیاد آمد، در صورتی که وصیت کرده باشد و ورثه اجازه بدهند برای تمام نمازهای او اجیر بگیرند و اگر اجازه ندهند ثلث آن را به مصرف نماز خودش برسانند.[3]

نیابت درجمیع مستحبات جایز است همانطوری‌که نیابت از اموات در واجبات و مستحبات لازم نیست مرد باشد، بنابراین زن می‌تواند از طرف مرد در مواردی که نیابت جایز است، نیابت کند.[4]

واجبات ذبح

سر بریدن حیوان پنج‌شرط دارد: اول: کسی که سر حیوان را می‌برد چه مرد باشد چه زن، باید مسلمان باشد و اظهار دشمنی با اهل‌بیت پیغمبر (ص) نکند و بچه مسلمان هم اگر ممیز باشد یعنی خوب و بد را بفهمد، می‌تواند سر حیوان را ببرد. دوم: سر حیوان را با چیزی ببرند که از آهن باشد، ولی چنانچه آهن پیدا نشود و طوری باشد که اگر سر حیوان را نبرند می‌میرد، با چیز تیزی که چهار رگ آن را جدا کند مانند شیشه و سنگ تیز، می‌شود سر آن را برید. سوم: در موقع سر بریدن جلوی بدن حیوان رو به قبله باشد و کسی که می‌داند باید رو به قبله سر ببرد اگر عمدا حیوان را رو به قبله نکند، حیوان حرام می‌شود، ولی اگر فراموش کند، یا مساله را نداند، یا قبله را اشتباه کند، یا نداند قبله کدام طرف است، یا نتواند حیوان را رو به قبله کند،

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۴۷.

۲- همان، م ۱۵۴۸.

۳- همان، م ۱۵۴۹.

۴- عروة الوثقی، ج ۲، ص ۵۰۶، م ۵.

اشکال ندارد. چهارم: وقتی می‌خواهد سر حیوان را ببرد یا کارد به گلویش بگذارد به نیت‌سر بریدن، نام خدا را ببرد و همین قدر که بگوید: «بسم الله» کافی است واگر بدون قصد سر بریدن، نام خدا را ببرد، آن حیوان پاک نمی‌شود و گوشت آن هم حرام است، ولی اگر از روی فراموشی نام خدا را نبرد، اشکال ندارد.

پنجم: حیوان بعد از سر بریدن باید حرکتی بکند، اگرچه مثلا چشم یا دم خود را حرکت دهد، یا پای خود را به زمین زند که معلوم شود زنده بوده است.[1]

وجوب فراگیری علوم

یاد گرفتن و یاد دادن علوم و صنایعی که مورد نیاز عموم مردم است، و همچنین علوم و صنایعی‌که سبب قوت وشوکت جامعه مسلمین و برتری قوای دفاعی آنها بر کفار می‌شود، بر همه واجب مؤکد است، به وجوب کفایی.[2]

واجبات سیاسی

بر تجار مسلمان واجب است که از رخنه کردن بیگانگان در امور تجارت جلوگیری نمایند و نگذارند بیگانگان زمام امور اقتصادی مسلمین را به دست بگیرند.[3]

بر مسلمانان لازم است که حقوق و روابط اجتماعی خود را طبق احکام اسلام تنظیم کنند و از سنت‌های بیگانگان جداً پرهیز نمایند.[4]

وظیفه هر مسلمان است که در بهبودی امور و وضع معاش مسلمانان اهتمام نماید.[5]

اطاعت از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین بر هر مکلفی ولو این که فقیه باشد، واجب است و برای هیچ‌کس جایز نیست که با ولایت با این بهانه که خودش شایسته‌تر است مخالفت نماید.[6]

برائت از دشمنان خدا و اولیاء او به معنای بیزاری قلبی از آنان و عمل به‌مقتضای آن در رفتار و گفتار همچون دوری گزیدن از آنان و لعن و نفرین آنان (که در اصطلاح تبری می‌گویند) واجب است.[7]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۹۴؛ فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۷۰۲.

۲- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۱، ص ۵۳۲؛ استفتائات آیة الله جناتی، ج ۳، ص ۴۰۲.

۳- همان، ص ۵۳۳.

۴- همان، ص ۵۳۴.

۵- همان، ص ۵۳۵.

۶- اجوبة الاستفتائات، س ۶۵.

۷- فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۸۶.

اگر بعض رؤسای ممالک اسلامی یا بعض وکلای مجلس موجب نفوذ اجانب شود، چه نفوذ سیاسی، یا اقتصادی یا نظامی که مخالف مصالح اسلام و مسلمانان است، به واسطه خیانت از مقامی که دارد، هر مقامی که باشد عزل می‌شود. اگر فرض شود که احراز آن مقام به حق بوده! بر مسلمانان لازم است او را مجازات کنند، به هر نحوی که ممکن شود.[1]

واجبات نظامی

اطاعت از فرمانده بر رزمندگان واجب است.[2]

جهاد دفاعی بر هر فرد توانمندی اعم از مرد و زن، پیر و جوان واجب است.[3]

دفاع از مال خود یا مال مؤمن در برابر غارتگر واجب است.[4]

بر تمام افرادی که توانایی و قدرت یادگیری فنون نظامی را دارند و احتمال می‌رود که به شرکت آنها در جبهه دفاع از اسلام و کشور اسلامی نیاز باشد، آموزش نظامی واجب است.[5]

پرسش: آیا رفتن به سربازی برای مشمولانی که مشکلاتی دارند، از نظر شرعی لازم است؟

پاسخ: باید به سربازی بروند یا مطابق مقررات معافی بگیرند و تخلف جایز نیست.[6]

وجوب صله رحم

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

سِرْ سِنِینَ بَرَّ وَالِدَیْکَ سِرْ سَنَهً صِلْ رَحِمَکَ[7]

سال‌ها راه بپیما و به پدر و مادر نیکوئی کن و راه یک سال را برو و خویشاوندان را دل به دست آر.

صله رحم واجب است.[8]

پرسش: صله رحم چیست و چه کسانی جزو ارحام محسوب می‌شوند؟

پاسخ: صله رحم پیوند با خویشاوندان است که گاه با دیدن آنها حاصل می‌شود، گاه با نامه، گاه با تماس تلفنی، هدیه دادن، میهمانی دادن یا طرق دیگر و خویشاوندان دور را شامل نمی‌شود.[1]

۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۸۳۳.

۲- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۱۴۳.

۳- همان، ص ۱۴۴.

۴- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۱۴۵.

۵- احکام زندگی، محمدحسین فلاح زاده، ص ۱۶۵.

۶- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، ص ۵۰۲.

۷- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۱؛ مصادقة الاخوان، ص ۵۸.

۸- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، ص ۴۸۷، س ۱۷.

پرسش: خویشاوندانی که قطع‌رحم با آنان جایزنیست، چه کسانی‌اند؟

پاسخ: ارحام کسانی هستند که در مراتب ارث واقع می‌شوند مانند: پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزندان آنان و نیز عمو، عمه، خاله، دایی و فرزندان آنان.[۲] آیة الله جوادی آملی تحت عنوان مراتب خویشاوندی به موضوع فوق اشاره نموده و می‌فرماید: اولین مرحله خویشاوندی پدر و مادرند سپس برادر و خواهر سپس دیگر بستگان.[۳]

پرسش: برخی از بستگان و خویشاوندان ما به طور کلی به نماز و روزه و سایر واجبات توجهی ندارند و اموالشان نیز حرام و یا مشکوک است و هیچ گونه نصیحت و موعظه‌ای در آنها اثر نمی‌کند، آیا معاشرت با آنان جایز است؟

پاسخ: معاشرت با آنان اشکال ندارد به ویژه اگر باعث هدایت آنان بشود و تا هنگامی که یقین ندارید غذای مورد استفاده، از مال حرام است تصرف در آن جایز است.[۴]

پرسش: هر چند وقت لازم است صله رحم صورت گیرد؟

پاسخ: به مقداری که عرفاً قطع رحم شمرده نشود.[۵]

پرسش: آیا خویشاوندان زن از ارحام شوهر محسوب می‌شوند که صله با آنان واجب باشد یا خیر؟ و همین طور خویشاوندان شوهر از ارحام زن محسوب می‌شوند یا خیر؟

پاسخ: خویشاوندان زن یا شوهر جزو ارحام دیگری محسوب نمی‌شوند.[۶]

مرز صله رحم

پیوند خویشاوندی تنها به بستگان خوب و با ایمان اختصاص ندارد بلکه وظیفه اخلاقی، الهی و فراگیر است. از این رو چنانچه پدر و مادر و دیگر خویشاوندان مؤمن نباشند، احترامشان واجب و بر رفع نیازهای آنان باید اقدام نمود. این ارتباط تا جایی است که به دیگر احکام دینی آسیبی نرساند ولی اگر بر اثر این

۱- استفتائات مکارم، ج ۳، ص ۶۱۰، س ۱۷۵۲؛ استفتائات تبریزی، ص ۵۲۰، س ۲۱۸۹؛ جامع المسائل فاضل، ج ۱، س ۱۷۷۲.

۲- رساله دانشجویی، ج ۱۶، ص ۳۱۷.

۳- مفاتیح الحیاة، ص ۲۱۹.

۴- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، س ۳؛ استفتائات جدید مکارم، ج ۱، س ۱۱۵۶.

۵- استفتائات جدید تبریزی، ص ۵۰۱، س ۲۱۹۰.

۶- جامع المسائل فاضل، ج ۱، ص ۴۹۴، س ۱۷۷۳؛ البته آیة الله جوادی آملی، فرموده اند: بستگان سببی به وسیله ازدواج ملحق به بستگان نسبی می‌شوند(مفاتیح الحیاة، ص ۲۱۹).

ارتباط، دیگر احکام دین در خطر قرار گیرد، نه تنها ارتباط با بستگان غیر متدین لازم نیست، بلکه گاهی جایز هم نیست. مانند این که ارتباط با آنان زمینه کفر انسان را فراهم می‌نماید.[1]

وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین اصول عملی اسلام و کلید تحقق احکام الهی و ضامن اجرای ارزش‌های اسلامی است.

امام خمینی (ره) می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است، چیزی نیست که بر یکی واجب باشد و بر دیگری نه.[2]

و در جمله‌ای دیگر می‌فرماید:

جلوگیری از منکرات بر همه مسلمین واجب است و موظفیم امر به معروف کنیم.[3]

هرکدام از امر به معروف و نهی از منکر به واجب و مستحب تقسیم می‌شود؛ پس چیزی‌که عقلًا یا شرعاً واجب است، امر به آن واجب می‌باشد و چیزی که عقلًا قبیح یا شرعاً حرام است نهی از آن واجب می‌باشد و چیزی که مستحب باشد امر به آن مستحب و آنچه که مکروه باشد نهی از آن نیز مستحب است.[4]

امر به معروف و نهی ازمنکر با شرایطی واجب و ترک آن معصیت است و در مستحبات و مکروهات، امر و نهی مستحب است.[5]

امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی می‌باشد، و در صورتی که بعضی از مکلفین قیام به آن کنند، از دیگران ساقط است. و اگر اقامه معروف و جلوگیری از منکر موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد، واجب است اجتماع کنند.[6]

امر به معروف و نهی از منکر گاهی بر افراد واجب عینی است مانند جایی که سخن فرد خاصی مؤثر است. اگر بعضی امر و نهی کنند و مؤثر نشود و بعض دیگر احتمال بدهند که امر یا نهی آنها مؤثر است، واجب است امر و نهی کنند.[1]

۱- مفاتیح الحیاة، جوادی آملی، ص ۲۱۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۴.

۳- همان، ج ۱۳، ص ۴۷۰.

۴- تحریرالوسیله، کتاب الامر بالمعروف، القول فی اقسامها، م ۱.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۸۶.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۸۷.

در واجب بودن امر به معروف و نهی ازمنکر چند چیز شرط است: اول آنکه کسی‌که می‌خواهد امر و نهی کند، بداند که آنچه شخص مکلف به جا نمی‌آورد، واجب است بجا آورد، و آنچه بجا می‌آورد، باید ترک کند. و بر کسی که معروف و منکر را نمی‌داند، واجب نیست. دوم آنکه احتمال بدهد امر و نهی او تاثیر می‌کند. پس اگر بداند اثر نمی‌کند، واجب نیست. سوم آنکه بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت‌خود را تکرار کند. پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی‌کند، واجب نیست. چهارم آنکه در امر و نهی مفسده‌ای نباشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند، ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد، واجب نیست. بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن، ترس ضررهای مذکور را پیدا کند، واجب نیست، بلکه اگر بترسد که ضرری متوجه اطرافیان او شود، واجب نیست. بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنین، واجب نمی‌شود.[۲]

اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیادمی‌دهد، مانند اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروریه، باید ملاحظه اهمیت شود، و مجرد ضرر، موجب واجب نبودن نمی‌شود. پس اگر توقف داشته باشد حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام بر بذل جان و مال، واجب است بذل آن.[۳]

اگر احتمال صحیح داده شود که سکوت موجب آن می‌شود که منکری معروف شود یا معروفی منکر شود، واجب است خصوصا بر علمای اعلام اظهار حق و اعلام آن، و جایز نیست سکوت کنند.[۴]

امر به معروف ونهی ازمنکر به صنف خاصی از مردم اختصاص ندارد بلکه اگر شرایط فراهم باشد بر همه قشرهای جامعه واجب است.[۵]

۱- همان، م ۲۷۸۸.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۹۱.

۳- همان، م ۲۷۹۲.

۴- همان، م ۲۷۹۴.

۵- لایختص وجوب الامربالمعروف والنهی عن المنکر بصنف من الناس‌دون صنف، بل یجب عند اجتماع الشرائط المذکورة علی‌العلماء وغیرهم، والعدول والفساق، والسلطان والرعیة، والاغنیاء والفقراء؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۴۲ و ۷۸۲؛ منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۲۷۲.

لزوم اذن پدر

دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد، باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد و اجازه مادر و برادر لازم نیست.[1]

پرسش: آیا دختری‌که درآمد دارد و مستقل است می‌تواند بدون اجازه پدرش ازدواج کند؟

پاسخ: باید با اجازه پدر یا جد پدری باشد.[2]

پرسش: دختری که بیش از ۳۰ سال دارد و هنوز باکره است، آیا برای ازدواج نیاز به اجازه پدر دارد؟

پاسخ: بالا بودن سن دختر، اعتبار اذن پدر یا جد پدری را ساقط نمی‌کند.[3]

پرسش: آیا دختری‌که درآمد دارد و مستقل است می‌تواند بدون اجازه پدرش ازدواج کند؟

پاسخ: خیر، اجازه پدر یا جد پدری لازم است.[4]

در موارد زیر اذن پدر یا جد ساقط است:

۱. هرگاه دختر نیاز به ازدواج داشته باشد و پدر یا جد، او را از ازدواج با هم کفو یعنی هم شأن شرعی و عرفی او منع کند.

۲. پدر و جد پدری زنده نباشند.

۳. پدر و جد پدری صلاحیت اذن نداشته باشند.

۴. دختر نیاز به ازدواج داشته باشد و پدر یا جد غایب باشند و امکان اجازه گرفتن نباشد.[5]

۵. پدر و جد پدری مسلمان نباشند.

۶. دختری که بعد از ازدواج و عروسی از همسرش طلاق گرفته یا همسرش از دنیا رفته برای ازدواج با فرد دیگر نیاز به اذن پدر ندارد.

وجوب دیه

دیه عبارت است از اموالی معین در شرع که به سبب آسیب زدن به انسان آزاد، اعم از جان، اعضا و منافع بر ذمه جانی ثابت می‌شود.

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۶؛ توضیح المسائل امام(ره)، بخش متفرقه، س ۹۴.

۲- همان.

۳- استفتاء از دفاتر مراجع.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۶.

۵- عروةالوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، فی اولیاء العقد، م ۹؛ تحریرالوسیله، ج ۲، فی اولیاء العقد، م ۲.

دیه جان: دیه در جنایت عمد، در صورت عدم امکان قصاص یا توافق بر سر پرداخت دیه و نیز درجنایت شبه عمد[1]، برعهده جانی است.

دیه اعضا: اعضایی که در بدن انسان یگانه‌اند مانند زبان، دیه کامل دارند و اعضایی که جفت هستند مانند چشم، هر دو با هم یک دیه کامل دارند و هرکدام به تنهایی نصف دیه دارند.[2]

دیه منافع: منافعی که اعضای بدن دارند، با از دست دادن آنها به سبب جنایت، دیه کامل ثابت می‌شود. همچون عقل، شنوایی هر دو گوش، بینایی هر دو چشم، بویایی هر دو مجرای بینی، قدرت تکلم و ...[3]

اگرکسی بچه‌ای را طوری بزندکه دیه واجب شود، دیه مال طفل است.[4]

اگر به‌صورت کسی سیلی یاچیزی دیگر بزند به طوری که صورت او سرخ شود، باید یک مثقال و نیم شرعی طلای سکه دار که هر مثقال ۱۸ نخود است بدهد واگر کبود شود سه مثقال و اگر سیاه شود باید شش مثقال شرعی طلای سکه دار بدهد ولی اگر جای دیگر بدن کسی را به وسیله زدن سرخ، کبود یا سیاه کند، نصف آنچه را که گفته شد باید بدهد.[5]

در جنایات غیر عمدی ادا کردن دیه واجب است.

در مواردی که جنایت و آسیب رساندن به بدن شخص موجب ثبوت دیه می‌شود، در صورتی که بهبود یافتن آن شخص به معالجه و مداوا احتیاج داشته باشد، لازم است جانی علاوه بر پرداخت دیه‌ای که شرعاً مقرر گردیده است، مخارج معالجه را نیز بپردازد. بلکه اگر به واسطه آسیب ضرر مالی نیز بر آن شخص وارد شده است، مثل این که چند روز از انجام کاری که اشتغال به آن داشته به واسطه آن آسیب بازمانده نیز باید جبران کند.[6]

وجوب اجرای حدود الهی

حدّ، به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیّت آن در شرع، معین شده است.[7]

۱- شبه عمد آن است که جانی قصد ارتکاب فعل منجر به آسیب دیدن طرف را دارد لکن مقصود وی از اقدام خود، ارتکاب جنایت نیست. مانند کسی که به قصد ادب کردن دیگری را بزند و به طور اتفاقی بر اثر آن ادب شونده بمیرد(فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۶۷۲).

۲- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۶۷۴.

۳- همان، ص ۶۷۵.

۴- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۶ و ۲۷.

۵- همان، م ۲۲ و ۲۳.

۶- توضیح المسائل آیة الله نوری، نشر مدرس، ص ۶۰۳.

۷- قانون مجازات اسلامی، ماده ۱۳.

برخی از گناهانی که در شرع مقدس برای آن حد معین شده است، به این شرح است: ۱. زنا، ۲. لواط، ۳. مساحقه، ۴. قیادت، ۵. قذف، ۶. نوشیدن مسکرات، ۷. سرقت، ۸. محاربه، ۹. ارتداد و ...[۱]

بر کسی که جنایت بر دیگران وارد کرده، واجب است تن به قصاص دهد.

واجبات متفرقه

پرسش: آیا صِرف نگهداری اشیاء از قبیل پاسور، فیلم غیر مجاز، تخته نرد، عکسهای مبتذل و آلات موسیقی در منازل شخصی فعل حرام محسوب می‌شود؟

پاسخ: از بین بردن آلات قمار و چیزهایی که منفعت اصلی آنها مختص به حرام باشد واجب است و ترک آن معصیت کبیره است.[۲]

مقابله با بدعت با اظهار علم بر عالمان دین واجب است.

بیزاری جستن از بدعت گذاران و بر حذر داشتن مردم از نزدیک شدن و ارتباط با بدعت گذاران واجب است.[۳]

نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام (ع) واجب است و باید به جماعت خوانده شود.[۴] ولی در زمان غیبت مستحب است.

حفظ وقف واجب است.[۵]

کتاب دربردارنده بدعت، ازکتاب‌های ضاله است که هرگونه کسب با آن مثل فروختن، اجاره یا عاریه دادن و مانند این‌ها، حرام و از بین بردن آن واجب است.[۶]

واجب است دعای واجب به عربی خوانده شود و در دعاهای غیر واجب جایز است به فارسی و سایر زبانها خوانده شود.[۷]

اگر به ناموس کسی‌به قصد تجاوزحمله شود، بر شخص مسلمان واجب است به هر وسیله ممکن آن را دفع کند، گرچه به کشتن مهاجم بینجامد.[۱]

۱- تحریرالوسیله، عربی، ج ۲، ص ۴۵۵.

۲- تحریرالوسیله، ج ۲، م ۸؛ مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۱، ص ۵۶۹، س ۱۱۴.

۳- فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۷۶.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۱۶.

۵- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۲، ص ۴۱۶.

۶- فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۷۵؛ جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۵۶.

۷- عروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۰۹، م ۳.

حفظ احترام ماه‌های حرام (رجب، ذی القعده، ذی الحجه، محرم) واجب است.

پرداخت حق الجعاله واجب است.

راستگویی یکی از واجبات و از خصلت‌های برجسته مؤمنان است که در آیات[۲] و روایات بر آن تأکید شده است.

راستگویی در صورتی‌که موجب فتنه و فساد گردد واجب نیست.[۳] و نباید هر حرف راستی را مطرح نمود.

رعایت عفاف بر مردان و زنان در امور اجتماعی واجب است.

بر قاتل دو چیز واجب است: سیر کردن شصت فقیر و روزه گرفتن شصت روز پی در پی و اگر قتل، عمدی نباشد، پرداختن دیه به اولیاء مقتول واجب می‌گردد مگر اینکه عفو کنند. به علاوه یکی از دو کفاره فوق به وجوب خود باقی است.[۴]

رشوه اگرچه به عنوان «هدیه»، «پیشکش» و «حق حساب» و مانند آن باشد، حرام است. بر رشوه گیر واجب است چیزی را که گرفته به صاحبش برگرداند.[۵]

حفظ اسرار دیگران واجب است.

شهادت به معنای شاهد و گواه است و بر کسی که شرایط و شایستگی آن را دارد، با درخواست مشهود له در صورت عدم بیم و ضرر جانی واجب است.[۶]

دشنام دادن به امامان حرام و کشتن دشنام دهنده در صورت امکان واجب است.[۷]

هجرت از محیط گناه در صورتی که برای حفظ دین، جز هجرت راه دیگری نداشته باشد لازم است.[۸]

بیع از عقود لازم و وفای به آن واجب و فسخ آن جز با وجود اسباب فسخ جایز نیست.

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۸۷؛ ترجمه تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۲۸۱.

۲- آل عمران/ ۱۷؛ مائده/ ۱۱۹.

۳- فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۳۲.

۴- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۱۲۶.

۵- همان، ج ۱، فی المکاسب المحرمه، ص ۴۹۷، م ۲۴.

۶- فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۷۳۸.

۷- همان، ج ۱، ص ۸۶.

۸- استفتائات مکارم، ج ۳، ص ۶۲۳؛ نساء/ ۱۰۰.

با مربیان احکام

اهمیت واجبات

با این که مستحبات جایگاه خاصی در احکام دارند، اما نباید واجبات فدای مستحبات شوند. بسیارند افرادی که به مستحبات بیش از واجبات اهمیت می‌دهند، چه بسا واجبات را فدای مستحبات می‌کنند. تا آخر شب به دعا و نماز مستحبی می‌پردازند ولی نماز صبحشان قضا می‌شود.

امام علی (ع) فرمود:

إِذَا أَضَرَّتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْفُضُوهَا[1]

اگر مستحب‌ها به واجبات زیان رساند، مستحبات را واگذارید.

نمونه‌ها:

خمس و زکات واجب را نمی‌دهند ولی صدقات مستحبی را می‌دهند. برای فراگیری مسائلی که ضروری نیست وقت می‌گذارند ولی برای فراگیری واجبات خود وقت نمی‌گذارند. در خواندن نمازهای واجب خود کوتاهی می‌کنند اما در خواندن نمازهای مستحبی همت می‌کنند. ختم قرآن می‌کنند اما دستورات قرآن را جدی نمی‌گیرند. به زیارت مستحبی می‌روند ولی حجاب واجب را رعایت نمی‌کنند. سفرهای زیارتی می‌روند اما بدهی خود را نمی‌دهند. سفره احسان و خیرات برای اموات پهن می‌کنند ولی بدهی‌های او را نمی‌دهند.

نمازهایی که به جماعت خوانده می‌شود

نمازها سه گونه‌اند:

۱. برخی از آنها باید به جماعت خوانده شود همچون نماز جمعه که کمتر از ۵ نفر نمی‌شود خواند.

۲. برخی از نمازها را می‌توان به جماعت خواند، همچون نمازهای یومیه.

۳. نمازهایی که نباید به جماعت خوانده شود همچون نمازهای مستحبی، غفیله، دهه اول ذی الحجه، نماز شب و ...

نمازها و سوره‌ها

برخی از نمازها سوره ندارند همچون نماز احتیاط.[2]

برخی از نمازها حمد و سوره دارند مانند نمازهای یومیه.

۱- نهج البلاغه، قصار ۲۷۹.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۲۱۶.

برخی از نمازها حمد و یک آیه خاص دارند مانند نماز غفیله.[1]

برخی از نمازها حمد، سوره و یک آیه خاص دارند مانند نماز دهه اول ذی الحجه.

ترک واجبات

واجبات الهی بسیارند همچون نماز، روزه، زکات و حج و ترک کردن هریک از واجبات الهی گناه کبیره محسوب می‌شود و نمی‌شود به بهانه‌های واهی همچون خستگی، گرفتاری، شرم و حیا، خشنودی دیگران و ... آن را ترک نمود.

در مواردی می‌توان واجبات را ترک نمود همچون موارد عدم قدرت بر انجام واجبات، ضرر داشتن، عسر و حرج.

و در مواردی در احکام به صورت تبدیل و تدریجی برخورد شده است. مانند: تیمم بدل ازغسل و وضو، نماز نشسته به جای نماز ایستاده.[2]

ازدواج‌های واجب

اصل ازدواج مستحب مؤکد است اما در چند مورد واجب است:

۱. انسان بترسد به گناه بیفتد[3] و این گناه شامل تمام مراتب گناه از چشم چرانی، خودنمایی و مزاحمت تا رابطه عاشقانه و ... می‌شود.

۲. هرگاه ترک ازدواج سبب قرار گرفتن در ضرر و زیان مانند بیماری روحی شود.

۳. نذر یا عهد یا قسم یاد کند برای این که ازدواج کند.

سه نکته درباره واجب

۱. واجب کاری است که الزامی است و باید انجام شود و نمی‌شود کار دیگری جای آن را بگیرد.

۲. فراگیری حکم هر کاری که از مکلف صادر می‌شود واجب است، خواه مربوط به عبادات شود و خواه معاملات و یا سایر اعمال او.

۳. پیامد بی توجهی نسبت به احکام، غلط انجام دادن وظایف شرعی است. مثلًا کسی که احکام نماز را نمی‌داند، در بسیاری از موارد باید نمازش را تکرار کند. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

الف) کسی که رکن نماز را کم یا زیاد کند.[1]

۱- همان، م ۷۷۵.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۷۸۷- ۷۸۴.

۳- همان، م ۲۴۴۳.

ب) ذکر رکوع و سجود را در حال حرکت بگوید.[۲]

ج) قرائت نمازش صحیح نباشد.[۳]

د) با بدن یا لباسی که پاک نیست نماز بخواند. و ...[۴]

شرایط ازدواج مشروع

۱. باید همسری انتخاب نمود که ازدواج با او مجاز باشد، مثلًا کافر و مرتد نبوده و در عده دیگری نباشد.[۵]

۲. پدر یا جد دختر به این ازدواج رضایت دهند.[۶]

۳. عقد خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست. و عقد نوعی قرارداد است بین دختر و پسر که باید به لوازم آن پایبند باشند، نه صرف تشریفات.[۷]

۴. حقوقی، متقابل بر اساس عقد ازدواج بر زن و شوهر واجب می‌شود که پایبندی به آنها واجب است.

مواردی که نیاز به اذن نیست

در مواردی اذن پدر و جد لازم نیست همچون موارد زیر:

۱. هر دو در قید حیات نباشند.

۲. هر دو به صورت طولانی غایب باشند و دسترسی به آنها نباشد.[۸]

۳. هر دو صلاحیت اذن نداشته باشند.

۴. دختر و پسر هم کفو هستند و پدر یا جد بی دلیل مخالفت می‌کنند که در صورت اثبات در مراکز صالحه می‌توانند بدون اذن آنان ازدواج کنند.

مراتب واجبات

مجموعه‌ای از واجبات در زندگی فردی و اجتماعی مسلمین مطرح است که اگر توجه به آنها شود، زندگی بر همگان گوارا و دلنشین خواهد بود.

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۹۴۲.

۲- همان، م ۹۶۶.

۳- همان، م ۱۰۰۰.

۴- همان، م ۷۹۹.

۵- همان، م ۲۳۹۷.

۶- همان، م ۲۳۷۶.

۷- همان، م ۲۳۶۳.

۸- توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۷.

این واجبات مراتبی دارند، برخی از اهمیت بیشتری برخوردارند. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

الف) نماز.

ب) حفظ اسلام که در رأس تمام واجبات است.

ج) حفظ نظام از نظر امام خمینی (ره) از اوجب واجبات است.

د) حفظ جان و عِرض به طوری که به جهت حفظ آن جایز است برخی از واجبات را ترک نمود. از شرایط وجوب حج، عدم احساس خطر بر جان است.

ه) امر به معروف و نهی از منکر.

دو نکته درباره توبه

۱. توبه برخی از گناهان ندامت و تصمیم بر ترک گناه است مانند نگاه به نامحرم، دروغگویی و ...

۲. توبه برخی از گناهان علاوه بر ندامت و تصمیم بر ترک گناهان، باید جبران شود، چه در حق الله مانند ترک نماز و روزه و چه در حق الناس مانند کم فروشی، غش در معامله و ...

احکام پنج گانه

تمام اعمال انسان یکی از احکام پنج گانه را دارد: واجب، حرام، مستحب و مکروه و مباح.

واجب چیزی است که باید انجام شود و ترک آن گناه دارد. مانند نماز.

حرام چیزی است که انجام آن گناه دارد.

مستحب چیزی است که انجام آن ثواب دارد.

مکروه چیزی است که انجام ندادن آن بهتر است.

مباح چیزی است که انجام دادن یا ندادن آن با هم برابر است.

لازم است به هریک از احکام پنج گانه در جای خود و به اندازه خود توجه شود.

اقسام واجب از نظر زمان

واجبات از نظر زمان سه گونه است:

۱. واجبات همیشگی همچون نمازهای یومیه.

۲. واجبات مقطعی مانند نماز آیات.

۳. واجبی که در عمر یک بار واجب می‌شود مانند حج در صورت استطاعت.

انجام وظایف دیگران

به صورت طبیعی هر کس باید وظایف شرعی واجب خود را انجام دهد[1] و دیگران نمی‌توانند به جای او انجام دهند. اما در چند صورت مانعی ندارد:

۱. قضای نماز و روزه پدر توسط پسر بزرگتر بعد از وفات.[2]

۲. اجیرگرفتن برای نمازها و روزه‌های میت (نماز استیجاری یا تبرعی).[3]

۳. اجیر گرفتن برای انجام حج واجب کسی که توان شرکت در مراسم حج را ندارد.

مواردی که اذن خروج لازم نیست

گرچه ازحقوق مرد برزن این است که زن بدون اذن او از خانه بیرون نرود، اما در موارد زیر اطاعت واجب نیست:

۱. در انجام واجباتی همچون حج واجب، فراگیری احکام واجب و ...

۲. اگر زن قبل از عقد با شوهر توافق کند به ادامه تحصیل و اشتغال، مرد نمی‌تواند او را نهی کند.

۳. خروج برای مسائل ضروری همچون درمان بیماری و ...

چهار نکته درباره نفقه

۱. هزینه زندگی بر گردن شوهر واجب است و آن عبارت است از خرج خوراک، پوشاک و مسکن و اندازه خاصی ندارد. چه زن نیاز داشته باشد یا نداشته باشد.[4]

۲. اگر مرد نفقه یک روز زن را نپردازد در پایان آن روز به مقدار نفقه به زن بدهکار می‌شود، چه زن آن را از مرد طلب کرده باشد یا نه.[5]

۳. اگر شوهر مبلغی به صورت روزانه یا ماهانه برای مخارج مشترک زندگی در اختیار همسر می‌گذارد، او نمی‌تواند بدون اجازه و رضایت شوهر به دیگران هدیه یا صدقه دهد.[6]

۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۳۸۶.

۲- همان، م ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷.

۳- تحریرالوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الاستیجار، م ۱.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۱۲.

۵- تحریرالوسیله، کتاب النکاح، فی النفقات، م ۱۰، همه مراجع.

۶- تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۱۵، م ۱۰- ۱۱.

۴. اگر مرد نفقه یک روز یا یک هفته و یا یک ماه را یک جا به زن بدهد و زن با صرفه‌جویی و یا استفاده کردن از پولهای دیگر مقداری از این پول را پس‌انداز کند، زن مالک آن است و شوهر حق پس گرفتن آن را ندارد.[۱]

پنج نکته درباره نفقه

۱. نفقه همسر، فرزند و پدر و مادر نیازمند بر مرد واجب است.

۲. نفقه همسر با دو شرط بر مرد واجب است:

الف) همسر دائمی باشد.

ب) در امور لازم مطیع شوهر باشد.[۲]

۳. یک سری مخارج بر عهده مرد نیست مانند هدیه، انفاق، کفاره، خمس، رد مظالم و تشکیل جلسات جشن و عزا و ...

۴. زن نمی‌تواند مانع کمک همسر به پدر و مادر نیازمندش شود.

۵. اگر شوهر هزینه زندگی زن را ندهد، زن می‌تواند با اذن حاکم شرع از مال او بردارد. و اگر دسترسی به او نداشت بدون اجازه می‌تواند بردارد.[۳]

اطاعت از شوهر

اطاعت زن از شوهر در سه بخش مطرح است:

۱. اطاعت واجب: در حوزه تمکین و خروج از منزل.

۲. اطاعت حرام: در حوزه گناه و ترک واجبات، همچون ترک نماز، ترک حج، بدحجابی، شرکت در مجالس گناه و ...

۳. اطاعت در مباحات: سزاوار است زن در امور مباح همچون نوع زینت، پوشش و غذا هم رضایت شوهر را جلب کند.

چهار نکته درباره شناخت اصول دین

۱. شناخت اصول دین واجب است و برخی از بزرگان فرموده‌اند از اهم واجبات است.[۴]

۲. معرفت خداوند، واجب عینی بر تمام مکلفین است.[۱]

۱- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فی النفقات، م ۱۱؛ منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۲۳.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۱۲.

۳- همان، م ۲۴۱۶؛ تحریرالوسیله، فی نفقة الاقارب، م ۱۴.

۴- منهج الرشاد، آیة الله بروجردی، ص ۳.

۳. اعتقاد به خاتمیت پیامبر (ص) واجب است.[۲]

۴. اعتقاد به امامت و ولایت ائمه (علیهم السلام) و شناخت امام زمان (ع) و نیز پیروی از ایشان و اطاعت از دستوراتشان و برائت از دشمنانشان بر همه مکلفان واجب است.

احترام مؤمن

پیامبر اکرم (ص) درحجۀ الوداع که آخرین حج آن‌حضرت در سال دهم هجرت بود، و مسلمانان بسیاری در مراسم حج شرکت نموده بودند، در سرزمین منا درمیان مسلمانان ایستاد و روبه آنان کرد وپرسید: محترم‌ترین روزها چه روزی است؟

– امروز (عید قربان).

– محترم‌ترین و عالی‌ترین ماه‌ها چه ماهی است؟

– همین ماه (ذیحجه).

– محترم‌ترین سرزمین‌ها چه سرزمینی است؟

– این سرزمین (مکه).

آنگاه پیامبر (ص) فرمود:

فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَ أَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَه[۳]

بدانیدکه خون‌ها و اموال شما برشما محترم است مانندااحترام این‌روز در این ماه و دراین سرزمین تابرپا شدن روز قیامت‌که خدا را ملاقات کنید.

انسان در پرتو اسلام و ایمان احترام خاصی دارد و این حرمت به مراتب ایمان و درجات علم متفاوت است.

احترام جان، مال و آبروی مسلمان واجب است این احترام به تعرض نکردن به آنهاست.

پیکر بی جان مسلمان همانند زنده او محترم است.[۴]

احترام به قبر مسلمان لازم و هتک آن حرام است.[۵]

۱- شرح باب حادیعشر، ص ۲۰.

۲- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۴۱۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹۳.

۴- فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۲۸۹.

۵- همان، ص ۲۸۹.

اقسام قربانی

قربانی دو گونه است: قربانی واجب همچون قربانی که حجاج در منا در روز عید قربان باید انجام دهند. و یا قربانی که به عنوان کفاره در اعمال حج واجب می‌شود و یا قربانی که به نذر و عهد و قسم واجب می‌شود.[۱]

نوع دیگر از قربانی، قربانی مستحب است که در هر روز سال مخصوصاً عید قربان بر کسانی که توانایی دارند مستحب می‌باشد.

شش نکته درباره ادای بدهی

۱. یکی از واجبات، ادای بدهی است که وقت ادای آن رسیده باشد.[۲]

۲. بدهی به گونه‌های مختلف مطرح است همچون مهریه، جا مانده، قرض و ...

۳. با آن همه تأکیدی که برای خواندن نماز اول وقت شده، اما پرداخت طلب دیگران بر نماز اول وقت مقدم است.[۳]

۴. بر بدهکار واجب است برای ادای بدهی اگر پول ندارد، جنس و کالای خود را ولو به قیمت ارزان‌تر بفروشد و ادای بدهی کند.[۴]

۵. اگر بدهکار نمی‌تواند بدهی خود را بدهد باید طلبکار به او مهلت بدهد.[۵]

۶. رد حقوق مردم واجب است گرچه اتلاف در سن کودکی صورت گرفته باشد.

امانت

۱. حفظ مالی که نزد کسی به امانت گذاشته شده واجب و کوتاهی در نگهداری آن حرام و ضمان آور است.[۶]

۲. اگر امانتدار برای امانت، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند، مثلًا اگر پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، باید به بانک بسپارد.[۷]

۳. کسی که نمی‌تواند از امانت نگهداری کند، بنا بر احتیاط واجب نباید قبول کند.[۱]

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی صورة الحج.

۲- همان، ص ۶۵۰، م ۱۰.

۳- عروه‌الوثقی، ج ۱، فی اوقات الواجب، م ۱۵.

۴- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۶۵۰، م ۱۰.

۵- بقره/ ۲۸۰؛ مهذب الاحکام، ج ۲۱، ص ۲۹.

۶- فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۳۱۷.

۷- توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۳۴.

۴. کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.[۲]

۵. تصرف در امانت حرام است.

۶. در سه مورد واجب است هر چه زودتر، امانت را به صاحبش برگردانند:

الف: صاحب امانت، آنرا مطالبه کند.

ب: شرائط به گونه‌ای باشد که احتمال دزدیده شدن، از بین رفتن، آتش گرفتن و .... در بین باشد.

ج: نشانه‌های مرگ در شخص امانت گیرنده بروز کند.[۳]

واجبات غدیر

اعلام ولایت امیرالمؤمنین (ع) از سوی پیامبر (ص) تکلیف الهی او بود. قرآن می‌فرماید:

یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَه[۴]

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) برسان! والا، رسالت او را انجام نداده‌ای!

پذیرش این ولایت هم تکلیف واجب همه مسلمانان بود و هست و خواهد بود.

امام باقر (ع) فرمود:

آخَرُ فَریضَهٔ انزلها اللّه الولایهٔ ثُمَّ لَم ینزِل بَعدها فَریضهٔ[۵]

آخرین تکلیف واجبی که خداوند آن را نازل فرمود، ولایت است و پس از آن فریضه‌ای نازل نکرد.[۶]

اعتقاد به امامت و ولایت ائمه (ع) و پیروی از ایشان و اطاعت از دستوراتشان و برائت از دشمنانشان بر همه مکلفان واجب است.[۷]

دوست داشتن ائمه و نیز دوستانشان واجب است.[۸]

درود فرستادن بر پیامبر و آل او در تشهد نماز واجب است.[۱]

۱- همان، م ۲۳۳۰.

۲- همان، م ۲۳۳۲.

۳- کتاب الودیعهٔ، مساله ۱۵، ۱۷، ۱۸، ج ۲، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۴- مائده/ ۶۷.

۵- بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۱۲.

۶- فرهنگ غدیر، جواد محدثی، ص ۴۶۳.

۷- فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۸۴.

۸- همان.

معرفت و شناخت نسبت به همه ائمه (علیهم السلام) واجب است.

وجوب پاسخ به سلام

پاسخ سلام واجب فوری است، چه سلام کننده کودک ممیز باشد و چه بزرگ، چه در حال نماز باشد و چه در غیر نماز، چه نزدیک باشد یا از راه دور به وسیله تلفن و موبایل و چت صوتی.[۲]

پاسخ سلام باید به گونه‌ای باشد که سلام کننده جواب را بشنود.[۳]

در نماز باید کلمه سلام مقدم بر علیک باشد.[۴]

اگر کسی به عده‌ای سلام کند، جواب سلام او بر همه آنان واجب است ولی اگر یکی از آنان جواب دهد کافی است.[۵]

اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند بر هریک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.[۶]

پاسخ سلام دربرخی از موارد واجب نیست: همچون سلام در پیامک، در نامه، در رسانه‌ها، پاسخ سلام شوخی، سلام با واسطه، گرچه مستحب است به واسطه گفته شود: «علیک و علیه السلام».

اخلاص در عبادات

واجبات دو گونه‌اند، بخشی نیاز به نیت و قصد قربت ندارند که به آنها واجبات توصلی می‌گویند مانند تطهیرمسجد، ادای بدهی و ... و بخش دیگر ازواجبات، واجباتی است که نیاز به نیت و قصد قربت دارند که به آنها واجبات تعبدی می‌گویند مانند نماز و روزه.[۷]

یکی از نکاتی که در رابطه با واجبات تعبدی مطرح است، مسأله اخلاص است. در این زمینه به سه نکته اشاره می‌شود:

۱. یکی از واجبات و ارکان نیت، اخلاص است یعنی انگیزه‌ای جز قصد قربت و بندگی نداشته باشد. و ائمه معصومین (علیهم السلام) مظهر اخلاص بوده‌اند.

قرآن در این زمینه می‌فرماید:

۱- همان.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۳۸ و ۱۱۴۱.

۳- همان، م ۱۱۳۹.

۴- فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۵۱۶.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۴۵.

۶- همان، م ۱۱۴۹.

۷- فرهنگ علوم، ص ۵۶۹.

إِنَّما نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزاءً وَ لا شُكُوراً[1]

ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم!

راز جاودانگی معصومین (علیهم السلام) اخلاص آنان در همه امور بود.

۲. کارهای عبادی اگر بدون اخلاص باشد، باطل است ولو قسمتی از عمل باشد. البته انگیزه‌های تبعی با اخلاص منافات ندارند و موجب بطلان عمل نمی‌شوند. مانند خواندن نماز به قصد قربت به نحوی که دیگری هم بشنود و فرا بگیرد.[2]

۳. وسوسه‌های شیطانی تا رنگ تصمیم نداشته باشد، به عبادات انسان آسیبی نمی‌زند. مانند کسانی که مسجد نمی‌روند و یا در جلسات قرآنی شرکت نمی‌کنند با این تصور که مبادا ریا شود.

چهار نکته در مورد آبرو

۱. آبروی مسلمان همچون جان او احترام ویژه دارد و دفاع از آبروی مسلمان واجب است.[3]

۲. ترک مهم‌ترین واجبات همچون رفتن به حج، امر به معروف و شکستن نماز برای حفظ آبرو جایز است.

۳. بسیاری از گناهان کبیره برای جلوگیری از ریختن آبروی مسلمانان است. همچون سوء ظن، غیبت، تهمت، افشاگری و ...

۴. آبروریزی به هر گونه‌ای که باشد حرام است، چه به زبان، چه قلم، چه پیامک، چه فیلم و سی دی، چه بستگان، چه غریبه و ...

چهار نکته درباره تقلید

۱. بر هر مکلفی که مجتهد نیست و طریقه احتیاط را نمی‌داند، واجب است در احکام از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند، چه با سواد باشد، چه بی سواد، نوبالغ باشد یا فرد کامل و اگر تقلید نکند، عملش باطل است.[4]

۲. تقلید در احکام اختصاص به واجبات و محرمات ندارد بلکه در مستحبات و مکروهات هم جاری است و نیز اختصاص به مسائل عبادی ندارد بلکه شامل مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و ... می‌شود.[5]

۱- انسان/ ۹.

۲- فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳- همان، ص ۹۸ و ج ۳، ص ۳۸۶.

۴- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵.

۵- همان.

۳. واجب است هر مقلدی طبق نظرات مرجع تقلید خود عمل کند، مگر در جایی که مرجع تقلید خود فتوا نداشته باشد یا طبق نظر برخی از مراجع حکم ولایی ولایت فقیه باشد.

۴. در چند صورت تقلید صحیح نیست همچون در اصول دین، یقینیات، ضروری دین، موضوعات و تقلید از مجتهدی که ویژگی‌های لازم را ندارد یا داشته و از دست داده.

پنج نکته درباره وصیت

۱. واجب است بر کسی که نماز، روزه، زکات، خمس بدهکار است، یا امانتی از مردم در دست دارد وصیت کند برایش انجام دهند.[۱]

۲. عمل به وصیت در صورتی که شرایط لازم را داشته باشد، واجب است. و کسی که قبول کرده وصیتی را عمل کند، اگر چنانچه در آن کوتاهی کند و در جای خود خرج نکند، یا اعمال سلیقه کند، ضامن است.[۲]

۳. وصیت در حال حیات قابل تغییر است و مادامی که شخص زنده است می‌تواند در کمیت و کیفیت وصیت خود تجدید نظر کند.

۴. وصیت کننده به هر لفظ و به هر زبانی که بیانگر مقصود باشد، وصیت کند صحیح است.[۳]

۵. در وصیت نباید ظلم نمود و حق ورثه را تضییع کرد. مانند وصیت به محروم کردن برخی از ورثه از ارث و یا تساوی ارث بین دختر و پسر و ...

تفاوت‌های نفقه همسر با پدر و مادر و فرزندان

۱. نفقه همسر یک بدهی است و اگر پرداخت نشود بر ذمه شوهر باقی می‌ماند برخلاف نفقه بستگان که فقط یک تکلیف است.

۲. نفقه همسر واجب است، نیازمند باشد یا ثروتمند بر خلاف نفقه پدر و مادر و فرزندان که در صورت فقر واجب است.[۴]

۳. نفقه همسر یک تکلیف یک طرفی است که بر عهده شوهر است ولی نفقه پدر و مادر و نزدیکان یک تکلیف دوطرفه است.[۵]

۱- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۰۲- ۲۷۰۰.

۲- مجمع المسائل گلپایگانی، ج ۲، ص ۲۶۹ و ج ۴، ص ۶۶، س ۱۲۸.

۳- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الوصیة، م ۳.

۴- تحریرالوسیله، ج ۳، ص ۵۷۱، م ۲.

۵- همان، فصل فی النفقات، م ۱۱ و ۱۲.

سه نکته درباره دیه

۱. یکی از واجبات مالی در اسلام دیه است. دیه خون بهایی است که شخص جانی باید به شخص خسارت دیده یا ورثه او بپردازد. مانند دیه قتل نفس، نقص عضو، سقط جنین و ...

۲. اگر به صورت کسی سیلی یا چیز دیگر بزند به طوری که صورت او سرخ شود، باید یک مثقال و نیم طلای سکه دار بدهد.[۱]

۳. اگر کبود شود سه مثقال و اگر سیاه شود باید شش مثقال شرعی طلای سکه دار بدهد، چه شخصی که آسیب دیده فرزند خود باشد، چه غریبه، چه خردسال باشد، چه مسن.

و اگر جای دیگر بدن کسی را به وسیله زدن سرخ، کبود یا سیاه کند، نصف دیه‌های فوق خواهد بود.[۲]

پنج نکته درباره خمس

۱. یکی ازواجبات مالی در اسلام، خمس است؛ چه زن باشد چه مرد، چه ثروتمند باشد چه فقیر، چه مجرد باشد چه متأهل. امام رضا (ع) فرمود:

إِنَّ الْخُمُسَ عَوْنُنَا عَلَى دِينِنَا[۳]

خمس کمک ما است بر دین ما.

۲. کسی که به مالش خمس تعلق گرفته، نمی‌تواند در آن تصرف کند گرچه قصد دادن آن را داشته باشد.[۴]

۳. خمس به هفت چیز تعلق می‌گیرد که مهم‌ترین آنها خمس بر درآمدهای مازاد بر مخارج سالانه، خمس مال حلال مخلوط به حرا م و پولی که پس انداز شده و سال بر آن گذشته و سرمایه کسب است.[۵]

۴. برخی از اموال خمس ندارد مانند ارث، مهریه، مالی که یک بار خمس آن داده شده، آنچه که مؤونه و خرج زندگی شده، و طبق نظر برخی از مراجع هدایا.[۶]

۵. مصرف خمس باید زیرنظر مراجع تقلید صورت گیرد و خودسرانه نمی‌شود در کارهای خیریه مصرف شود.

۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۸۹، م ۲۲.

۲- همان، م ۲۳.

۳- کافی، ج ۱، ص ۵۴۸.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۹۰.

۵- همان، م ۱۷۵۱.

۶- عروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، ص ۳۸۹، السابع، ص ۳۹۰، م ۵۱.

چهار نکته درباره زکات

۱. یکی از واجبات مالی در اسلام که در آیات قرآن، در کنار نماز آمده است، موضوع زکات است. زکات نوعی بیمه مال و جان است. امام کاظم (ع) فرمود:

حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ[۱]

اموال خود را با زکات حفظ کنید.

۲. کسی که با پولی که زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است.[۲]

۳. در مصرف زکات اجازه لازم نیست و شخص می‌تواند پس از محاسبه، زکات خود را در کارهای خیریه همچون کمک به نیازماندان، ادای بدهی دیگران و ... مصرف نماید.

۴. زکات به عنوان صدقه واجب مطرح است و نمی‌توان آن را به سادات داد، مگر صدقه خود سادات به سادات، ولی صدقات مستحبی را می‌توان به سادات هم داد.

۵. طلا و نقره‌ای که به عنوان زینت استفاده می‌شود، زکات ندارد زیرا در صورتی طلا و نقره زکات دارند که به عنوان سکه رایج باشند و همچون اسکناس با آنها معامله شود و به حد نصاب لازم برسند و برخی شرایط دیگر ...[۳]

اطلاع رسانی درباره نجاسات

۱. اطلاع رسانی درباره نجاسات به صورت طبیعی واجب نیست، چه بر میزبان، چه بر میهمان، چه بر فروشنده و چه بر عاریه دهنده.

۲. در چند مورد اطلاع رسانی لازم است:

الف) اگر انسان بداند خریدار و عاریه گیرنده آن را در خوردن یا آشامیدن استفاده می‌کند.[۴]

ب) اگر میزبان در بین غذا بفهمد غذا نجس است، باید به میهمانان خود بگوید.[۵]

ج) اگر مسجد و حرم ائمه معصومین (علیهم السلام) نجس شوند و شخص مطلع قادر به تطهیر آن نباشد، باید به دیگران اطلاع دهد.[۶]

۱- بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۹.

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۴۸۰، م ۸۲۰.

۳- همان، ج ۲، م ۱۸۹۹.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۴۶.

۵- همان، م ۱۴۵.

۶- همان، م ۹۰۱.

چهار نکته درباره قرائت نماز

۱. باید قرائت نماز به گونه‌ای باشد که تلفظ محسوب شود و خود شخص آنچه می‌خواند، بشنود.

۲. در حال استقرار و آرامش بدن باشد.[۱]

۳. باید جهر (بلند خواندن) و اخفات (آهسته خواندن) رعایت شود. توضیح این که نمازگزار اگر مرد است، باید قرائت نماز مغرب و عشا و صبح را بلند بخواند و همه نمازگزاران قرائت نماز ظهر و عصر را باید آهسته بخوانند.[۲]

۴. قرائت نماز باید صحیح خوانده شود، اگر نمازگزار یکی از کلمات نماز را عمداً نگوید یا به جای «ض» «ظ» بگوید یا تشدید و حرکت کلمات را به گونه اشتباه بگوید، نمازش باطل است.[۳]

تفاوت‌های نمازهای واجب و مستحب

۱. شک در تعداد رکعات یک و دو، نمازهای واجب را باطل می‌کند ولی در نمازهای مستحبی اگر شک کند دو رکعت خوانده یا یک رکعت، به هرطرف شک، عمل کند، نمازش صحیح است.[۴]

۲. زیاد شدن رکن در نمازهای واجب، نماز را باطل می‌کند ولی در نمازهای مستحبی، نماز را باطل نمی‌کند.[۵]

۳. در نمازهای واجب، کم یا زیاد شدن اجزای نماز، گاه باعث واجب شدن سجده سهو می‌شود ولی در نمازهای مستحبی لازم نیست بعد از نماز، سجده سهو یا قضای سجده و تشهد را به جا آورد.[۶]

۴. شکستن عمدی نمازهای واجب جایز نیست ولی شکستن نماز مستحبی از روی اختیار، مانعی ندارد.[۷]

۵. نماز واجب را می‌شود به جماعت خواند، ولی نماز مستحبی را نمی‌توان به جماعت خواند.

۶. نماز واجب را در حال حرکت نمی‌شود خواند، ولی نماز مستحبی را می‌توان خواند.

۷. نماز مستحبی را می‌توان با صدای بلند یا کوتاه خواند، برخلاف نمازهای واجب یومیه که باید طبق وظیفه عمل نمود.

۱- همان، ج ۱، ص ۵۶، م ۹۶۸.

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۹۲.

۳- همان، م ۱۰۰۰ و ۱۰۰۲.

۴- همان، م ۱۱۹۳.

۵- همان، م ۱۱۹۴.

۶- همان، م ۱۱۹۷.

۷- توضیح المسائل مراجع، ص ۶۳۱، م ۱۱۵۹.

۸. خواندن سوره در نمازهای واجب، واجب است ولی در نمازهای مستحبی واجب نیست.

۹. خواندن سوره‌های سجده دار در نمازهای مستحبی اشکال ندارد بر خلاف نماز واجب.

۱۰. در نمازهای مستحبی می‌توان به جای سوره، یک یا چند آیه از سوره را تلاوت کرد، برخلاف نمازواجب که باید کل‌سوره قرائت شود.[۱]

تفاوت روزه‌های واجب و مستحب

۱. زمان نیّت روزه واجب از اول شب تا اذان صبح است[۲] ولی روزه مستحبی تا موقعی است که به اندازه نیّت کردن به مغرب وقت مانده باشد.[۳]

۲. روزه واجب رمضان را نمی‌توان عمداً باطل‌کرد ولی روزه مستحبی را تا قبل از افطار می‌توان باطل کرد.[۴]

۳. شکستن عمدی روزه‌های واجب موجب کفّاره می‌شود ولی شکستن روزه‌های مستحب موجب کفاره نمی‌شود.

مواردی که باید یا می‌توان نماز واجب را شکست

۱. برای حفظ مال یا جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد.[۵]

۲. اگر حفظ جان انسان یا کسی که حفظ جان آن واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می‌باشد، بدون شکستن نماز ممکن نباشد، باید نماز را بشکند.[۶]

۳. اگر در وسعت وقت مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را از او مطالبه کند، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد، باید در همان حال بپردازد و اگر بدون شکستن نماز، دادن طلب او ممکن نیست، باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد، بعد نماز بخواند.[۷]

۴. اگر در بین نماز بفهمد که مسجد نجس است، چنانچه وقت تنگ باشد باید نماز را تمام کند و اگر وقت وسعت دارد و تطهیر مسجد نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز تطهیر کند بعد بقیه نماز را بخواند و اگر به هم می‌زند باید نماز را بشکند و مسجد را تطهیر کند.[۱]

۱- احکام نمازهای مستحبی، احکام عمومی وحیدی، ج ۲.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۵۲.

۳- همان، م ۱۵۵۳.

۴- توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۵۳.

۵- همان، م ۱۱۵۹.

۶- همان، م ۱۱۶۰.

۷- همان، م ۱۱۶۱.

۵. اگر پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید که اذان و اقامه را فراموش کرده، چنانچه وقت نمازوسعت دارد مستحب است برای گفتن آنها نماز را بشکند.[۲]

کسی که باید نماز را بشکند، اگر نماز را تمام کند، معصیت کرده ولی نماز او صحیح است.[۳]

دو نکته درباره حفظ حریم دیگران

۱. یکی از موضوعات اخلاقی که در مسائل فقهی نیز مطرح است، حفظ حریم دیگران است. قرآن می‌فرماید:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتاً غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتَّی تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلی أَهْلِها ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُم[۴]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است.

۲. مواردی که شکستن حریم دیگران است، بسیارند، به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

دخالت در کار یکدیگر، استراق سمع، پارک کردن ماشین در جلوی درب خانه دیگران، نفوذ به سایت دیگران، چشم انداختن به خانه دیگران به قصد دیدن نامحرم، وارد شدن به خانه یا باغ دیگران و ...

چند نکته درباره کفاره

کفاره، جریمه‌ای است که برای ارتکاب برخی از گناهان گذاشته شده و این، غیر از حدّ و دیه است. چون کفاره به دست خود گنهکار پرداخت می‌شود و نیازی به حکم حاکم ندارد. برخی از گناهان که کفاره مالی دارند، بدین شرح است:

۱. روزه خواری؛ در کفاره روزه، مکلف باید دو ماه روزه بگیرد که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد یا به شصت فقیر، هر کدام یک وعده غذا بدهد تا سیر شوند یا به هرکدام از آنها یک مُد (۷۵۰ گرم) طعام بدهد.[۵]

۲. عمل نکردن به نذر یا عهد یا قسم.[۶]

۳. پریشان کردن یا کندن مو توسط بانوان در مصیبت.

۱- همان، م ۱۱۶۲.

۲- توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۶۴.

۳- همان، م ۱۱۶۳.

۴- نور/ ۲۷.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۰.

۶- همان، م ۲۶۵۴ و م ۲۶۷۵.

۴. خراشاندن صورت توسط بانوان در مصیبت

۵. لباس چاک زدن مردی در سوگ فرزند یا همسر خود.

کفاره عمل نکردن به نذر و عهد و کندن مو مانند کفاره روزه خواری است.

کفاره عمل نکردن به قسم و خراشاندن صورت و لباس چاک دادن، طعام یا لباس دادن به ده فقیراست و اگر نتوانست، سه روز روزه بگیرد.[۱]

۶. قتل نفس.[۲]

پنج نکته درباره کفاره

۱. پرداخت کفّاره باید به نیت کفّاره و با قصد قربت باشد.[۳]

۲. روزه‌ها در تمام کفارات باید پی در پی باشد، ولی در صورتی که دو ماه واجب باشد، اگر ۳۱ روز پی‌درپی بگیرد، کفایت می‌کند و می‌تواند بقیه آن را به طور متفرّق به جا آورد.[۴]

۳. کفاره باید به فقیر داده شود.[۵]

۴. دادن پول به عنوان کفّاره کافی نیست، نه در طعام، نه در لباس دادن، بلکه خود غذا یا لباس باید داده شود، مگر آنکه فقیر، مورد اطمینان باشد و به اوپول بدهد و او را وکیل کند که با آن پول برای خودش طعام یا لباس تهیه کند.[۶]

۵. در مواردی که کفاره باید به ده یا شصت مسکین داده شود، باید طعام را به همین تعداد فقیر بدهد. پس نمی‌تواند به ۳۰ فقیر هر کدام دو مد طعام بدهد، مگر آن که کفاره‌های متعدد باشد، ولی لازم نیست همه را یکجا اطعام کند، مثلًا اگر به ده فقیر امروز و بیست فقیر دیگر دو ماه دیگر و بقیه پس از مدتی دیگر طعام بدهد، اشکال ندارد.[۷]

سه نکته درباره امر به معروف و نهی از منکر

۱- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الکفارات، ص ۱۲۵.

۲- همان.

۳- تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الکفارات، ص ۱۲۷، م ۲.

۴- همان، ص ۱۲۹، م ۹.

۵- همان، ص ۱۳۱، م ۱۸.

۶- همان، ص ۱۳۲، م ۲۰.

۷- همان، ص ۱۲۹، م ۱۱ ..

۱. امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهم‌ترین واجبات است که زمینه احیاء واجبات دیگر را فراهم می‌کند. امام حسین (ع) فرمود:

إِذَا أُدِّيَتْ وَ أُقِيمَتِ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا[۱]

اگر فریضه (امر به معروف و نهی از منکر) ادا گردد و برپاداشته شود تمام فرایض و واجبات دیگر، برپاداشته خواهند شد.

۲. امر به معروف و نهی از منکر مختص به هیچ صنف و گروهی نیست و بر همه واجب است.[۲]

۳. گرچه امر به معروف و نهی از منکر واجب همگانی است ولی در مورد نزدیکان تأکید بیشتری شده است. اگر همسر و فرزندان درباره واجبات کوتاهی کردند، بر مردان است که آنها را امر به معروف و نهی از منکر کنند.

دو نکته در باره امر به معروف و نهی از منکر

از آنجا که یکی از شرایط امر به معروف احتمال تأثیر است، این فریضه شکل ثابتی ندارد. مهم‌تأثیرگذاری است وبه گونه‌های زیر می‌تواند باشد:

الف) تغییر در رفتار همچون اخم کردن، ترک مجلس[۳]

ب) امر و نهی لسانی[۴]

ج) تکرار امر به معروف

د) امر به معروف جمعی[۵]

ه) کم کردن رابطه

و) توسل به زور[۶]

و شیوه‌های دیگر.

البته باید رعایت مراتب را نمود و جایز نیست با احتمال تأثیر گذاری در مرتبه‌ای، از مراتب بعدی استفاده نمود.[۱]

۱- تحف العقول، ص ۲۳۷.

۲- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۴۲ و ۷۸۲؛ منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۲۷۲.

۳- همان، م ۲۸۰۷.

۴- همان، م ۲۸۱۳.

۵- توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۸۷.

۶- همان، م ۲۸۱۸.

سه نکته درباره حفظ جان مسلمان

۱. بر هر مسلمان واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، از مرگ نجات دهد.[۲]

۲. اگر کسی در خطر غرق شدن است واجب است افراد حاضر، او را نجات دهند.

۳. اگر حفظ نفس محترمه و جلوگیری از وقوع قتل، مستلزم دخالت فوری و مستقیم باشد، جایز بلکه شرعاً از باب وجوب حفظ نفس محترمه، واجب است.[۳]

دو نکته درباره کسب مال حلال

۱. کسب مال حلال یکی از واجبات است. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

طَلَبُ الحَلال فریضهٔ عَلی کُلِّ مُسلِمٍ[۴]

کسب حلال، بر هر مسلمانی واجب است.

۲. درآمد حلال عبارت است از درآمدهایی که بر اساس شیوه‌های مشروع ومجاز همچون خرید، فروش، مضاربه، جعاله و ... به دست می‌آید.

صله رحم

یکی از واجبات، صله رحم است در این زمینه به چهار نکته اشاره می‌شود:

۱. صله رحم پیوند با خویشاوندان است که گاه با دیدن آنها حاصل می‌شود و گاه با تماس تلفنی و گاه با احسان به آنها.[۵]

۲. میزان صله رحم عرف است که حکم نماید ارتباط برقرار است.[۶]

۳. صله رحم بر اساس طبقات ارث است و شامل بستگان دور و سببی نمی‌شود.[۷]

۴. صله رحم با بستگانی که به واجبات توجهی ندارند، اشکال ندارد به ویژه اگر زمینه هدایت آنها شود.[۸]

۱- همان، م ۲۸۰۴.

۲- همان، م ۲۶۳۵.

۳- همان، ص ۷۷۱.

۴- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۹؛ کنز العمال، ج ۴، ص ۲، ح ۱۱.

۵- استفتائات مکارم، ج ۳، ص ۶۱۰، س ۱۷۵۲؛ استفتائات تبریزی، ص ۵۲۰، س ۲۱۸۹؛ جامع المسائل فاضل، ج ۱، س ۱۷۷۲.

۶- استفتائات جدید تبریزی، ص ۵۰۱، س ۲۱۹۰.

۷- رساله دانشجویی، ج ۱۶، ص ۳۱۷.

۸- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، س ۳؛ استفتائات جدید مکارم، ج ۱، س ۱۱۵۶.

لزوم تقیه

۱. یکی از واجبات تقیه است. تقیه به معنای ابراز عقیده یا انجام دادن کاری بر خلاف نظر و اعتقاد قلبی است.

۲. تقیه در جایی است که مؤمن برای حفظ جان یا مال یا عرض خود یا مؤمن دیگر ناگزیر ازپنهان داشتن حقیقت و اظهار گفتار یارفتار مخالف حق باشد، به اندازه‌ای که دفع ضرر گردد.[۱]

۳. در چند مورد نباید تقیه نمود همچون کشتن مؤمن، تقیه در غیر حال ضرورت، تقیه در جایی که افساد دین باشد.[۲]

سه نکته درباره قسم

۱. قسم‌خوردن اگر راست باشد مکروه و اگر دروغ باشد، حرام است.[۳]

۲. اگر به اسم‌جلاله قسم بخورد کاری را انجام دهد یا ترک کند مانند خواندن نماز اول وقت یا ترک عادت بد، اگر قسم خود را عمداً بشکند کفاره دارد و کفاره آن اطعام ده فقیر و اگر نتوانست سه روز روزه است.[۴]

۳. قسم برای دفع ضرر یا جلب منفعت، کفاره ندارد ولو این که دروغ باشد. البته قسم دروغ حرام است ولو این که کفاره نداشته باشد.[۵]

چهار نکته درباره احترام والدین

۱. رعایت حقوق والدین واجب است گرچه آنها در حق اولاد کوتاهی کرده باشند.[۶]

۲. حفظ احترام و احسان به والدین و مراعات ادب در معاشرت با آنان لازم است.[۷]

۳. اطاعت از پدر و مادر در اموری که انجام یا ترک آن موجب نارضایتی و اذیت آنها می‌شود واجب است؛ مگر در واجبات و محرمات.[۸]

۴. تندی، پرخاشگری، بدگویی و قطع رابطه با والدین از گناهان کبیره است.

ماه گرفتگی

۱- فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۵۸۵.

۲- همان.

۳- توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۷۵.

۴- همان، م ۲۶۷۰.

۵- همان، م ۲۶۷۵.

۶- توضیح المسائل مراجع، م ۵۴۸.

۷- استفتائات امام خمینی(ره)، ج ۱، س ۲۰.

۸- توضیح المسائل مراجع، م ۶۰۶.

۱. از وقتی که ماه گرفتگی شروع می‌شود، انسان باید نماز آیات را بخواند و نباید به قدری تأخیر بیندازد که شروع به باز شدن کند.[۱]

۲. اگر بعد از ماه گرفتگی بفهمد تمام آن گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بخواند و اگر مقداری گرفته بود یا ماه گرفتگی جزئی بوده، قضا لازم نیست.[۲]

۳. اگر بعد از باز شدن تمام قرص ماه بخواهد نماز آیات بخواند، باید نیت قضا کند.

اصل و فرع

مواردی درفقه وجود دارد که فرع، مهم‌تر از اصل است همچون موارد زیر:

۱. سلام مستحب است و جواب سلام واجب است.[۳]

۲. نماز جماعت مستحب است ولی تبعیت از امام جماعت در افعال واجب است.[۴]

۳. نذر واجب نیست، ولی عمل به آن واجب است.[۵]

۴. روزه اعتکاف مستحب است ولی روزه روز سوم واجب است.[۶]

سه نکته درباره عهد

۱. عهد آن است که شخص با خدا عهد کند اگر به حاجت شرعی خود برسد، کار خیری را انجام دهد. یا بگوید با خدا عهد می‌کنم عمل خیری را انجام دهد.[۷]

۲. عمل به عهد همچون نذر واجب است به شرط این که صیغه عهد بخواند مثلًا بگوید: «با خدا عهد کردم فلان کار خیر را انجام دهم».[۸]

۳. اگر کسی که با خدا عهد نموده، به عهد خود عمل نکند، باید کفاره بدهد یعنی شصت فقیر را سیر کند یا شصت روز روزه بگیرد.

مواردی که ترک واجبات مانعی ندارد

۱. آنجا که انسان طاقت و توان انجام کاری را ندارد. (ما لا یطیقون)

۱- همان، م ۱۴۹۵.

۲- همان، م ۱۴۹۹.

۳- تحریرالوسیله مترجم، ج ۱، م ۸

۴- همان، ج ۱، ص ۴۹۴، م ۹.

۵- همان، ج ۳، ص ۱۹۵.

۶- همان، ج ۲، ص ۵۶۵.

۷- توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۶۶۷.

۸-« عاهدت الله ...» یا« علَی عهد ان افعل کذا».

۲. در مواردی که انجام وظیفه شرعی همچون روزه داری برای انسان ضرر داشته باشد.

۳. در مواردی که عسر و حرج باشد. (حج/ ۷۸)

کتابنامه

- قرآن کریم.
- الواجبات و المحرمات، آیة الله محمد حسینی شیرازی، نشر امام مهدی (عج).
- الفیه و نفلیه در واجبات نماز، شهید اول.
- حدود الشریعه، فی الواجبات، محمد محسنی، بوستان کتاب.
- واجب و حرام، آیة الله مشکینی، نشر الهادی.
- الحقوق و الواجبات فی الاسلام، آیة الله عبدالله جوادی آملی.
- انوار الاصول، آیة الله مکارم شیرازی.
- توضیح المسائل مراجع، دو جلدی، انتشارات اسلامی.
- عروة الوثقی، دو جلدی، سید محمدکاظم یزدی، انتشارات علی بن ابیطالب.
- تحریرالوسیله امام خمینی (ره)، چهار جلدی، انتشارات اسلامی.
- بحارالانوار، علامه مجلسی، چاپ بیروت.
- فرهنگ فقه، آیة الله شاهرودی، نشر دائرة المعارف فقه اسلامی.

کتاب را با بخشی از خطبه امام علی (ع) در دعا به افرادی که نسبت به واجبات و محرمات پایبندند پایان می‌بریم:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ الَّذِينَ تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَى دِينِكَ وَ مِلَّةِ نَبِيِّكَ (ص) اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمْ وَ تَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ أَدْخِلْ عَلَيْهِمُ الْمَغْفِرَةَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الرِّضْوَانَ وَ اغْفِرْ لِلْأَحْيَاءِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الَّذِينَ وَحَّدُوكَ وَ صَدَّقُوا رَسُولَكَ وَ تَمَسَّكُوا بِدِينِكَ وَ عَمِلُوا بِفَرَائِضِكَ وَ اقْتَدَوْا بِنَبِيِّكَ وَ سَنُّوا سُنَّتَكَ وَ أَحَلُّوا حَلَالَكَ وَ حَرَّمُوا حَرَامَكَ وَ خَافُوا عِقَابَكَ وَ رَجَوْا ثَوَابَكَ وَ وَالَوْا أَوْلِيَاءَكَ وَ عَادَوْا أَعْدَاءَكَ اللَّهُمَّ اقْبَلْ حَسَنَاتِهِمْ وَ تَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ أَدْخِلْهُمْ بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِين[1]

بار خدایا ما را بیامرز و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه را، زنده باشند یا مرده، کسانی که بر کیش خود جان آنها را گرفتی و بر ملت و آئین پیغمبرت، بار خدایا کردار نیک آنها را بپذیر، از کردار بدشان در گذر، رحمت و آمرزش و رضوان بدانها ارزانی دار، بیامرز زنده‌های از مردان مؤمن و زنان مؤمنه را آن کسانی که

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۵.

تو را یگانه پرستیدند و رسولت را تصدیق کردند وبه دینت چسبیدند به واجباتت عمل نمودند، از پیامبرت پیروی کردند، روش و سنت تو را بر جای داشتند حلالت را حلال و حرامت را حرام شمردند، از کیفر تو ترسیدند، به ثوابت امیدوار شدند، با دوستانت دوستی کردند، با دشمنانت دشمنی نمودند. بار خدایا حسنات آنها را بپذیر و از بدی‌هایشان در گذر و به رحمت خود آنان را در شمار بندگان خوبت درآور اله الحق آمین.